



مرکز تحقیقات ایرانیکا

اصفهان

گامی



عمر الکرما
علیه السلام

www. **Ghaemiyeh** .com
www. **Ghaemiyeh** .org
www. **Ghaemiyeh** .net
www. **Ghaemiyeh** .ir



مصاحف قرآنی

تألیف: زینب زین

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

مصاحف قرآنی

نویسنده:

فاطمه زیان

ناشر چاپی:

مرکز مطالعات و پاسخ گویی به شبهات حوزه های علمیه

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان

فهرست

۵	فهرست
۸	مصاحف قرآنی
۸	مشخصات کتاب
۹	اشاره
۱۴	فهرست مطالب
۲۰	مقدمه
۲۲	فصل اول کلیات
۲۲	اشاره
۲۴	مفهوم شناسی مصحف
۲۶	علت نام گذاری قرآن به مصحف
۲۷	تحریف ناپذیری قرآن
۲۷	اشاره
۲۸	مفهوم شناسی تحریف
۲۹	تحریف ناپذیری قرآن از نظر علمای اسلام
۳۲	دلایل تحریف ناپذیری قرآن
۳۲	اشاره
۳۳	الف) دلایل قرآنی
۳۳	ب) دلایل روایی
۳۴	ج) دلیل عقلی
۳۵	د) دلیل تاریخی
۳۵	شبهات تحریف ناپذیری قرآن
۳۵	اشاره
۳۵	شبهه مماثلت
۳۶	روایات تحریف
۳۷	وجود نام امه علیهم السلام
۴۰	فصل دوم مصحف امیرالمؤمنین علی علیه السلام
۴۰	اشاره
۴۳	وجود مصحف امام علی علیه السلام
۴۳	اشاره
۴۵	الف) اخبار مصحف امام علی علیه السلام در منابع روایی شیعی و سنی
۴۹	ب) نقد دلایل انکار وجود مصحف امام علی علیه السلام
۵۳	امام علی علیه السلام اولین جامع قرآن
۵۳	اشاره
۵۶	بررسی گزارشات تعارض نما
۶۲	مدت نگارش مصحف امام علیه السلام
۶۳	مصحف امام علی علیه السلام و تحریف قرآن
۷۱	ترتیب آیات و سوره ها در مصحف امام علیه السلام
۷۱	اشاره
۷۲	درآمدی بر ترتیب آیات و سوره ها در قرآن

۷۷	دلایل نقلی جمع آوری بر اساس ترتیب نزول
۷۷	اشاره
۷۷	الف) گزارش سلمان
۸۰	ب) گزارش ابورافع
۸۱	ج) گزارش محمد بن سیرین
۸۳	د) روایات ظهور حجت
۸۴	دلیل عقلی نزولی بودن ترتیب مصحف امام علی علیه السلام
۸۷	وجود دو مصحف برای امام علی علیه السلام
۸۹	فایده و اهمیت مصحف امام علی علیه السلام
۹۱	علت عدم پذیرش مصحف امام علی علیه السلام
۹۳	سرنوشت مصحف امام علی علیه السلام
۹۸	فصل سوم مصحف حضرت فاطمه زهرا علیها السلام
۹۸	اشاره
۱۰۱	وجود مصحف حضرت زهرا علیها السلام
۱۰۵	مصحف حضرت زهرا علیها السلام و تحریف قرآن
۱۰۵	اشاره
۱۰۶	۱. عنوان «مصحف»
۱۱۰	۲. نزول جبرئیل
۱۱۳	۳. حجم مصحف
۱۱۵	املاکننده مصحف حضرت زهرا علیها السلام
۱۱۸	کاتب مصحف حضرت زهرا سلام الله علیها
۱۲۰	انتساب مصحف به حضرت زهرا علیها السلام
۱۲۱	فایده مصحف حضرت زهرا علیها السلام یکی از سؤالات پیرامون مصحف حضرت زهرا علیها السلام این است که برخی می گویند وقتی مصحف حضرت زهرا علیها السلام هرگز در دسترس مردم قرار نگرفته است وجود آن چه فایده ای دارد؟ آیا بحث درباره آن بی ثمر نیست؟
۱۲۳	شکایت حضرت زهرا علیها السلام
۱۲۶	فصل چهارم مصحف ابوبکر
۱۲۶	اشاره
۱۲۹	وجود مصحف ابوبکر
۱۳۳	مصحف ابوبکر و تحریف قرآن
۱۳۶	نام گذاری مصحف ابوبکر
۱۳۷	شخصی بودن مصحف ابوبکر
۱۴۰	فصل پنجم مصاحف عثمانی
۱۴۰	اشاره
۱۴۶	اعتبار مصاحف عثمانی
۱۴۶	اشاره
۱۴۶	مخالفت صحابه
۱۴۷	اغلاط مصاحف عثمانی
۱۵۲	سوزاندن مصاحف
۱۵۳	تغییر مصاحف عثمانی به وسیله حجاج
۱۵۵	اختلاف مصاحف عثمانی
۱۵۸	فصل ششم مصاحف سایر اصحاب

۱۵۸	اشاره
۱۶۰	مصحف ابن مسعود
۱۶۶	مصحف ابی بن کعب
۱۷۰	دیگر مصاحف
۱۷۶	منابع و مأخذ
۱۸۸	درباره مرکز

مصاحف قرآنی

مشخصات کتاب

سرشناسه : ژیان، فاطمه، 1355 -

عنوان و نام پدیدآور : مصاحف قرآنی / فاطمه ژیان؛

تهیه کننده مرکز مطالعات و پاسخ گویی به شبهات (حوزه های علمیه).

مشخصات نشر : قم: حوزه علمیه قم، مرکز مدیریت، 1397.

مشخصات ظاهری : 176ص.

شابک : 939-7550-600-978

وضعیت فهرست نویسی : فیا

یادداشت :

پشت جلد به انگلیسی: .: The Quranic copice

یادداشت :

کتابنامه: ص. 170.

موضوع : قرآن -- تحقیق

Qur'an -- Research

موضوع : قرآن -- رسم الخط و کتابت

Qur'an -- Orthography

شناسه افزوده : حوزه علمیه قم. مرکز مطالعات و پاسخگویی به شبهات

رده بندی کنگره : 3/BP65/ژ9م6 1397

رده بندی دیویی : 297/159

شماره کتابشناسی ملی : 5205169

اطلاعات رکورد کتابشناسی : فیپا

فهرست نویسی بر اساس اطلاعات فیپا

خیراندیش دیجیتالی : انجمن مددکاری امام زمان (عج) اصفهان

ویراستار کتاب : خانم شهناز محققیان

ص: 1

اشاره

مصاحف قرآنی

فاطمه زیان

ص: 3

سرشناسنامه:

عنوان و نام پدیدآور: مصاحف قرآنی / فاطمه ثیان؛

تهیه کننده مرکز مطالعات و پاسخ گویی به شبهات (حوزه های علمیه)

مشخصات نشر: قم، مرکز مدیریت حوزه های علمیه، 1397.

مشخصات ظاهری: 176 ص.

شابک:

وضعیت فهرست نویسی: فیبا

یادداشت:

موضوع:

موضوع:

شناسنامه افزوده:

شناسنامه افزوده:

رده بندی کنگره

رده بندی دیویی:

شماره کتابشناسی ملی:

مصاحف قرآنی

نویسنده: فاطمه ثیان

تهیه کننده: مرکز مطالعات و پاسخ گویی به شبهات (حوزه های علمیه)

ناشر:

چاپ:

شمارگان:

قیمت:

شابک:

تلفن: 025-37737217

تلفکس: 025-37737213

آدرس: قم - خیابان شهدا (صفائیه) - کوچه شماره 37 - پلاک 16

مرکز مطالعات و پاسخگویی به شبهات (حوزه های علمیه)

ص: 4

مقدمه...9

فصل اول: کلیات

مفهوم شناسی مصحف...13

علت نام گذاری قرآن به مصحف...15

تحریف ناپذیری قرآن...16

مفهوم شناسی تحریف...17

تحریف ناپذیری قرآن از نظر علمای اسلام...18

دلایل تحریف ناپذیری قرآن...21

الف) دلایل قرآنی...21

ب) دلایل روایی...22

ج) دلیل عقلی...23

د) دلیل تاریخی...24

شبهات تحریف ناپذیری قرآن...24

شبهه مماثله...24

روایات تحریف...25

وجود نام ائمه علیهم السلام...26

فصل دوم: مصحف امیرالمؤمنین علی علیه السلام

وجود مصحف امام علی علیه السلام...32

الف) اخبار مصحف امام علی علیه السلام در منابع روایی شیعی و سنی...34

ب) نقد دلایل انکار وجود مصحف امام علی علیه السلام...38

امام علی علیه السلام اولین جامع قرآن...42

بررسی گزارشات تعارض نما...46

مدت نگارش مصحف امام علیه السلام...51

مصحف امام علی علیه السلام و تحریف قرآن...53

ترتیب آیات و سوره ها در مصحف امام علیه السلام...61

درآمدی بر ترتیب آیات و سوره ها در قرآن...61

دلایل نقلی جمع آوری بر اساس ترتیب نزول...67

الف) گزارش سلمان...67

ب) گزارش ابورافع...69

ج) گزارش محمد بن سیرین...71

د) روایات ظهور حجت...73

دلیل عقلی نزولی بودن ترتیب مصحف امام علی علیه السلام...74

وجود دو مصحف برای امام علی علیه السلام...77

فایده و اهمیت مصحف امام علی علیه السلام...79

عدم پذیرش مصحف امام علی علیه السلام...81

سرنوشت مصحف امام علی علیه السلام...83

فصل سوم: مصحف حضرت فاطمه زهرا علیها السلام

وجود مصحف حضرت زهرا علیها السلام...91

مصحف حضرت زهرا علیها السلام و تحریف قرآن...95

1. عنوان «مصحف»...96

2. نزول جبرئيل...100

3. حجم مصحف...104

امالاكنده مصحف حضرت عليهاالسلام...105

ص:6

کاتب مصحف حضرت زهرا علیها السلام...109

انتساب مصحف به حضرت زهرا علیها السلام...111

فایده مصحف حضرت زهرا علیها السلام...112

شکایت حضرت زهرا علیها السلام...114

فصل چهارم: مصحف ابوبکر

وجود مصحف ابوبکر...120

مصحف ابوبکر و تحریف قرآن...124

نام گذاری مصحف ابوبکر...127

شخصی بودن مصحف ابوبکر...128

فصل پنجم: مصاحف عثمانی

اعتبار مصاحف عثمانی...138

مخالفت صحابه...138

اغلاط مصاحف عثمانی...139

سوزاندن مصاحف...144

تغییر مصاحف عثمانی به وسیله حجاج...146

اختلاف مصاحف عثمانی...148

فصل ششم: مصاحف سایر اصحاب

مصحف ابن مسعود...153

مصحف ابی بن کعب...159

دیگر مصاحف...163

منابع و مأخذ...170

قرآن، آخرین کتاب آسمانی نازل شده بر خاتم الانبیاست که مشتمل بر اموری چون تبیین صحیح عالم هستی، شؤونات فردی و اجتماعی انسان، مسائل دنیوی و اخروی او و بسیاری دیگر از مسائل است؛ سالم ماندن از تحریف نیز از جمله ویژگی های خاص قرآن است که خود وجهی از وجوه اعجاز قرآن به شمار می آید. برخوردار از این کتاب آسمانی از چنین مشخصه های منحصر به فردی، ضرورت ها و وظائفی را برای همه جویندگان حقیقت خصوصا مسلمانان رقم می زند که یکی از آنها حفظ این کتاب الهی است.

کتابت قرآن در قلمرو زمانی نزول تدریجی، امری بود که به فرمان پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و به منظور صیانت از آن انجام شد و این امر در نهایت به ظهور مصاحف قرآنی انجامید اما در این میان، نکته قابل توجه آن است که ظهور و بروز مصاحف قرآنی در عین اهمیت و ضرورت، از توجهات و تأملات پیرامونی بی نیاز نبوده است. کیفیت تدوین، درجه اعتبار، صلاحیت و میزان اهتمام صاحبان مصاحف در جمع قرآن، برخی از مباحثی است که پیرامون مصاحف قرآنی مطرح بوده است. انگیزه ها و دواعی مختلف برای گردآوری قرآن را نیز به لحاظ حساسیت و اهمیت موضوع که «قرآن» است، نباید از نظر دور داشت.

بدیهی است مسائلی از این دست و دیگر مباحث مرتبط با مصاحف قرآنی، می توانسته منشأ سؤالات و شبهاتی در موضوع مصاحف قرآنی باشد، بر همین اساس، از قدیم الایام، تحقیقات پیرامونی در این خصوص انجام

گردیده است اما به نظر می رسد با توجه به اهمیت موضوع، هنوز باب مطالعات و پژوهش های جدی تر باز است.

کتاب مصاحف قرآنی که پیش روی شما عزیز فرهیخته قرار دارد با هدف پاسخ گویی به سؤالات و شبهات پیرامون مصاحف قرآنی تدوین گردیده است و امید است مورد توجه حضرت بقیة الله الأَعْظَم عجل الله تعالی فرجه الشریف قرار گرفته و رضایت علمی خوانندگان محترم را برآورده سازد.

در خاتمه از نویسنده محترم خانم فاطمه ژیان، ارزیابان علمی (حجج اسلام آقایان محمد جواد اسکندرلو و محمد حسین محمدی) و مدیر محترم گروه قرآن و حدیث مرکز (حجت الاسلام حسن رضا رضایی)، تقدیر و تشکر می نمایم.

حسن رضایی مهر

مرکز مطالعات و پاسخ گویی به شبهات-رئیس حوزه های علمیه

ص: 10

پیش از بررسی و تبیین نظرات مختلفی که در مورد مصاحف اصحاب رسول خدا صلی الله علیه و آله مطرح شده است، بیان برخی مباحث به منظور پیش درآمدی بر مباحث اصلی، لازم و ضروری به نظر می‌رسد؛ لذا در این بخش ابتدا به مسائلی چون مفهوم شناسی «مصحف» و «تحریف ناپذیری قرآن» پرداخته شده است.

مفهوم شناسی مصحف

به دست آوردن مفهوم صحیح واژگان با بررسی معنای لغوی و کاربردهای آن واژگان در مواضع گوناگون به دست می‌آید؛ بنابراین دستیابی به مفهوم دقیق واژه «مصحف» در سایه بررسی معنای لغوی و کاربرد این واژه در عصر صحابه امکان پذیر خواهد شد.

«مصحف» از «صحف» گرفته شده و «صحف» به معنای انبساط و وسعت چیزی است (1) همان گونه که «صحيفة الوجه» به معنای روی گشاده است. (2)

«صحیفه» تکه ای از کاغذ یا چرم و مانند آن است که بر روی آن می‌نویسند (3) و جمع آن، «صحف» و «صحائف» است (4) و «مصحف» جامعی برای صحف نوشته شده در میان دو جلد است (5) و «تصحیف» به معنای

ص: 13

1- ابن فارس، معجم مقاییس اللغة، ج 3، ص 334: راغب اصفهانی، حسین بن محمد، المفردات في غريب القرآن، ص 476.

2- المفردات في غريب القرآن، همان.

3- معجم مقاییس اللغة، ج 3، ص 334؛ فخر الدین طریحی، مجمع البحرین، ج 5، ص 77.

4- معجم مقاییس اللغة، همان؛ المفردات في غريب القرآن، همان.

5- خلیل بن احمد فراهیدی، کتاب العین، ج 3، ص 120: المفردات في غريب القرآن، ص 476 ابن منظور، محمد بن مکرم، لسان العرب، ج 9، ص 186.

خطای در نوشتار یا قرائت، از همین ریشه است. (1) بنابر این از نظر لغویان «مصحف» اوراق نوشته شده پیوست شده به یکدیگر است، اما «صحیفه» هر آن چیزی است که بر روی آن می نویسند و «کتاب» یک یا چند ورق است که بر روی آن نوشته شده است. (2)

در روایات متعدد پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله لفظ «مصحف» به معنای قرآن به کار رفته است؛ به عنوان نمونه رسول خدا صلی الله علیه و آله می فرمایند: «نگاه کردن به علی، خانه خدا، مصحف و والدین عبادت است» (3) و نیز فرمودند: «سه چیز در روز قیامت شکایت می کنند: مصحف، مسجد و عترت.» (4)

ممکن است از روایات فوق چنین استنباط شود که در عصر نزول قرآن «مصحف» نام اختصاصی قرآن بوده است، اما پذیرش چنین ادعایی به دلایل متعدد قابل خدشه است؛ چراکه:

اولاً- در برخی از روایات نقل شده از پیامبر صلی الله علیه و آله واژه «مصحف» در مفهوم لغوی آن به کار رفته است؛ مثلاً ایشان می فرمایند: «هرکس قرآن را از روی «مصحف» قرائت کند، خداوند عذاب والدین او را می کاهد.» (5) اگر «مصحف» نامی برای قرآن بود، این روایت نامفهوم مینمود.

ثانیاً در برخی از گفته ها و سخنان صحابه نیز واژه «مصحف» در مفهوم لغوی آن به کار رفته است؛ مثلاً «ام سلمه» در بیان داستان حبشه این لفظ را در مورد کتب اسقف ها به کار برده است. (6)

ص: 14

1- لسان العرب، همان؛ المفردات فی غریب القرآن، ص 476.

2- ابوهلال عسکری، فروق اللغویة، ص 447

3- محمداقصر مجلسی، بحار الأنوار، ج 1، ص 204، ص 368.

4- بحار الأنوار، ج 7، ص 222؛ ج 42، ص 186؛ علی بن محمد واسطی، عیون الحکم و المواعظ، ص 214.

5- حسین نوری، مستدرک الوسائل، ج 4، ص 269.

6- مسند احمد بن حنبل، ج 1، ص 202؛ سید محسن امین، اعیان الشیعة، ج 4، ص 123

سوم آنکه حتی پس از رحلت رسول خدا صلی الله علیه و آله، همچنان «مصحف» به معنای لغوی آن به کار می رفته است؛ چنانچه امام صادق علیه السلام می فرماید: «هرکس قرآن را از روی مصحف قرائت نماید، دیدگان وی نیز بهره مند می شوند.»⁽¹⁾ و ابن سیرین نیز در بیان داستان جمع آوری قرآن توسط حضرت علی علیه السلام می نویسد: «امام علی علیه السلام پس از وفات پیامبر صلی الله علیه و آله قسم یاد کرد که عبا بر دوش نگیرد مگر برای نماز جمعه، تا آنکه قرآن را در مصحفی گرد آورد.»⁽²⁾

بنابر آنچه بیان شد، می توان نتیجه گرفت که در قرن نخست هجری «مصحف» به مجموعه نوشتارهای میان دو جلد اطلاق می شد، حال این نوشتارها ممکن بود قرآنی و یا غیر قرآنی باشد و گاه نیز به عنوان یکی از اسامی قرآن به کار رفته است.

ناصر الدین اسد نیز می گوید: «آنان واژه مصحف را برای «کتاب جمع شده»، نه بر مطلق قرآن، به کار می بردند.»⁽³⁾

علت نام گذاری قرآن به مصحف

پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله زمان نزول تدریجی قرآن که حدود بیست و سه سال به طول انجامید، افرادی را به عنوان «کتاب وحی» مأمور نگاشتن آیات قرآن کردند؛ هرگاه آیه ای بر پیامبر صلی الله علیه و آله نازل می شد، ایشان کاتبان وحی را فرا می خواندند و آیات را بر آنان قرائت می فرمودند تا قرآن را به نگارش در آوردند. حضرت علی علیه السلام، ابی بن کعب و دیگران، از جمله «کتاب وحی» در زمان پیامبر صلی الله علیه و آله به شمار می روند.»⁽⁴⁾

ص: 15

1- محمد بن یعقوب کلینی، الکافی، ج 2، ص 613

2- عبدالله بن عبدالله حاکم حسکانی، شواهد التنزیل القواعد التفضیل، ج 1، ص 36.

3- محمد علی مهدوی راد، پژوهش گونه ای درباره مصحف فاطمه علیها السلام، ص 24 به نقل از ناصرالدین الأسد، مصادر الشعر الجاهلی و قیمتھا التاریخیه، ص 139.

4- محمد هادی معرفت، تاریخ قرآن، ص 28.

پس از مدتی برخی از «کتاب وحی» و دیگر صحابه از نوشتارهای قرآنی مجموعه‌هایی را فراهم آوردند و از آنجا که - همان گونه که بیان آن گذشت - در دوران نبی اکرم صلی الله علیه و آله مصحف به مجموعه‌های مدون قرار گرفته میان دو جلد اطلاق می‌شد، این گونه نوشتارها را مصاحف قرآنی نامیدند.

بنابر این می‌توان گفت که وجه نام‌گذاری قرآن به «مصحف»، نوشته شدن آن میان دو جلد است؛ به بیان دیگر به قرآن مکتوب، «مصحف» اطلاق می‌شد، نه به قرآن به طور مطلق؛ و بر همین اساس پس از وفات پیامبر صلی الله علیه و آله به علت رواج نوشتارهای قرآنی و استفاده گسترده از قرآن مکتوب، این نام کم‌کم به عنوان یکی از اسامی اختصاصی قرآن مطرح شد.

از طرف دیگر مصاحف قرآنی فراهم آمده به صاحب آنها نسبت داده شد؛ صاحبان این مصاحف گاه خود نگارندگان آنها بودند، همانند «مصحف ابن مسعود» و گاه افرادی بودند که مصاحف به دستور آنان جمع‌آوری گردید و خود رأساً اقدام به نگارش قرآن ننموده‌اند، همانند «مصحف ابوبکر» و این گونه، مصاحف متعددی از قرآن به وجود آمد.

تعریف ناپذیری قرآن

اشاره

یکی از مهم‌ترین مباحث علوم قرآن، مسئله صیانت قرآن و تعریف ناپذیری آن است. در کتاب‌های علوم قرآنی و کتاب‌های مستقلی که جهت بیان این امر به نگارش در آمده، به تفصیل در این باره سخن گفته شده است؛ از جمله این کتاب‌ها می‌توان از «صيانة القرآن من التحريف» اثر محمد هادی معرفت، «قرآن هرگز تحریف نشده» اثر حسن حسن زاده آملی، «التحقيق في نفی التحريف عن القرآن الشريف» اثر علی میلانی، «اکذوبة تحريف القرآن بين الشيعة و السنة» اثر رسول جعفریان و «سلامة القرآن من التحريف» اثر فتح الله محمدی نام برد.

از آنجا که برخی از شبهات وارده بر تعریف ناپذیری قرآن، به برخی

روایات جمع آوری قرآن و گزارش هایی از مصاحف صحابه مستند است، بیان مختصری از مهم ترین مباحث مرتبط با صیانت قرآن از تحریف، ضروری است گرچه خواننده گرامی جهت کسب اطلاعات بیشتر، لازم است به کتاب های مفصلی که در این زمینه نگاشته شده است، مراجعه نماید.

مفهوم شناسی تحریف

واژه «تحریف» از «حرف» به معنای گوشه، کناره و لبه است. (1) تحریف چیزی به معنای مایل کردن آن است. (2) همان گونه که «تحریف القلم» تراشیدن و تغییر شکل دادن قلم است. (3) «تحریف الکلام» یعنی سخن را بر یکی از معانی احتمالی قرار دادن در حالی که دو وجه و دو معنی داشته باشد؛ (4) همچنین به معنای تحول مقصود گوینده از آنچه به وسیله کلام اراده کرده است، می باشد.

در قرآن نیز واژه «تحریف» به معنای تغییر معنای اصلی کلام، به کار رفته است، خداوند در بیان حالات یهودیان می فرماید: «يُحَرِّفُونَ الْكَلِمَ عَنْ مَوَاضِعِهِ» (5) گرچه احتمال دارد که مراد از «تحریف» در این آیه شریفه تغییر کلمات آن نیز باشد. (6)

هرگاه سخن از تحریف و تحریف ناپذیری قرآن به میان آید، منظور، تغییر معانی، مراد و تفسیر آیات قرآن نیست؛ بلکه تغییر در الفاظ و کلمات قرآن، کم یا زیاد شدن کلمه، کلمات، آیه، آیات، سوره و سوره هایی از قرآن مورد نظر است. (7)

ص: 17

1- المفردات فی غریب القرآن، ص 228؛ مقایس اللغة، ج 2، ص 42.

2- لسان العرب، ج 9، ص 43.

3- المفردات فی غریب القرآن، ص 228.

4- المفردات فی غریب القرآن، ص 228؛ مجمع البحرین، ج 5، ص 37.

5- نساء، آیه 46

6- سید علی اکبر قرشی، قاموس قرآن، ج 3، ص 121.

7- محمد هادی معرفت، مصونیت قرآن از تحریف، ص 24 - 25.

به بیانی دیگر تحریف به دو گونه است؛ تحریف معنوی و تحریف لفظی. تحریف لفظی نیز به دو قسم تحریف به زیاده و تحریف به نقصان، تقسیم می شود. (1) تحریف معنوی قطعاً در قرآن به وقوع پیوسته است، همان گونه که امیر المؤمنین علیه السلام در توصیف گروه جاهالان عالم نما می فرماید: «قَدْ حَمَلَ الْكِتَابَ عَلَى آرائِهِ». (2) بنابر این تحریف معنوی قرآن، مورد بحث و گفتگوی قرآن پژوهان نبوده و نیست.

در مورد تحریف لفظی نیز تحریف به زیاده یعنی زیاد شدن و افزودن به الفاظ، آیات و سوره های قرآن به اجماع مسلمانان مردود بوده، کسی آن را نپذیرفته و دلایل متقنی بر عدم وقوع آن اقامه شده است اما در مورد تحریف به نقیصه یعنی کم شدن کلمات، آیات و یا سوره های قرآن بحث و گفتگو وجود دارد. بنابراین می توان گفت مراد قرآن پژوهان از بحث «وقوع یا عدم وقوع تحریف در قرآن» تحریف به نقیصه است.

تحریف ناپذیری قرآن از نظر علمای اسلام

اکثر قریب به اتفاق علمای شیعه و اهل تسنن به عدم تحریف قرآن معتقدند؛ از میان علمای شیعه شیخ صدوق (م 381 هـ-ق) در کتاب «الاعتقادات» می نویسد: کسی که به ما نسبت دهد و بگوید ما گفته ایم قرآنی که بر پیامبر صلی الله علیه و آله نازل گردیده بیش از قرآن های موجود بوده، دروغگو است. (3)

سید مرتضی (م 436 هـ-ق) می گوید: اهتمام و انگیزه مسلمانان به شدت بر این بوده است که قرآن را حفظ و حراست کنند و به قول و نظر کسانی از امامیه یا حشویه، که در این امر با ما مخالفت کرده اند، اعتنایی نیست. (4)

ص: 18

1- حسین جوان آراسته، درسنامه علوم قرآنی، ص 309

2- نهج البلاغه، خطبه 87: قرآن کریم را بر اندیشه های خود حمل نموده است.

3- صدوق، الاعتقادات فی دین الامامیه، ص 84

4- طبرسی، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، ج 1، ص 44.

شیخ طوسی (م 460 هـ-ق) می نویسد: سزاوار نیست که سخنی درباره زیاده و نقصان در قرآن گفته شود؛ چراکه بر بطلان تحریف به زیاده در قرآن، اجماع است و نقصان در قرآن نیز خلاف ظاهر مذهب مسلمانان است. (1)

علامه حلی (م 726 هـ-ق) می گوید: حق این است که در قرآن کریم تبدیل، تقدیم، تأخیر، کم و زیادهای صورت نگرفته است و به خداوند پناه می بریم از کسی که به امثال این تحریف ها اعتقاد داشته باشد. (2)

علمای بزرگ دیگری از جمله محقق کرکی (م 940)، (3) قاضی نورالله تستری (م 1091)، (4) شیخ فتح الله کاشانی (م 988 هـ-ق)، (5) بهاء الدین عاملی (م 1030 هـ-ق)، (6) علامه مجلسی (م 1111 هـ-ق)، (7) شیخ حر عاملی (م 1104 هـ-ق)، (8) محمد مهدی بحرالعلوم (م 1212 هـ-ق)، (9) کاشف الغطاء (م 1228 هـ-ق)، (10) سید محسن اعرجی (م 1228 هـ-ق)، (11) جواد بلاغی (م 1352 هـ-ق)، (12) علامه طباطبائی (م 1402 هـ-ق)، (13) امام خمینی (م 1410 هـ-ق) (14) و

ص: 19

-
- 1- طوسی، التبیان، ج 1، ص 269 - 270.
 - 2- حسن بن یوسف حلی، اجوبة المسائل المهناية، ص 121.
 - 3- ابوالقاسم خوبی، البیان فی تفسیر القرآن، ص 253.
 - 4- حسن طاهری خرم آبادی، عدم تحریف قرآن، ص 39؛ علی حسینی میلانی، التحقیق فی نفی التحریف عن القرآن، ص 23.
 - 5- همان، ص 22.
 - 6- همان.
 - 7- همان، ص 23.
 - 8- عدم تحریف قرآن، ص 39 التحقیق فی نفی التحریف عن القرآن، ص 22.
 - 9- همان، ص 23.
 - 10- همان، ص 24.
 - 11- همان، ص 25.
 - 12- همان، ص 28 عدم تحریف قرآن، ص 41.
 - 13- همان، ص 41.
 - 14- همان، ص 41.

آیت الله خوبی (1413 هـ-ق)، (1) نیز به تحریف ناپذیری قرآن تصریح نموده اند.

با این وجود، برخی از اهل تسنن، شیعه را به اعتقاد به تحریف قرآن متهم نموده اند؛ مثلاً رافعی می گوید: «خدا شیعه را ذلیل نماید! گمانشان بر این است که قرآن، تبدیل، تغییر و زیاد و کم شده و از جایگاه خویش تحریف شده است». (2)

علی بن حزم ظاهری نیز می نویسد: «تمام امامیه (شیعه) از قدیم تا کنون به جز علی بن حسن سیدمرتضی، معتقدند که قرآن تبدیل یافته و در آن زیادی و نقصان فراوانی پدید آمده است». (3)

آلوسی نیز می نویسد: «قرآنی که امروزه در شرق و غرب عالم در دست مسلمانان و مرکز اسلام است، از دیدگاه شیعه حتی از تورات و انجیل هم بیشتر تحریف شده و از نظر تألیف نیز از آن دو کتاب ضعیف تر و در بر گیرنده اباطیل بیشتری است». (4)

همچنین قفاری، اظهارات شیعه مبنی بر عدم تحریف قرآن را از روی نقیه می داند. (5)

البته برخی از اهل تسنن نیز راه انصاف را پیموده و گفته اند: نزد اکثر علمای شیعه اثناعشری، قرآن کریم از تغییر و تبدیل مصون و محفوظ است. (6)

در مقابل رأی مشهور، تعداد اندکی از مسلمانان معتقد به تحریف قرآن هستند؛ از میان علمای اهل تسنن ابوالحسن محمد بن احمد معروف به

ص: 20

1- البیان فی تفسیر القرآن، ص 213 - 278

2- عدم تحریف قرآن، ص 20 به نقل از اعجاز القرآن، ص 143.

3- همان به نقل از ابن حزم اندلسی، الفصل فی الملل و الاواء و النحل، ج 4، ص 182.

4- سید محمود آلوسی، روح المعانی، ج 1، ص 23 - 24.

5- قفاری، اصول مذهب الشیعة، ص 235.

6- محمد هادی معرفت، صیانة القرآن من التحریف، ص 82 به نقل از رحمت الله هندی، اظهار الحق، ج 2، ص 206 - 209.

ابن شنبود بغدادی (م 328 هـ-ق) از پیشگامان اعتقاد به تحریف قرآن است؛⁽¹⁾ سید نعمت الله جزایری، از علمای شیعه نیز اخبار تحریف قرآن را مستفیض و متواتر دانسته است.⁽²⁾

محدث نوری کتابی به نام «فصل الخطاب فی تحریف الکتاب» در اثبات تحریف قرآن نوشت اما پس از اعتراض علمای شیعه به وی و نوشتن کتاب «کشف الارتیاب عن تحریف کتاب رب الارباب» به وسیله شیخ محمود معرب تهرانی در رد این کتاب، محدث نوری جزوه ای در تکمیل کتاب خود به رشته تحریر در آورد و تصریح نمود که راضی نیست که کسی کتاب «فصل الخطاب» را بدون مطالعه این جزوه بخواند. وی در این جزوه آورده است که مقصود من از تألیف این کتاب، بیان این امر بود که تعدادی از روایات و قرائن، این احتمال را مطرح می سازند اما در قرآن موجود، به هیچ وجه از زمان گردآوری تاکنون دخل و تصرفی نشده است. گرچه محتوای کتاب «فصل الخطاب» عکس این مطلب را ثابت می نماید.⁽³⁾

دلایل تحریف ناپذیری قرآن

اشاره

در کتاب هایی که جهت اثبات عدم تحریف قرآن به نگارش در آمده، دلایل تحریف ناپذیری قرآن به تفصیل بیان شده است، اما در این مجال تنها مختصری از مهم ترین دلایل اثبات تحریف ناپذیری قرآن آورده شده است که بدان اشاره می شود:

الف) دلایل قرآنی

آیات متعددی از قرآن کریم بر عدم راه یابی تغییر، تبدیل و باطل به قرآن دلالت دارد از جمله آنها می توان به آیات زیر اشاره نمود:

ص: 21

1- حسن حسن زاده آملی، قرآن هرگز تحریف نشده، ص 110-111.

2- سید نعمت الله جزایری، الانوار النعمانیة، ج 2، ص 246.

3- رضا استادی، آشنایی با تفاسیر، به ضمیمه مسئله عدم تحریف قرآن و چند بحث قرآن، ص 9-14.

خداوند متعال در سوره حجر می فرماید: «إِنَّا نَحْنُ نَزَّلْنَا الذِّكْرَ وَإِنَّا لَهُ لَحَافِظُونَ»؛ (1) قطعاً ما خود، قرآن را فرستاده ایم و قطعاً خود ما پاسدار آن هستیم». این آیه به صراحت از محافظت خداوند متعال از قرآن، سخن به میان آورده است.

همچنین خداوند عزوجل در سوره فصلت می فرماید: «وَإِنَّهُ لَكِتَابٌ عَزِيزٌ لَا يَأْتِيهِ الْبَاطِلُ مِنْ بَيْنِ يَدَيْهِ وَلَا مِنْ خَلْفِهِ تَنْزِيلٌ مِّنْ حَكِيمٍ حَمِيدٍ» (2) که در این آیه نیز خداوند وعده کرده است که قرآن از تباه شدن و از گزند حوادث روزگار محفوظ خواهد ماند. (3)

ب) دلایل روایی

روایات متعددی به تحریف ناپذیری قرآن تصریح یا اشاره دارند که به برخی از آنها اشاره می شود

1. بر اساس حدیث متواتر ثقلین، تمسک به قرآن و عترت تا ابد موجب هدایت بشر است؛ حال اگر قرآن تحریف شده بود دیگر نمی توانست هدایت کننده بشر باشد و نباید به آن تمسک شود؛ در حالی که طبق این روایت برای راهیابی به سعادت، راهی جز اقتدا به قرآن نیست. (4)

علاوه بر این، روایت مذکور بر جدانپذیری ابدی اهل بیت علیهم السلام از قرآن دلالت دارد، در حالی که اگر قرآن تحریف شود، راه آن از اهل بیت علیهم السلام جدا خواهد شد.

2. در روایات متعددی که به روایات عرضه مشهور است، قرآن وسیله

ص: 22

1- حجر، آیه 9.

2- فصلت، آیه 41-42: به راستی آن کتابی شکست ناپذیر است. از پیش رویش و از پشت سرش باطل به سویش نمی آید. از جانب خدای حکیم و ستوده نازل شده است.

3- محمد هادی معرفت، صیانة القرآن من التحريف، ص 46؛ التحقيق في نفي التحريف عن القرآن، ص 38.

4- فتح الله محمدي، تحريف ناپذیری قرآن، ص 29؛ التحقيق في نفي التحريف عن القرآن، ص 43.

سنجش درستی یا نادرستی روایات معرفی شده است. (1) حال اگر ملاک ارزیابی روایات، قرآن است، خود قرآن باید از هر گونه خطا و تحریف مصون باشد. (2)

بر این اساس، روایاتی که در ظاهر دلالت بر تحریف قرآن دارد، با عرضه آنان به قرآن، قابل ارزیابی هستند و از آنجا که آیات متعددی بر تحریف ناپذیری قرآن دلالت دارد، این گونه روایات از گردونه روایات معتبر خارج خواهند شد.

3. در روایات متعددی از پیامبر صلی الله علیه و آله و اهل بیت علیهم السلام بر پناه بردن به قرآن در هنگامه فتنه ها سفارش و تأکید شده است (3) حال اگر قرآن دچار تحریف و لغزش شده باشد، چگونه می تواند در هنگام هجوم فتنه ها راه نجات باشد؟! (4)

4. احادیث متعددی از اهل بیت علیهم السلام به صراحت یا به اشاره بر سلامت قرآن از تحریف دلالت دارند؛ از جمله روایتی از امام صادق علیه السلام که می فرمایند: آنچه که بین دو جلد قرار دارد، قرآن است. (5)

ج) دلیل عقلی

قرآن کریم، سند نبوت، معجزه پیامبر صلی الله علیه و آله و وسیله هدایت آدمی است و از آنجا که پیامبر صلی الله علیه و آله خاتم انبیای الهی است؛ لذا معجزه او نیز باید همیشگی باشد و اگر قرآن تحریف شود، اعجاز قرآن از میان رفته و عمل به آن موجب گمراهی انسان ها می شود در نتیجه نقض غرض لازم می آید. (6)

ص: 23

-
- 1- الکافی، ج 1، ص 69.
 - 2- صیانة القرآن من التحریف، ص 47-48؛ التحقيق في نفي التحریف عن القرآن، ص 40.
 - 3- بحار الأنوار، ج 89 ص 24-25.
 - 4- عبدالله جوادی آملی، نزهت قرآن از تحریف، ص 97-103.
 - 5- ر.ک: صیانة القرآن من التحریف، ص 50.
 - 6- محمد هادی معرفت، صیانة القرآن من التحریف، ص 39، محمد باقر سعیدی روشن، علوم قرآن، ص 201-202؛ التحقيق في نفي التحریف عن القرآن، ص 55.

د) دلیل تاریخی

مسلمانان از صدر اسلام توجه ویژه ای به جمع آوری، حفظ، ضبط، قرائت و نگارش قرآن داشته اند. انس با قرآن، قداست آن و حساسیت فوق العاده ای که آنان نسبت به کوچک ترین تغییری در قرآن داشتند، (1) تردیدی بر عدم تحریف قرآن بر جای نمی گذارد. (2) علاوه بر این اگر در قرآن تحریف و تغییری صورت می گرفت، محال بود که اهل بیت علیهم السلام در برابر آن سکوت نمایند. (3)

شبهات تحریف ناپذیری قرآن

اشاره

وجود دلایل عقلی و نقلی فراوان که به برخی از آنها اشاره شد، وجود هر گونه تحریف را در مورد قرآن نفی می کند اما شبهات و سؤالاتی در این باره وجود دارد که به برخی اشاره شده و پاسخ آنها داده می شود. (4)

شبهه مماثله

مضمون برخی از روایات نقل شده از پیامبر صلی الله علیه و آله آن است که امت اسلام از امت های گذشته پیروی می کند و هر چه در امت های گذشته اتفاق افتاده است، بدون کم و کاستی، عینا در این امت خواهد بود. (5) از طرف دیگر در تورات و انجیل تحریف صورت گرفته است، در نتیجه کتاب آسمانی مسلمانان نیز تحریف خواهد شد. (6)

ص: 24

1- جلال الدین سیوطی، الدر المنثور، ج 3، ص 269.

2- تحریف ناپذیری قرآن، ص 32

3- نزهت قرآن از تحریف، ص 126-127؛ صیانة القرآن من التحریف، ص 35؛ التحقیق فی نفی التحریف عن القرآن، ص 58.

4- برخی از شبهات طرح شده در مورد تحریف قرآن، ناظر به شیوه جمع آوری و مصاحف صحابه است که در فصل های بعد مطرح و پاسخ داده خواهد شد.

5- محمد باقر مجلسی، بحار الأنوار، ج 20، ص 135.

6- ابوالقاسم خوبی، البیان، ص 220.

در رد این شبهه باید گفت: گرچه برخی چون شیخ حر عاملی این روایات را متواتر بین شیعه و اهل تسنن دانسته اند⁽¹⁾ و علامه طباطبایی می گوید: «این روایات متضافره یا متواتره هستند.»⁽²⁾ اما متواتر بودن چنین روایاتی ثابت نیست چرا که برخی چون آیت الله خویی آن را خبر واحد دانسته اند.⁽³⁾

از سویی دیگر اگر دلالت این روایات صحیح باشد، باید گفت در کتاب های آسمانی گذشتگان، تحریف به زیاده نیز صورت گرفته است در حالی که بر عدم وقوع چنین تحریفی در قرآن اجماع وجود دارد.⁽⁴⁾

علاوه بر آن بسیاری از وقایعی که در امت های گذشته اتفاق افتاده، همانند گوساله پرستی، در امت اسلامی واقع نشده است؛ بنابراین می توان گفت که مراد از این روایات آن است که امت اسلامی در برخی جهات نه در تمام جهات به امت های گذشته شباهت دارد.⁽⁵⁾

روایات تحریف

محتوای برخی روایات دلالت بر تحریف دارد؛ در برخی از آنها به عدم وجود پاره ای از آیات و سوره ها در قرآن های موجود اشاره شده⁽⁶⁾ و در دیگر به صراحت، تحریف به قرآن نسبت داده شده است.⁽⁷⁾

ص: 25

-
- 1- عاملی، الايقاظ من اللهجة بالبرهان على الرجعة، ص 123.
 - 2- طباطبایی، المیزان، ج 12، ص 120.
 - 3- همان، ص 221.
 - 4- همان
 - 5- همان
 - 6- به عنوان مثال امام صادق علیه السلام فرمودند: «صِرَاطَ الَّذِينَ أَنْعَمْتَ عَلَيْهِمْ غَيْرِ الْمَغْضُوبِ عَلَيْهِمْ وَلَا الضَّالِّينَ» علی بن ابراهیم، قمی، تفسیر قمی، ج 1، ص 29 و نیز نقل شده است که این آیه چنین نازل شده است: «إِنَّ اللَّهَ اصَّ طَفَى آدَمَ وَ نُوحًا وَ آلَ إِبْرَاهِيمَ وَ آلَ عِمْرَانَ عَلَى الْعَالَمِينَ»؛ عیاشی، تفسیر عیاشی، ج 1، ص 168.
 - 7- ابوذر از پیامبر صلی الله علیه و آله نقل نموده است که در روز قیامت عده ای می گویند: «أَمَّا الْأَكْبَرُ فَحَرَفْنَا»؛ بحار الأنوار، ج 27، ص 246، در روایت دیگر پس از نقل روایت ثقلین، امام باقر علیه السلام فرمودند: «أَمَّا كِتَابَ اللَّهِ فَحَرَفُوا»؛ همان، ج 24، ص 140 همچنین از رسول خدا صلی الله علیه و آله نقل شده است که سه چیز در روز قیامت شکایت می کنند «...يَقُولُ الْمَصَّ حَفُّ حَرْفُونِي» صدوق، الخصال، ص 175 - 174.

در بررسی این روایات باید توجه نمود که بسیاری از آنها از جهت سندی ضعیف اند. (1) علاوه بر ضعف سند، از جهت دلالت نیز قرائن و شواهدی در این روایات وجود دارد که می توان بر اساس آن نتیجه گرفت که مراد از تحریف، تغییر و دگرگونی در قرائات یا تحریف معنوی قرآن است. (2)

بنابراین در صورت چشم پوشی از ضعف سندی این روایات، دوراه وجود دارد؛ نخست اینکه آنها را به اموری چون تحریف در مفاهیم یا قرائات قرآن، تأویل برد، همان گونه که شیخ صدوق می گوید: «این روایات بر وحی غیر قرآنی حمل می شوند.» (3) یا آنکه با توجه به تعارض این روایات با آیاتی چون آیه حفظ، آنان را مردود بدانیم چراکه روایات عرضه برای سنجش چنین روایاتی بیان شده است.

وجود نام ائمه علیهم السلام

برخی از روایات چنین مطرح کرده اند که نام ائمه علیهم السلام در آیات قرآن وجود داشته است (4) و از آنجا که هم اکنون نام ائمه علیهم السلام در قرآن کریم وجود ندارد، می توان نتیجه گرفت که قرآن تحریف به نقیصه شده است.

وجود نام ائمه علیهم السلام در قرآن، غیر قابل پذیرش است؛ چراکه ماجرای غدیر در واپسین روزهای عمر شریف رسول خدا صلی الله علیه و آله اتفاق افتاده است؛ در صورتی که حضرت علی علیه السلام با نام و به صراحت در قرآن به عنوان جانشین

ص: 26

1- همان، ص 225؛ نزهت قرآن از تحریف، ص 141.

2- البیان، ص 228-229.

3- صدوق، الاعتقادات، ص 86

4- از جابر نقل شده است که این آیه، این چنین بر پیامبر نازل شد: «وَإِنْ كُنْتُمْ فِي رَيْبٍ مِمَّا نَزَّلْنَا عَلَىٰ عَبْدِنَا «فِي عَلِيٍّ» فَأْتُوا بِسُورَةٍ مِّنْ مِّثْلِهِ. وَادْعُوا شُهَدَاءَكُمْ مِنْ دُونِ اللَّهِ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ»: الکافی، ج 1، ص 417؛ روایت دیگری از امام صادق علیه السلام که فرمودند: «اگر قرآن همان گونه که نازل شده، قرائت شود، نام ما را که در آن نوشته شده است، خواهید یافت»؛ التفسیر العیاشی، ج 1، ص 13.

رسول خدا صلی الله علیه و آله معرفی شده بود، دیگر نیازی به این همه تأکید در ماجرای غدیر وجود نداشت. ضمن آنکه در روایت ابوبصیر از امام صادق علیه السلام بر عدم وجود نام ائمه علیهم السلام در قرآن، تصریح شده است.⁽¹⁾

از سوی دیگر در صورت صحت چنین روایاتی، نمی توان به معنای ظاهری این روایات جهت اثبات تحریف قرآن استناد نمود؛ بلکه باید چنین روایاتی تأویل برده شوند⁽²⁾. مثلاً گفته شود مراد، نزول نام اهل بیت علیهم السلام بر رسول خدا صلی الله علیه و آله به عنوان حدیث قدسی در تفسیر برخی از آیات بوده است؛ چرا که تمسک به ظاهر چنین روایاتی با آیات قرآن در تعارضی آشکار است پس یا باید چنین روایاتی را مردود دانست و با تأویل برد.

ص: 27

1- الکافی، ج 1، ص 286-287.

2- البیان، ص 230.

با اهمیت ترین مصحف از مصاحف صحابه، مصحف حضرت امیر المؤمنین علی علیه السلام است. این مصحف شریف بیش از سایر مصاحف صحابه، مورد هجوم شبهه افکنان قرار گرفته است. بررسی شبهات پیرامون این مصحف در روشن ساختن مسائل زیادی در مورد تاریخ نگارش، تدوین و تحریف ناپذیری قرآن، نقش بسزایی دارد.

رسول خدا صلی الله علیه و آله در بستر بیماری ای که منجر به وفات ایشان شد، امیر المؤمنین، علی علیه السلام را فرا خواندند و نوشتارهای قرآنی موجود در منزلشان را به ایشان سپردند و سفارش کردند تا حضرت علی علیه السلام آنها را در مجموعه واحدی گرد آورند (1). حضرت علی علیه السلام نیز آن نوشتارها را در جامه ای پیچیدند و با خود به منزل بردند (2) و پس از رحلت رسول خدا صلی الله علیه و آله هنگامی که از غسل، کفن و دفن ایشان فارغ شدند، قسم یاد کردند که عبا بر دوش نمی گیرند مگر آنکه قرآن را در مجموعه واحدی جمع نمایند (3) و ظرف مدت سه (4) یا شش (5) روز قرآن را گردآوری نمودند.

پس از جمع آوری قرآن در مصحف واحد، آن را در جامه ای پیچیدند و نزد مردمی که در مسجد گرد ابوبکر جمع شده بودند، آوردند و به آنان

ص: 31

-
- 1- بحار الأنوار، ج 20، ص 155؛ ابن شهر آشوب، مناقب آل أبي طالب، ج 1، ص 320.
 - 2- بحار الأنوار، ج 89 ص 52؛ مناقب آل أبي طالب، ج 1، ص 319؛ عبدعلی بن جمعه حویزی، نور الثقلین، ج 5، ص 726.
 - 3- محمد بن عبدالکریم شهرستانی، مفاتیح الاسرار، ج 1، ص 13.
 - 4- ابن ندیم محمد بن اسحاق، الفهرست، ص 30.
 - 5- فخرالدین طریحی، مجمع البحرين، ج 1، ص 399.

فرمودند: این کتاب خداست، همان گونه که بر رسول خدا صلی الله علیه و آله نازل شده است. ابوبکر آن را گشود و در صفحه نخست آن فضایح قوم را مشاهده کرد، عمر برخاست و گفت: یا علی! آن را باز گردان که ما را به آن نیازی نیست. (1) پس از آنکه چنین برخوردی با مصحف امام صورت گرفت حضرت، مصحف را نزد خود نگه داشت و دیگر کسی جز امامان معصوم علیهم السلام به آن مصحف دسترسی نیافت؛ آن مصحف اکنون در دستان مبارک امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف این است. (2)

گزارش های تاریخی مختلف و متعددی که در مورد مصحف حضرت علی علیه السلام وجود دارد زمینه ساز بروز برخی شبهات و سؤالات شده است که به برخی از آنها اشاره می شود:

وجود مصحف امام علی علیه السلام

اشاره

یکی از مهم ترین مسائلی که باید درباره مصحف امام علی علیه السلام مورد توجه قرار گیرد اصل وجود چنین مصحفی است. برخی در این مورد تشکیک کرده اند؛ قفاری در کتاب خود می نویسد: امام غایب و مصحف غایب هر دو وهم و خیال است. (3)

افرادی که وجود مصحف حضرت علی علیه السلام را منکر شده اند، به گروه های مختلف قابل تقسیم اند و هر گروه از این افراد به دلیل خاص خود استدلال نموده اند:

دلیل گروه نخست بر انکار وجود مصحف امیر المؤمنین علیه السلام آن است که می گویند مراد از «جمع قرآن» به وسیله حضرت علی علیه السلام «حفظ» آن در حافظه است، نه در مصحف.

ص: 32

1- محمدبن مرتضی فیض کاشانی، الصافی، ج 1، ص 43؛ احمدبن علی طبرسی، الاحتجاج، ج 1، ص 107؛ محمدبن حسن صفار، بصائر الدرجات الکبری، ص 213.

2- همان، ص 213.

3- ناصر بن عبدالله قفاری، اصول مذهب الشیعة الامامية الاثني عشرية، ص 203.

گروه دوم، ترویج و تبلیغ وجود مصحف حضرت علی علیه السلام را ساخته و پرداخته افرادی می دانند که در صدد بودند خلافت ابوبکر را توجیه نمایند و حضرت علی علیه السلام، را موافق خلافت ابوبکر معرفی نمایند؛ این افراد با استناد به برخی گزارش های تاریخی مدعی اند که آن حضرت از خلافت ابوبکر ناراضی نبوده، بلکه علت تأخیر ایشان در بیعت با ابوبکر، اشتغال ایشان به جمع آوری قرآن بوده است. (1) محمد بن سیرین می گوید:

«خبردار گشتم که ابوبکر، علی را ملاقات کرد و پرسید: آیا امارت مرا خوش نداری؟ حضرت پاسخ دادند: خیر (2) ولی سوگند یاد نمودم که عبا بر دوش نگیرم مگر برای نماز تا آنکه قرآن را جمع آوری نمایم». (3)

ابن ابی الحدید و ابن حجر نیز علت عدم حضور حضرت علی علیه السلام در بیعت با ابوبکر را اشتغال ایشان به جمع آوری قرآن دانسته اند. (4)

گروه سوم معتقدند که گزارش های موجود در مورد مصحف امیر المؤمنین علیه السلام مصحف ایشان را مغایر با قرآنها در دست مردم معرفی می نماید؛ از یک طرف، مسئله تحریف قرآن، قابل پذیرش نیست و از طرف دیگر با توجه به عصمت امام علیه السلام محال است که حضرت در جمع آوری آیات دچار خطا شده باشد، بنابراین چنین مصحفی اصلاً وجود خارجی نداشته است تا جایی که برخی از اهل تسنن نیز وجود این مصحف را دروغی دانسته اند که برخی از دروغگویان آن را ساخته اند و این امر را نقطه آغاز باور شیعه به تحریف قرآن دانسته اند. (5)

ص: 33

-
- 1- رضا فرشچیان، بررسی دو شبیه در باره مصحف حضرت علی علیه السلام، ص 128.
 - 2- در برخی نسخ آمده است: «نه به خدا»؛ حاکم حسکانی، شواهد التنزیل، ج 1، ص 36.
 - 3- در برخی از نسخ آمده است: «ابوبکر گفت: «خوب اندیشیده ای»؛ ابن ضریس، فضائل القرآن، ص 36.
 - 4- ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، ج 1، ص 27؛ ابن حجر هیثمی، احمد بن محمد، الصَّوَاعِقُ الْمَحْرَقَةُ عَلَى أَهْلِ الرَّفْضِ وَالْبِدْعِ وَالزُّنْدَقَةِ، ص 155.
 - 5- اصول مذهب الشیعة الامامیة الاثنی العشریة، ص 262.

گروه چهارم می گویند: مخفی نمودن مصحف حضرت علی علیه السلام در زمان خلافت ایشان مستلزم خیانت و کتمان حق است (1) و از آنجا که از شخصی همانند امام علی علیه السلام چنین امری بعید است، اساساً مصحف حضرت وجود خارجی نداشته و عدم آشکار بودن آن دلیل بر عدم وجود آن است. اینان بر این باورند که هیچ یک از علمای شیعه غیر از سید نعمت الله جزایری به این اشکال پاسخ نداده است؛ او (سید نعمت الله جزایری) علت عدم عرضه مصحف را نمایان شدن اوصاف زشت خلفای گذشته دانسته است. (2)

گروه پنجم معتقدند که بر اساس گزارشات تاریخی مصحف حضرت علی علیه السلام به همراه تنزیل، تأویل، ناسخ و منسوخ است و این امر با روایاتی از حضرت رسول صلی الله علیه و آله مبنی بر نهی از نگارش مطالب دیگر همراه با قرآن مخالفت دارد؛ در نتیجه گزارش های حاکی از مصحف حضرت علی علیه السلام اعتبار ندارد.

گروه ششم می گویند روایاتی که بر اساس آنها وجود مصحف حضرت علی علیه السلام اثبات می شود دارای سند یا منبع ضعیف هستند؛ به عنوان نمونه «اشعث» یکی از راویان این روایات «لین الحدیث» است، (3) یا سند برخی از این روایات منقطع (4) یا موضوع (5) است؛ بنابراین از اساس اثبات وجود چنین مصحفی مورد تردید است.

الف) اخبار مصحف امام علی علیه السلام در منابع روایی شیعی و سنی

گزارش ها و روایات زیادی در منابع شیعی وجود دارد که جمع آوری قرآن توسط حضرت علی علیه السلام را پس از رحلت حضرت رسول صلی الله علیه و آله مطرح نموده اند:

ص: 34

- 1- ربیع بن مسعود سعودی، الشیعة الامامية الاثني عشرية في ميزان الاسلام، ص 46.
- 2- اصول مذهب الشیعة الامامية الاثني عشرية، ص 202
- 3- ابن ابی داود سجستانی، کتاب المصاحف، ص 60.
- 4- ابن حجر عسقلانی، فتح الباری فی شرح صحیح البخاری، ج 9، ص 10.
- 5- بررسی و نقد اسناد مصحف حضرت علی علیه السلام در منابع فریقین، ص 31.

1. در کتاب الکافی و کتاب التوحید به نقل از امام باقر علیه السلام آمده است که «حضرت علی علیه السلام پس از هفت روز که از وفات حضرت رسول خدا صلی الله علیه و آله از جمع آوری قرآن فارغ شده بودند، خطبه ای خواندند...»⁽¹⁾
2. در کتاب الکافی در روایتی از امام صادق علیه السلام، داستان جمع آوری مصحف امام علی علیه السلام و عرضه آن به مردم و سر باز زدن از پذیرش آن بیان شده است.⁽²⁾
3. در کتاب مستدرک الوسائل، چندین حدیث در این مورد آمده است؛ در حدیثی طولانی از امام صادق علیه السلام، خطاب به مفضل، به جمع آوری قرآن توسط حضرت علی علیه السلام پس از رحلت پیامبر صلی الله علیه و آله اشاره شده است.⁽³⁾ در حدیثی دیگر، ابوحمزه ثمالی از امام صادق علیه السلام نقل نموده که فرمود احدی از این امت غیر از وصی حضرت محمد صلی الله علیه و آله، قرآن را جمع نکرده است.⁽⁴⁾ در همین کتاب روایت دیگری از امام صادق علیه السلام در مورد سفارش پیامبر به حضرت علی علیه السلام مبنی بر جمع آوری قرآن توسط ایشان و سوگند امام علیه السلام که عبا نپوشند مگر آنکه قرآن را جمع نمایند، بیان شده است.⁽⁵⁾
4. احتجاج طبرسی نیز روایتی مشابه روایت پیشین از امام صادق علیه السلام⁽⁶⁾ و از امام کاظم علیه السلام نقل کرده است.⁽⁷⁾ در همان کتاب ماجرای رویگردانی از پذیرش مصحف حضرت علی علیه السلام از قول/ ابوذر نقل شده است.⁽⁸⁾

ص: 35

1- کلینی، الکافی، ج 8 ص 18؛ صدوق، التوحید، ص 73.

2- الکافی، ج 2، ص 633.

3- حسین نوری، مستدرک الوسائل، ج 13، ص 390؛ محدث نوری روایت را به طور کامل نقل نمی نماید و تنها به طولانی بودن و موضوع روایت اشاره نموده است.

4- همان، ج 2، ص 451

5- همان، ج 2، ص 451.

6- الاحتجاج، ج 1، ص 107.

7- همان، ص 190.

8- همان، ص 155.

5. مناقب ابن شهر آشوب از ابن عباس نقل شده است که امام علیه السلام مصحفشان را در مدت شش ماه جمع آوری نمودند. (1)

6. روایات متعددی در زمینه جمع آوری مصحف حضرت علی علیه السلام در کتاب سلیم بن قیس، (2) تفسیر عیاشی (3) و بحار الأنوار (4) نقل شده است.

در برخی از منابع اهل تسنن نیز به جریان گردآوری مصحف امیر مؤمنان علیه السلام پرداخته شده است:

1. در کتاب المصاحف، ابن ابی داود از اشعث از ابن سیرین نقل کرده است: هنگامی که رسول خدا صلی الله علیه و آله وفات نمود، علی علیه السلام قسم یاد کرد که عبا نپوشد مگر برای نماز جمعه تا آنکه قرآن را در مصحف جمع آوری نماید، ابوبکر بعد از مدتی به وی گفت: آیا امارت مرا خوش نداری؟ فرمودند: نه به خدا، مگر آنکه قسم یاد نمودم که ردا بر دوش نگیرم مگر برای نماز جمعه. پس با او بیعت کرد و باز گشت. (5)

در کتاب فضائل القرآن، روایت فوق از طریق ابن سیرین از عکرمه نقل شده که علاوه بر مطالب فوق، آمده است که حضرت امیر المؤمنین علیه السلام می فرمایند: دیدم [ممکن است] در کتاب خدا افزوده گردد. ابن سیرین از عکرمه می پرسد: آیا آن را مطابق با آنچه خدا نازل نموده است، تألیف کرد؟ عکرمه پاسخ می دهد: اگر جن و انس جمع گردند، نمی توانند همانند آن را جمع کنند. (6)

ص: 36

-
- 1- مناقب آل ابی طالب، ج 1، ص 319.
 - 2- سلیم بن قیس، کتاب سلیم بن قیس، ص 577-581؛ همان، ص 664: شاید قدیمی ترین کتابی که سخن از مصحف امام علیه السلام به میان آورده است، این کتاب باشد.
 - 3- التفسیر العیاشی، ج 2، ص 307.
 - 4- بحار الأنوار، ج 89 ص 52؛ ج 40، ص 155.
 - 5- کتاب المصاحف، ص 59.
 - 6- فضائل القرآن، ص 36

روایت فوق با اسناد گوناگون از ایوب، (1) ابن عون (2) و حسن بن دینار (3) از ابن سیرین در کتاب های متعدد اهل تسنن آمده است.

4. در شواهد التنزیل و فهرست ابن ندیم، سدی از عبد خیر از حضرت علی علیه السلام نقل می نماید که ایشان فرمودند: «هنگامی که پس از رحلت حضرت رسول صلی الله علیه و آله، مردم را بی پروا دیدم، قسم یاد نمودم که عبا نپوشم مگر آنکه قرآن را جمع نمایم.» پس در منزل نشست تا قرآن را جمع کرد و این اولین مصحف قرآنی بود. (4)

5. در المصنف صنعانی، ایوب از عکرمه نقل می کند که عمر حضرت علی علیه السلام را ملاقات کرد و از تأخیر ایشان از بیعت با ابوبکر سؤال نمود و حضرت همان پاسخ (اشتغال به گردآوری قرآن) را دادند (5)

6. سیوطی در کتاب الاثقان آورده است که عمر از حضرت علی علیه السلام درخواست نمود تا آن مصحف را به او نشان دهند، اما امام علیه السلام فرمودند: هرگز راهی به آن نیست. (6)

علاوه بر گزارشات فوق، عبدالکریم شهرستانی در مفاتیح الاسرار، (7) موفق خوارزمی در المناقب (8) و ابن جزیری در التسهیل (9) از این مصحف سخن به میان آورده اند.

ص: 37

-
- 1- ابن عبدالبر یوسف بن عبدالله، الاستیعاب فی معرفة الأصحاب، ج 3، ص 974.
 - 2- محمد بن سعد، الطبقات الکبری، ج 8، ص 332؛ ابن عساکر علی بن حسن، تاریخ مدینة دمشق، ج 42، ص 398
 - 3- حاکم حسکانی، شواهد التنزیل لقواعد التفضیل، ج 1، ص 36؛ ابن ندیم، الفهرست، ص 30.
 - 4- شواهد التنزیل لقواعد التفضیل، ج 1، ص 36.
 - 5- عبدالرزاق صنعانی، المصنف، ج 5، ص 450، الاستیعاب فی معرفة الأصحاب، ج 3، ص 974 ر.ک: پاسخ به دو شبهه در باره مصحف حضرت علی علیه السلام ص 127-131.
 - 6- جلال الدین سیوطی، الاثقان فی علوم القرآن، ج 1، ص 203.
 - 7- مفاتیح الأسرار، ج 1، ص 13.
 - 8- موفق خوارزمی، المناقب، ص 94.
 - 9- ابن جزیری قاسم بن احمد غرناطی کلبی، التسهیل لعلوم التنزیل، ج 1، ص 4.

با توجه به روایات بسیار زیادی که به طرق گوناگون در مورد مصحف حضرت علی علیه السلام هم در منابع حدیثی شیعه و هم در منابع حدیثی اهل تسنن نقل شده است به گونه ای که به حد استفاضه (1) رسیده اند، می توان ادعا نمود وجود مصحف حضرت علی علیه السلام غیر قابل انکار است.

ب) نقد دلایل انکار وجود مصحف امام علی علیه السلام

نااستواری و مخدوش بودن دلایل منکران وجود مصحف حضرت علی علیه السلام، با بررسی این دلایل روشن می شود:

1. سخن افرادی که می گویند مراد از «جمع قرآن» به وسیله حضرت علی علیه السلام «حفظ» آن در حافظه است، خلاف گزارشاتی است که در منابع روایی آمده است چراکه حضرت هدف خود را جلوگیری از تحریف قرآن بیان کرده حال چگونه ممکن است با حفظ قرآن در حافظه حضرت علی علیه السلام از تحریف قرآن در جامعه اسلامی جلوگیری شود، علاوه بر آن در برخی گزارش ها تعبیر «ما بین لوحین» و «مصحف» آمده است. (2)

2. روایاتی که بر اساس آن حضرت علی علیه السلام قسم یاد می نمایند که از خلافت ابوبکر ناراضی نیستند، تنها روایت «ابن سیرین» و نقلی که از عمر حکایت شده است، در بردارنده این مطلب است.

سند روایت ابن سیرین - همان گونه که در بخش ترتیب مصحف حضرت علی علیه السلام بیان شده است - به جهت مرسل بودن، ضعیف است؛ چون ابن سیرین اصلاً حضرت علی علیه السلام را ملاقات ننموده، پس نمی تواند بدون واسطه از ایشان نقل روایت نماید؛ علاوه بر این خود نیز می گوید:

ص: 38

1- به احادیثی که در هر طبقه بیش از سه نفر آن را نقل کرده باشند اما به حد تواتر نرسد، مستفیض می گویند؛ علمای علم اصول، مستفیض را مانند متواتر می دانند.

2- تفصیل این مطلب در بحث «اولین جامعه» خواهد آمد

«نبئت» (به من خبر رسید)، اما مروی عنه خود را معرفی ننموده است و ابن سیرین تنها بخشی از سخن را از عکرمه نقل می نماید که برخی روایت عکرمه از امام علی علیه السلام را نیز مرسل دانسته اند. (1) ضمن آنکه او از خوارج به شمار می رود (2) و حتی ادعا کرده که حاضر است به خاطر عقیده اش بر اختصاص شأن نزول آیه تطهیر به زنان پیامبر صلی الله علیه و آله مباحله کند (3) و گروهی از جمله خود ابن سیرین او را کذاب خوانده اند. (4)

همچنین این گونه روایات از جهت محتوا، متفاوت نقل شده اند؛ در برخی از نقلها ابوبکر سؤال می نماید که آیا از امارت یا خلافت من ناراضی هستی؟ (5) و در برخی دیگر آمده است که آیا از من ناراضی هستی؟ (6) در برخی از روایات امام سوگند یاد می نمایند که از امارت ابوبکر ناراضی نیستند (7) و در برخی دیگر سوگند امام وجود ندارد (8)

در گروهی دیگر از روایات اهل تسنن همچون روایتی که حکایت از دیدار عمر با حضرت علی علیه السلام دارد (9) و از جهت متن بسیار شبیه به روایات ابن سیرین است و نیز روایات عبد خیر و یمان از حضرت علی علیه السلام (10) اصلاً

ص: 39

1- ابن حجر، تهذیب التهذیب، ج 7، ص 235.

2- همان، ج 7، ص 239.

3- الدر المنثور، ج 5، ص 198.

4- تهذیب التهذیب، ج 7، ص 238.

5- شواهد التنزیل لقواعد التفضیل، ج 1، ص 38: الاستیعاب فی معرفة الأصحاب، ج 3، ص 974 الطبقات الكبرى، ج 2، ص 338.

6- شواهد التنزیل لقواعد التفضیل، ج 1، ص 36.

7- همان.

8- فضائل القرآن، پیشین، ص 36.

9- المصنف، ج 5، ص 450.

10- ابن الندیم، الفهرست، ص 30؛ شواهد التنزیل لقواعد التفضیل، ج 1، ص 36 - 37.

سخنی از رضایت حضرت علی علیه السلام از خلافت ابوبکر به میان نیامده است،⁽¹⁾ اما آن قسمت از محتوا که امام حتی قسم یاد می نمایند⁽²⁾ که از خلافت با ابوبکر ناراضی نیستند، به گواهی تاریخ، دیگر سخنان امام علیه السلام⁽³⁾ و اجماع شیعه، قطعاً ناصحیح است؛ بنابراین به این نقل اعتمادی نیست، اما عدم اعتماد به تعداد اندکی از روایات در یک موضوع، موجب سلب اعتماد از تمامی روایات موجود در آن موضوع نمی شود؛ چه بسا طرفداران خلافت خلفا از هم زمانی رویگردانی حضرت علیه السلام از بیعت با ابوبکر و جمع آوری قرآن توسط ایشان سوء استفاده کرده و علت عدم بیعت حضرت علیه السلام را اشتغال ایشان به جمع آوری قرآن معرفی کرده اند.

احتمال می رود چنین روایاتی را عکرمه که بغض او با اهل بیت علیهم السلام آشکار است، ساخته باشد و اینکه ابن سیرین نام او را ذکر نمی کند به جهت اعتقاد ابن سیرین به دروغگویی اوست.

نتیجه آنکه روایات نقل شده از ابن سیرین قابل اعتماد نیست؛ بنابراین اصل وجود مصحف قابل انکار نیست.

3. در پاسخ کسانی که به مغایرت مصحف حضرت علی علیه السلام با قرآنهاى رایج و تحریف ناپذیری قرآن برای عدم وجود مصحف استدلال نموده اند، باید گفت: در مباحث آینده (مصحف امام علی علیه السلام و تحریف قرآن) به طور مفصل بیان خواهد شد که مراد از مغایرت و اضافات مصحف حضرت علی علیه السلام توضیحات و تفاسیر آیات است، نه محتوای آیات که بتوان به تحریف ناپذیری قرآن به عنوان دلیلی بر عدم وجود این مصحف شریف استدلال نمود.

ص: 40

1- بررسی دو شبهه درباره مصحف حضرت علی علیه السلام، ص 134.

2- در برخی از نسخ، قسم امام علیه السلام وجود ندارد.

3- نهج البلاغه، خطبه 3.

4. افرادی که علت عدم وجود مصحف را عدم آشکار بودن آن دانسته اند و مخفی نمودن آن را مساوی مخفی نمودن حتی می دانند، در واقع این افراد با سیره حضرت علی علیه السلام که حفظ وحدت میان مسلمانان است، آشنا نیستند.

از سویی گرچه پاسخ سید نعمت الله جزایری از نظر ما مردود نیست، اما پاسخ های دیگری نیز در مورد حکمت مخفی بودن مصحف حضرت علی علیه السلام بیان شده است از جمله اینکه چون مصحف حضرت علی علیه السلام در اصل آیات با مصاحف امروزی تفاوتی نداشته، امام لزومی به نمایان سازی آن نمی دیدند. (1)

5. کسانی که شیوه جمع آوری مصحف حضرت علی علیه السلام را با روایات ناهیه پیامبر صلی الله علیه و آله که نشان از عدم رضایت پیامبر صلی الله علیه و آله از نگارش روایات در قرآن دارد، معارض دانسته اند باید بدین نکته توجه کنند که روایات ناهیه قابل پذیرش نیستند؛ چراکه این روایات از جهت سند و متن دارای اشکالات متعددی است که به برخی از این اشکالات اشاره می شود:

برخی از راویان این روایات ضعیف اند؛ از جمله «زید بن اسلم» گرچه دارای مدح است اما متهم به تدلیس است، (2) «عبدالرحمن بن زید بن اسلم» علمای رجالی بر ضعف وی اتفاق نظر دارند، (3) «کثیر بن زید» ضعیف است (4) و «مطلب بن عبدالله» متهم به تدلیس و نقل روایات مرسل است. (5) در برخی از این روایات نیز احتمال موقوف یا مرسل بودن وجود دارد. (6)

ص: 41

1- البیان، ص 223؛ المیزان فی تفسیر القرآن، ج 9، ص 224؛ ر.ک: بررسی و نقاد اسناد مصحف حضرت علی علیه السلام در منابع فریقین، ص 37-38

2- الاصابة فی معرفة الصحابة، ج 2، ص 489؛ تهذیب التهذیب، ج 3، ص 342.

3- محمد بن عمرو عقیلی، ضعفاء العقیلی، ج 2، ص 331.

4- احمد بن علی نسائی، کتاب الضعفاء و المتروکین، ص 229.

5- ابن عساکر، تاریخ مدینه دمشق، ج 58 ص 359.

6- ر.ک: مجید معارف، تاریخ عمومی حدیث، ص 50-62.

محتوای این روایات نیز با برخی آیات قرآن، سنن نبوی، عمل صحابه و عقل در تعارض است.⁽¹⁾

از سوی دیگر نوشتن و آوردن روایات و سخنان پیامبر در کنار آیات در مصحف حضرت علی علیه السلام در واقع خط بطلانی بر سیاست منع نگارش احادیث از سوی خلفاست.

6. انتقادهایی که به برخی از اسناد و منابع اخبار مصحف حضرت علی علیه السلام وارد شده است، از آن جهت قابل قبول نیست که این روایات در منابع متعدد و با اسناد گوناگون در منابع روایی شیعه و اهل تسنن وارد شده است و کثرت آنان به گونه ای است که اگر نگوییم این روایات متواترند، باید گفت مستفیض اند. بنابراین ضعف برخی اسناد این روایات، دلیلی برای نفی اصل وجود مصحف نمی باشد.

امام علی علیه السلام اولین جامع قرآن

اشاره

عبد خیر از اصحاب⁽²⁾ و خواص⁽³⁾ حضرت علی علیه السلام پس از بیان داستان جمع آوری قرآن توسط حضرت علی علیه السلام می نویسد: «این اولین مصحفی است که قرآن در آن جمع شده است.»⁽⁴⁾ ابن عباس نیز اولین جامع قرآن را امیر المؤمنین علی علیه السلام می داند.⁽⁵⁾

ص: 42

1- سید علی شهرستانی، منع تدوین الحدیث، ص 13-56؛ هاشم معروف الحسنی، دراسات فی الحدیث و المحدثین، ص 15-21؛ محمدرضا جلالی، تدوین السنة الشریفة، ص 287-315؛ محمود ابوریه، اضواء علی السنة المحمدیة، ص 53-68؛ علی نصیری، آشنایی با علوم حدیث، ص 114-125؛ کاظم شانه چی، علم الحدیث، ص 27-28.

2- طوسی، الرجال، ص 78؛ احمدبن محمد برقی، الرجال، ص 6

3- عاملی، الرجال، ص 221.

4- أَنَّهُ رَأَى مِنْ النَّاسِ طَبِیْرَةً عَدَدًا وَفَإِهِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فَاقْسَمَ أَنْ لَا يَضَعُ عَلَيَّ ظَهْرَهُ رِدَاءً حَتَّى يَجْمَعَ الْقُرْآنَ، فَجَلَسَ فِي بَيْتِهِ حَتَّى جَمَعَ الْقُرْآنَ، فَهُوَ أَوَّلُ مُصْحَفٍ جُمِعَ فِيهِ الْقُرْآنُ شَوَاهِدُ التَّنْزِيلِ الْقَوَاعِدُ التَّفْضِيلِ، ج 1، ص 37؛ ابن الندیم، الفهرست، ص 36.

5- محمد بن سلیمان کوفی، مناقب امیر المؤمنین، ج 1، ص 292.

محققان شیعی (1) و برخی از نویسندگان اهل تسنن از جمله ابن ابی الحدید، (2) مصحف حضرت علی علیه السلام را اولین مصحف جامع تمامی آیات قرآن دانسته اند.

این در حالی است که برخی علمای اهل تسنن مراد از اولین جامع قرآن را، اولین حافظ قرآن دانسته اند؛ چرا که یکی از معانی جمع قرآن، حفظ آن در حافظه است. ابن حجر عسقلانی پس از نقل سخن عبد خیر می گوید:

«اسناد این حدیث به جهت منقطع بودن، ضعیف است و با فرض درستی آن، مراد از جمع، حفظ در سینه است گرچه در برخی از منقولات تصریح شده که «جمعه بین اللوحین» اما این روایات اندک اند.» (3)

متقی هندی نیز می گوید:

مراد از «حتی أجمع القرآن» آن است که حفظش را تمام کرده است؛ چراکه به فردی که قرآن را حفظ می نماید، می گویند: «قَدْ جَمَعَ الْقُرْآنَ» (4)

در نقد سخنان فوق باید گفت که مراد از جمع قرآن توسط حضرت علی علیه السلام، پس از رحلت حضرت رسول خدا صلی الله علیه و آله نمی تواند، حفظ آن در حافظه باشد؛ چراکه در برخی از روایات اهل تسنن آمده است که حضرت علی علیه السلام خطاب به ابوبکر می فرمایند: «دیدم ممکن است در کتاب خدا افزوده شود، پس با خود گفتم که ردایم را بر دوش نگیرم، مگر برای نماز، تا آنکه قرآن را جمع نمایم.» (5) اگر مراد از جمع، حفظ آن در حافظه بود، تعلیل هراس از افزوده شدن در کتاب خدا بی معناست چگونه با حفظ قرآن

ص: 43

-
- 1- محمدباقر حجتی، پژوهشی در تاریخ قرآن، ص 385؛ محمدهادی معرفت، تاریخ قرآن، ص 85 سید محمدرضا جلالی نایینی، تاریخ جمع قرآن، 87-89
 - 2- شرح نهج البلاغه، ج 1، ص 27.
 - 3- ابن حجر عسقلانی، فتح الباری فی شرح صحیح البخاری، ج 9، ص 10.
 - 4- متقی هندی، کنز العمال، ج 13، ص 128؛ محمد شرعی ابوزید، جمع القرآن، ص 104
 - 5- الاتقان فی علوم القرآن، ج 1، ص 161.

در حافظه حضرت علی علیه السلام از تحریف قرآن در جامعه اسلامی جلوگیری می شود؟ در حالی که حضرت علی علیه السلام تا سال ها پس از رحلت پیامبر صلی الله علیه و آله خانه نشین بودند و در جامعه حضور فعال نداشتند.

از سویی معنا ندارد حضرت علی علیه السلام برای حفظ قرآن در حافظه دست از هر کاری کشیده و در خانه بنشیند تا قرآن را جمع نماید؛ علاوه بر آن در روایات اهل تسنن آمده است که حضرت علی علیه السلام فرمودند: هر چه شنیدم هرگز فراموش نکردم و نخواهم کرد؛(1) بنابر این نه تنها آیات قرآن، بلکه سایر معارف آن نیز در حافظه حضرت ثبت شده بوده و ایشان برای حفظ آن نیاز به صرف وقت و دست کشیدن از تمامی کارها نداشته اند.(2)

نکته دیگر در این مورد آن است که در روایت اشعث از محمد بن سیرین آمده است: «حتی یجمع القرآن فی مصحف»(3) و در روایت سدی از عبدخیر از یمان، عبارت «حَتَّى يَجْمَعَ الْقُرْآنَ بَيْنَ اللَّوْحَيْنِ» یعنی تا زمانی که قرآن را میان دو جلد جمع آوری نمود، به کار رفته است.(4)

با توجه به تصریح راوی به عبارت «میان دو جلد» در این روایات و برخی روایات مشابه، روشن می گردد که مراد از جمع قرآن به وسیله حضرت علی علیه السلام، حفظ آن در حافظه نیست.

البته برخی در مورد روایت اشعث گفته اند که روایات او به جهت «لین الحدیث»(5) بودن وی، قابل اعتنا نیست(6) اما اولاً علمای رجالی اهل تسنن در

ص: 44

1- محمد بن جریر طبری، جامع البیان، ج 29، ص 35.

2- بررسی و نقد اسناد مصحف امام علی علیه السلام در منابع فریقین، ص 34.

3- کتاب المصاحف، ص 59.

4- شواهد التنزیل القواعد التفضیل، ج 1، ص 37.

5- «لین الحدیث» به کسی گفته می شود که از غیر ثقات نیز نقل روایت می کند و در نقل روایت دقت کافی را ندارد. عبدالله مامقانی، مقیاس الهدایه، ج 2، ص 43.

6- کتاب المصاحف، ص 60.

مورد «اشعث» اختلاف نموده و در ضعف او متحد نیستند؛ حتی برخی او را مدح کرده اند. (1) دوم آنکه روایت اشعث مؤیداتی نیز دارد که در صورت ضعیف بودن راوی، روایت را جبران می نماید، مانند روایت عبد خیر و روایتی که در کتاب المصنف ذکر شده و عبارت «حتی اجمع للناس» (2) در آن به کار رفته است که قطعاً مراد حفظ آن در حافظه نیست.

قابل توجه است که ابن حجر نیز سند روایتی که از جمع آوری قرآن توسط حضرت علی علیه السلام حکایت دارد و در آن تعبیر مصحف بکار رفته را منقطع و وجود واژه مصحف را در این روایت از اشتباهات راوی دانسته است، (3) اما باید توجه داشت که اولاً تمامی اسناد این روایات منقطع نیست، دوم آنکه ابن حجر بدون علت راوی را متهم به خطا نموده است، راوی این روایت عبد خیر است که ابن حجر در همان جا روایت دیگری از او نقل می کند که بر اساس آن روایت حضرت علی علیه السلام ابوبکر را اولین جامع قرآن می داند، و او (ابن حجر) این روایت را صحیح ترین روایات در این زمینه دانسته است! (4) چگونه عبد خیر در اینجا مصون از خطا مانده است؟ (5) اگر او به جهت قلت ضبط (کمی حافظه)، قابل اعتماد نیست، در هیچ جا نمی توان به او اعتماد نمود، اما گویا عقاید و تعصب ابن حجر، او را از پذیرش حق باز داشته است.

بررسی گزارشات تعارض نما

با توجه به آنچه بیان شد روشن است که اولین کسی که اقدام به جمع آوری قرآن نمود (اولین جامع) حضرت علی علیه السلام است؛ اما برخی گزارش های

ص: 45

1- جمال الدین مزی، تهذیب الکمال، ج 3، ص 269.

2- المصنف، ج 7، ص 197. قطعاً مراد از جمله «اجمع للناس» حفظ در حافظه نیست؛ ر.ک: بررسی دو شبهه درباره مصحف امام علی علیه السلام، ص 127-128.

3- فتح الباری فی شرح صحیح البخاری، ج 9، ص 10.

4- همان، ج 9، ص 10.

5- بررسی و نقاد اسناد مصحف حضرت علی علیه السلام در منابع فریقین، ص 32.

تاریخی، در بردارنده مطالب و محتوایی است که باعث تردید در این مسأله شده است که به برخی از آنها اشاره می شود:

1. پس از آنکه حضرت علی علیه السلام مصحف خویش را به نگارش در آورده و به مردم ارائه کردند، خطاب به ایشان گفته شد: ما را به مصحف تو نیازی نیست، «عندنا مثله» یعنی در نزد ما همانند آن موجود است. (1) ممکن است از این عبارت چنین برداشت شود که قرآن قبل از ایشان نیز گردآوری شده بود و اگر کار حضرت علی علیه السلام کاری ابتکاری بود، ادعا نمی شد که «همانند آن در نزد ما» وجود دارد.

در مورد عبارت «عندنا مثله» چندین احتمال وجود دارد؛ اول آنکه مراد وجود مصاحف کامل قرآنی در نزد مردم باشد؛ دوم آنکه مراد وجود نوشتارهای پراکنده قرآنی در نزد مردم باشد و سوم آنکه مراد حافظ قرآن بودن تعداد زیادی از صحابه باشد و ترجیح یک احتمال بر سایر احتمالات نیاز به دلیل دارد.

بدون شک کاتبان وحی، قرآن را در زمان حضرت رسول صلی الله علیه و آله به نگارش در آورده بودند، (2) همان گونه تعداد قابل توجهی از مسلمانان به طور کامل قرآن را حفظ نموده و یا پاره ای از قرآن را در حافظه های خویش محفوظ داشتند، (3) اما این احتمال که مصحف کامل قرآنی در نزد مردم بوده باشد، صحیح نیست؛ چراکه اگر قرآن قبل از آنکه امیر المؤمنین علیه السلام به گردآوری آن اقدام نماید، به طور کامل گردآوری شده بود و در میان مردم رواج داشت، نگرانی رسول خدا صلی الله علیه و آله هنگام وفات و سفارش به گردآوری قرآن توسط حضرت علی علیه السلام، بی مورد و لغو بود.

ص: 46

1- صدوق، الاعتقادات، ص 86؛ مناقب آل ابی طالب، ج 1، ص 320؛ فیض کاشانی، الصافی، ج 1، ص 43.

2- محمد بن محمد حاکم نیشابوری، المستدرک علی الصحیحین، ج 2، ص 229، الاتقان فی علوم قرآن، ج 1، ص 196؛ تاریخ جمع قرآن، ص 91

3- رجبعلی مظلومی، پژوهشی پیرامون آخرین کتاب الهی، ج 1، ص 36-37

2. برخی بر این باورند که افراد دیگری غیر از حضرت علی علیه السلام، نخستین جامع قرآن در مصحف واحد هستند از جمله افرادی که به عنوان نخستین جامع قرآن مطرح شده اند، ابوبکر، عمر، عثمان، سالم مولی ابی حذیفه و سعد بن عبید بن نعمان می باشند.

ابن شهاب از سالم بن عمر نقل می کند که «ابوبکر قرآن را در اوراقی گرد آورد و لذا او اولین شخصی است که قرآن را در صحف گردآوری نمود و این اولین جمع بود.»⁽¹⁾

لیث بن سعد می گوید: «اولین فردی که قرآن را جمع نمود، ابوبکر بود و زید بن ثابت آن را نوشت.»⁽²⁾

در برخی منابع اهل سنت به نقل از حضرت علی علیه السلام آمده است که «بیشترین اجر در گردآوری قرآن از آن ابوبکر است؛ چراکه او نخستین شخصی است که قرآن را میان دو جلد گرد آورد.»⁽³⁾

مجموع این گزارش ها باعث شده است که برخی اولین جامع قرآن را ابوبکر دانسته و این مطلب را به کثرت روایات نسبت می دهند.⁽⁴⁾

ابن ابی داود در گزارشی آورده است که «عمر از آیه ای از قرآن سراغ گرفت، گفته شد که این آیه نزد فلانی بود که در جنگ یمامه کشته شد. عمر «انا لله» گفت و به جمع آوری قرآن امر کرد و او نخستین کسی است که آن را در مصحفی جمع نمود.»⁽⁵⁾

از سوی دیگر ابن شهاب از عبید الله بن عتبہ نقل می نماید: «اولین فردی که قرآن را در مصحفی گرد آورد و نوشت، عثمان بن عفان بود.»⁽⁶⁾

ص: 47

1- اضواء علی السنة المحمدية، ص 248.

2- محمد بن شمس الحق عظیم آبادی، عون المعبود شرح سنن ابی داود، ج 10، ص 20.

3- کنز العمال، ج 2، ص 572.

4- جمع القرآن، ص 103.

5- الاتقان فی علوم القرآن، ج 1، ص 162.

6- ابن شبة، تاریخ المدینة المنورة، ج 1، ص 7.

ابن اشته از بریده نقل می نماید که اولین فردی که قرآن را جمع کرد، سالم مولی ابی حذیفه بود. وی قسم یاد کرد که عبا نپوشد تا اینکه قرآن را جمع کرد و سپس با دیگران مشورت کرد که آن را چه بنامند، پس نظر شان بر آن جمع شد که آن را مصحف بنامند. (1)

در کتاب المحبر آمده است که «در زمان رسول خدا صلی الله علیه و آله شش نفر به عنوان جماع قرآن (جمع کنندگان قرآن) نامیده شدند و سعد بن عبید الله بن النعمان بن قیس اولین کسی است که قرآن را جمع نمود.» (2)

در رد این دیدگاه باید گفت که ابوبکر هیچ گاه خود اقدام به گردآوری قرآن ننمود، بلکه این زید بن ثابت بود که قرآن را به دستور ابوبکر گرد آورد. ابن حجر از علمای اهل تسنن به این نکته تصریح نموده و می نویسد:

اینکه گفته می شود ابوبکر اولین جمع کننده قرآن بود، روایتی منقطع است و و اگر هم صحیح باشد، باید بر این امر حمل شود که قرآن در زمان خلافت وی جمع آوری شد. (3)

علاوه بر آن همان گونه که در بحث مربوط به وجود مصحف حضرت علی علیه السلام بیان شد، قبل از دستور ابوبکر به جمع آوری قرآن، قرآن توسط امام علی علیه السلام گردآوری شده بود اما خلفا از پذیرش آن سر باز زدند و چه بسا افرادی که ابوبکر را اولین جامع قرآن و مصحف او را اولین مصحف قرآنی دانسته اند، مرادشان اولین گردآوری به دستور حکومت باشد.

از سویی در مورد اینکه عمر اولین جامع قرآن باشد، سیوطی پس از نقل سخن ابن ابی داود می نویسد: «این خبر منقطع است و منظور آن است که عمر به جمع آوری قرآن اشاره نمود.» (4)

ص: 48

1- الاتقان في علوم القرآن، ج 1، ص 162.

2- محمد بن حبيب بغدادی، المحبر، ص 286

3- فتح الباری، ج 9، ص 10.

4- الاتقان في علوم القرآن، ج 1، ص 162.

بنابراین علاوه بر اشکال سندی که در مورد این روایت وجود دارد باید گفت که عمر نه خود رأساً اقدام به جمع آوری قرآن نمود و نه دستور آن را صادر کرد، بلکه در زمان خلافت ابوبکر به وی پیشنهاد داد تا قرآن را جمع آوری نماید.

عثمان نیز نمی تواند اولین جامع قرآن باشد چراکه این امر با هیچ یک از گزارش های تاریخی سازگار نیست علاوه بر آن هیچ توجیه عقلی وجود ندارد که مسلمانان گرد آوری قرآن را تا زمان خلافت عثمان به تأخیر انداخته و تا آن زمان هیچ یک از آنان اقدام به گردآوری قرآن ننموده باشند.

ضمن آنکه عثمان نیز همچون ابوبکر رأساً اقدام به گردآوری قرآن ننمود، بلکه وی در زمان خلافتش دستور داد تا قرآن با قرائت واحد گردآوری شده و به مراکز اصلی شهرهای مسلمانان ارسال شود و چیزی از آن را خود به نگارش در نیاورد. همچنین بنابر نقل های متقن تاریخی، قرآن قبل از وی به دستور ابوبکر و قبل از ابوبکر، توسط حضرت علی علیه السلام گردآوری شده بود؛ اما جمع او، اولین جمع رسمی و حکومتی است که مورد استفاده گسترده قرار گرفت و حتی مردم مجبور به پیروی از آن شدند و چه بسا مراد از اولین جمع توسط او، این گونه جمع باشد.

سالم مولی ابی حدیفه نیز اولین جامع قرآن به شمار نمی رود؛ چراکه برخی از علمای اهل تسنن از جمله سیوطی این سخن را از غریب ترین اقوال در این زمینه به شمار آورده و سندش را منقطع دانسته اند.⁽¹⁾ ضمن آنکه این امر مخالف شواهد مسلم تاریخی است.

البته سیوطی احتمال داده است که او یکی از افرادی باشد که قرآن را به فرمان ابوبکر جمع آوری نمود،⁽²⁾ اما این احتمال نیز صحیح نیست چراکه

ص: 49

1- همان، ج 1، ص 162.

2- همان

«سالم» در جنگ یمامه که قبل از جمع ابوبکر اتفاق افتاد، کشته شده بود و لذا نمی توانست در جمع آوری ابوبکر دخالتی داشته باشد. (1)

سعد بن عباد الله نیز اولین جمع کننده قرآن نیست؛ چرا که اگر مراد بغدادی از جمع قرآن توسط سعد، جمع کامل قرآن باشد، بدین معناست که افراد متعددی در زمان حضرت رسول صلی الله علیه و آله قرآن را به طور کامل جمع آوری کرده باشند که در این صورت نگرانی ایشان در هنگام وفات و وصیت به حضرت علی علیه السلام بی مورد خواهد بود. بنابر این دو احتمال در مورد عبارت «جماع قرآن» در کلام بغدادی وجود دارد، یا آنکه «سعد» از جمله حافظان قرآن در زمان رسول خدا صلی الله علیه و آله بوده است و یا از جمله افرادی بوده که به نگارش قرآن در زمان رسول خدا صلی الله علیه و آله مشغول بوده است.

با توجه به آنکه تعداد «جماع قرآن» در این نقل شش نفر دانسته شده و حافظان قرآن در عهد رسول صلی الله علیه و آله فراوان بوده اند، احتمال دوم تقویت می شود مگر آنکه بگوییم مراد افرادی هستند که موفق به حفظ کامل قرآن در عصر پیامبر صلی الله علیه و آله شده اند و تعداد چنین افرادی را اندک بدانیم.

3. برخی بر این باورند که منظور از عبارت «أَوَّلُ مُصَدِّحِ جُمُعٍ فِيهِ الْقُرْآنُ» اولین تفسیر قرآن است نه اولین جامع، چراکه در زمان رسول خدا صلی الله علیه و آله مصاحف قرآنی متعددی گردآوری شده بود. (2) اما این باور نیز باور درست و صحیحی نمی باشد؛ گرچه مصحف حضرت علی علیه السلام با تفسیرها، تأویل ها، شأن نزول ها و سایر توضیحات همراه بوده است، اما اینکه مراد از «أَوَّلُ مُصَدِّحِ جُمُعٍ فِيهِ الْقُرْآنُ» اولین تفسیر باشد، معقول به نظر نمی رسد؛ چراکه آنچه در عبارت فوق و در روایات مصحف علی علیه السلام موضوع سخن بوده و به آن تصریح شده است، گردآوری قرآن است نه گردآوری تفسیر قرآن.

ص: 50

1- جمع القرآن، ص 105.

2- اشقیر محمدعلی، لمحات من تاریخ القرآن، ص 144.

مدت زمان گردآوری قرآن توسط حضرت علی علیه السلام در روایات مختلف یکسان بیان نشده است؛ برخی از روایات این مدت را سه روز(1) برخی شش روز(2) و برخی دیگر شش ماه را مطرح نموده اند.(3)

بررسی و تحلیل هر یک از این روایات حاکی از آن است که جمع آوری قرآن در مدت شش یا سه روز، صحیح تر به نظر می رسد چراکه روایات شش روز و سه روز با توجه به شواهد موجود در دیگر روایات، تأیید می شوند، مثلاً جابر از امام صادق علیه السلام روایتی را نقل نموده که در بردارنده خطبه ای از امام علی علیه السلام است و امام صادق علیه السلام زمان ایراد این خطبه را هفت روز پس از وفات پیامبر صلی الله علیه و آله و بعد از فراغت از گردآوری قرآن دانسته اند؛(4) بنابراین قرآن باید قبل از هفت روز پس از وفات رسول خدا صلی الله علیه و آله به وسیله امیر المؤمنین علیه السلام گردآوری شده باشد.

علاوه بر این، گردآوری قرآن در این مدت امر محال و غیرممکنی نیست چراکه از برخی از نقل ها چنین به دست می آید که افراد دیگری نیز با حضرت علی علیه السلام در گردآوری قرآن همکاری داشته اند، مثلاً سلمة بن عبدالرحمن می گوید: گروهی از اصحاب در خانه حضرت زهرا علیها السلام جمع شده بودند، عمر نزد آنان آمد تا خانه را بر آنها بسوزاند، آنان گفتند: گناهی بر ما نیست ما جمع شده ایم تا قرآن را در مصحف واحدی گردآوری نماییم(5)

ص: 51

-
- 1- عبد خیر از امام علی علیه السلام نقل نموده است که قسم یاد نمود که عبا بر دوش نگیرد تا آنکه قرآن را جمع نماید؛ پس سه روز در منزل نشستند و قرآن را جمع نمودند؛ فهرست ابن الندیم، ص 30.
 - 2- مجمع البحرین، ج 1، ص 399
 - 3- بحار الأنوار، ج 40، ص 154؛ مناقب آل أبي طالب، ج 1، ص 391
 - 4- التوحید، ص 73.
 - 5- شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 56.

از سویی دیگر در برخی از روایات چنین بیان شده است که قرآن در اوراق پراکنده به نگارش در آمده بود و رسول خدا صلی الله علیه و آله آنها را به علی علیه السلام دادند تا آنها را جمع آوری نمایند. (1) علاوه بر آن حضرت علی علیه السلام از کاتبان وحی در زمان حضرت رسول صلی الله علیه و آله بوده بنابراین تمامی آیات یا حداقل بسیاری از آنها را در زمان حیات پیامبر صلی الله علیه و آله به نگارش در آورده بودند، پس می توان تصور نمود که کار ایشان تنظیم قسمت های پراکنده قرآن، اضافه نمودن آیاتی که در روزهای پایانی عمر پیامبر نازل شده و افزودن برخی توضیحات بوده است که انجام این امور در مدت سه یا شش روز غیر ممکن نیست.

البته باید توجه داشت که انجام چنین امری برای امام علی علیه السلام که مؤید به تأییدات الهی هستند، هرگز بعید نیست.

نتیجه آنکه اگر از روایاتی که به همکاری دیگر افراد با حضرت در انجام این امر اشاره دارند صرف نظر نماییم و نقل های سه روز و شش روز را در این زمینه بپذیریم؛ باید بگوییم که قبلاً تمامی قرآن و یا حداقل اکثر آیات قرآن توسط ایشان به نگارش در آمده و کار حضرت بازنگری و منظم کردن قسمت های پراکنده بوده است و حتی در صورت نپذیرفتن این تبیین و تحلیل باید گفت، نگارش قرآن در ظرف مدت اندک به وسیله امیر المؤمنین علیه السلام که زندگانی ایشان سرشار از انجام کارهای خارق العاده است، امر بعید و غیر ممکن نیست.

مصحف امام علی علیه السلام و تحریف قرآن

دلایل متقنی که در مورد تحریف ناپذیری قرآن، وجود دارد هر گونه شک و شبهه را در زمینه تحریف قرآن، از بین می برد اما برخی از اهل تسنن تلاش

ص: 52

نموده اند تا با استناد به وجود «مصحف امام علی علیه السلام» شیعه را متهم به باور به تحریف قرآن نمایند.⁽¹⁾ حتی برخی از شیعیان نیز سعی نموده اند تا با استناد به روایات ظهور حضرت حجت علیه السلام و تعلیم قرآن توسط ایشان، مطابق با مصحف حضرت علی علیه السلام، اثبات کنند که مصحف آن حضرت از جهات متعدد با قرآن در دست ما متفاوت است.⁽²⁾

گروهی دیگر چنین استدلال کرده اند که احتمال خطا و اشتباه حضرت علی علیه السلام در جمع آوری قرآن به جهت عصمت ایشان منتفی است و چون محتوای مصحف ایشان با قرآنهاى رایج متفاوت است بنابر این قرآن رایج دچار تغییر و تحریف شده است. برخی از روایات مورد استناد آنان در اثبات تفاوت محتوای مصحف با قرآن رایج، چنین است:

1. در روایتی از امام صادق علیه السلام آمده است: «در مصحف علی علیه السلام چنین آمده است: «اغْسِلُوا وُجُوهَكُمْ وَأَيْدِيَكُمْ إِلَى الْمَرَافِقِ وَامْسَحُوا بِرُءُوسِكُمْ وَأَرْجُلَكُمْ إِلَى الْكَعْبَيْنِ»⁽³⁾

2. در روایت دیگر نقل شده است که شخصی قرآن را نزد امام صادق علیه السلام خواند و من قرائت او را مانند قرائت مردم نیافتم. امام علیه السلام به او فرمودند: از این قرائت دست نگهدار و قرآن را همان گونه که مردم می خوانند، بخوان تا زمانی که قائم قیام کند؛ زیرا هنگامی که او قیام کند کتاب خدا را بر حد آن قرائت خواهد نمود و مصحفی را که علی علیه السلام نگاشته است، عرضه خواهد کرد⁽⁴⁾

ص: 53

1- اصول مذهب الشیعة الامامية الاثنی العشریة، ج 1، ص 202.

2- صیانة القرآن من التحریف، ص 231.

3- علی بن یونس عاملی، الصراط المستقیم، ج 13، ص 269. در آیه ششم سوره مائده به جای «من»، «الی» آمده است.

4- الکافی، ج 2، ص 631.

3. امام باقر علیه السلام فرمودند: «هیچ کس مگر اوصیا قادر نیست ادعا کند که تمام ظاهر و باطن قرآن نزد اوست» (1). در روایت دیگری عبارت: «غیر از علی بن ابی طالب» آمده است. (2)

4. ابو الخطاب از امام صادق علیه السلام روایت کرده است که فرمودند: آیه یا ویلتی لیتتی لم اتخذ فلانا خلیلاً (3) در مصحف امام علیه السلام به صورت «یا ویلتی لیتتی لم اتخذ الثانی خلیلاً» آمده است. (4)

5. ملاصالح مازندرانی می گوید: «در کتاب سلیم بن قیس آمده است که مصحف حضرت علی علیه السلام هجده هزار آیه داشته است.» (5)

پایه و اساس این ادعا (تحریف قرآن) بر این امر استوار است که آیا مصحف حضرت علی علیه السلام با قرآنها در دست مردم، متفاوت است یا خیر؟ اگر تفاوتی وجود دارد این تفاوت ها کدام است؟

چهار احتمال در مورد تفاوت های مصحف امیر المؤمنین علیه السلام با سایر مصاحف وجود دارد:

الف) از جهت ترتیب آیات؛ به این بیان که مصحف حضرت علی علیه السلام بر اساس ترتیب نزول مرتب شده باشد.

ب) از جهت قرائت؛ بدین معنا که مصحف حضرت علی علیه السلام بر اساس قرائت رسول خدا صلی الله علیه و آله و مطابق با تنزیل به نگارش در آمده، اما مصاحف رایج بر اساس قرائت سبعة و خصوصاً قرائت حفص از عاصم به نگارش در آمده که ممکن است در آن اجتهاد قراء وارد شده باشد.

ص: 54

1- مَا يَسْتَطِيعُ أَحَدٌ أَنْ يَدَّعِي أَنَّهُ جَمِيعُ الْقُرْآنِ كُلِّهِ ظَاهِرِهِ وَبَاطِنِهِ غَيْرَ الْأَوْصِيَاءِ. الكافي، ج 1، ص 228.

2- همان

3- فرقان، آیه 28: «وای بر من، کاش فلان را دوست نمی گرفتم».

4- بحار الأنوار، ج 13، ص 59؛ همان، ج 42، ص 18؛ شرف الدین حسینی استرآبادی، تأویل الآيات الظاهرة في فضائل الطاهرة، ج 1، ص 374.

5- ملاصالح مازندرانی، شرح کافی، ج 11، ص 87

اگر تفاوت ها از جهت ترتیب آیات یا نحوه قرائت باشد- البته در صورت اثبات - از مصادیق تحریف قرآن به شمار نمی روند. پس ادعای تحریف مردود است.

ج) از جهت محتوا یعنی برخی مطالب در مصاحف رایج وجود دارد که در مصحف امام علیه السلام وجود ندارد. این احتمال قطعه مردود است چراکه یا مستلزم تحریف به زیاده در قرآن است و هیچ کسی چنین ادعایی نداشته است و یا آنکه باید گفته شود حضرت علی علیه السلام برخی آیات را در مصحف خود نیاورده اند که این امر با عصمت حضرت در تعارض است.

د) احتمال چهارم آن است که در مصحف حضرت علی علیه السلام مطالبی افزون بر قرآنها را رایج وجود داشته باشد.

آنچه باعث شده که شبهه تحریف در ذهن برخی افراد شکل گیرد این احتمال است؛ چراکه روایات و گزارش هایی وجود دارد که وجود برخی اضافات و زیادات در مصحف حضرت علی علیه السلام را مورد توجه قرار داده است مثلاً در گزارشی که عرضه قرآن به مردم را مطرح می سازد آمده است که عمر آن مصحف را گرفت و در صفحه اول آن فصایح قوم را دید. [\(1\)](#)

در کتاب سلیم بن قیس نیز آمده است «هنگامی که امام علی علیه السلام تمامی قرآن را جمع کردند، آن را بر اساس تنزیل و تأویل، ناسخ و منسوخ نگاهشتند.» [\(2\)](#)

سلمان فارسی نقل می کند که «علی علیه السلام از خانه خارج نشدند تا آنکه قرآن را بر اساس تنزیل، ناسخ و منسوخ نگاهشتند.» [\(3\)](#)

در تبیین صحیح این احتمال، باید گفت منظور از اضافات، شرح و توضیح آیات است نه آنکه آیه ای یا سوره ای وجود داشته باشد. آیت الله

ص: 55

1- الاحتجاج، ج 1، ص 228: الصافی، ج 1، ص 43.

2- سلیم بن قیس، ص 146

3- الاحتجاج، ج 1، ص 107.

خوبی در تبیین معنای تنزیل که در گزارش ها سلیم بن قیس و سلمان فارسی آمده است، می گوید:

«گاه تنزیل به معنای اصلی و مصدری خودش (فروفرستادن) استعمال می شود، گر چه این فرستادن به عنوان قرآن نباشد... بنابراین شاید مراد از اضافات تنزیلی در قرآن علی علیه السلام، سخنانی بوده که برای شرح آیات قرآن از طرف خداوند نازل شده است، بدون اینکه جزء قرآن باشد... چنان که در برخی از روایات نیز آمده است که در قرآن ایشان نام منافقان آمده است و لابد مراد آن است که نام آنها به عنوان تفسیر در آن مصحف ذکر شده، نه آیه قرآن»⁽¹⁾.

با توجه به آنچه بیان شد گرچه مصحف حضرت علی علیه السلام به جهت دارا بودن برخی اضافات و زیادات، متفاوت با سایر مصاحف بوده است اما وجود این زیادات به معنای تحریف قرآن نیست؛ چراکه علاوه بر دلایل متقن و فراوانی که بر تحریف ناپذیری قرآن وجود دارد،⁽²⁾ دلایل دیگری وجود دارد که نشان می دهد اضافات موجود در مصحف حضرت علی علیه السلام از نوع آیات قرآن نیست که به برخی اشاره می شود:

1. روایات فراوانی وجود دارد که ائمه علیهم السلام پیروان خود را بر قرائت و عمل به همین قرآن (قرآن موجود) تشویق کرده اند.⁽³⁾
2. اگر مصحف امام علی علیه السلام آیاتی در مورد امامت و... داشت که در قرآن موجود نیست، حضرت و یارانش به آن احتجاج می کردند،⁽⁴⁾ در حالی که چنین نکردند.
3. اگر در مصحف حضرت علی علیه السلام آیاتی افزون بر قرآنهاي موجود،

ص: 56

1- البیان، ص 224.

2- مطالب مربوط به این بحث در بخش مفهوم شناسی و کلیات مطرح گردید.

3- وسایل الشیعه، ج 6، ص 163.

4- المیزان، ج 12، ص 116.

وجود می داشت، حتما ایشان یا سایر ائمه علیهم السلام این تفاوت ها و زیادات را به مردم یا حداقل به خواص خود اعلام می فرمودند؛ چراکه سکوت در این مورد باعث از بین رفتن پاره ای از دین است و تقیه در جایی که موجب فساد دین باشد، جایز نیست. (1)

گزارش ملاصالح مازندرانی از کتاب سلیم بن قیس تنها گزارشی است که بر افزون بودن آیات مصحف حضرت علی علیه السلام نسبت به سایر مصاحف اشاره دارد، اما چنین روایتی در نسخه های موجود کتاب سلیم بن قیس، وجود ندارد؛ بنابر این دو احتمال در مورد سخن ملاصالح وجود دارد، احتمال نخست آنکه در نسخه در دسترس او، چنین روایتی وجود داشته است و احتمال دوم آن است که ملاصالح این روایت را با روایت کتاب کافی که تعداد آیات را هفده هزار آیه می داند، خلط نموده باشد. (2)

در مورد احتمال نخست (تعدد نسخه های کتاب سلیم بن قیس)، برخی چون آقابزرگ تهرانی این کتاب را دارای نسخ متعدد می دانند (3) اما نقل ملاصالح از این کتاب به جهت انتقادات وارد بر آن، نبودن این روایت در نسخه های موجود و احتمال وجود خطا در نسخه در دسترس ملاصالح، قابل اعتنا نیست.

در مورد احتمال دوم یعنی خلط شدن گزارش ملاصالح با روایت کتاب کافی (4) باید گفت که با توجه به وجود این حدیث (حدیث کتاب کافی) در کتب معتبر شیعه و راویان معتبری که آن را نقل کرده اند، بررسی سند آن را

ص: 57

1- امام خمینی، الرسائل، ج 2، ص 177؛ ناصر مکارم شیرازی، القواعد الفقهية، ج 1، ص 415

2- الکافی، ج 2، ص 634.

3- آقابزرگ تهرانی، الذریعة إلى تصانیف الشيعة، ج 17، ص 276.

4- «عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحَكَمِ عَنْ هِشَامِ بْنِ سَالِمٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: إِنَّ الْقُرْآنَ الَّذِي جَاءَ بِهِ جِبْرِيلُ إِلَى مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ عَشْرَ أَلْفِ آيَةٍ؛ مَرْحُومٌ كَلِمَتِي مِنْ أَمَامِ صَادِقٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ رَوَيْتُ كَرِهَةً أَسْتَعِينُ بِهَا عَلَى قُرْآنِهِ أَنْ يَكُونَ جِبْرِيلُ نَزَلَ مُحَمَّدًا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ وَأَلَهُ أورد، هفده هزار آیه دارد. الکافی، ج 2، ص 634

واگذاشته و محتوای آن مورد توجه قرار می‌گیرد. بر این اساس، چند احتمال در مورد محتوای این روایت وجود دارد:

نخست آنکه عدد هفده هزار در واقع تصحیف (1) شده عدد هفت هزار باشد، به عبارت دیگر تعداد هفده هزار آیه از اشتباه نسخه نویس یا نسخه نویسان کتاب کافی بوده باشد.

بررسی نسخه های مختلف کتاب کافی و وجود عدد هفت هزار در برخی از آن نسخه ها، این احتمال را تقویت می نماید؛ (2) همان گونه که فیض کاشانی در کتاب وافی، عدد هفت هزار را ثبت نموده (3) و علامه شعرانی نیز همین عدد را صحیح دانسته و عدد هفده هزار را از اشتباهات نسخ نویسان کتاب کافی دانسته است (4) و واضح است که عدد هفت هزار به تعداد واقعی آیات، نزدیک بوده و با شیوه سخنوری عرف (بیان تقریبی اعداد) نیز مطابقت دارد.

دوم آنکه اگر چنین تصحیفی پذیرفته نشود و متن این روایت بر ظاهرش حمل گردد؛ به طور قطع و یقین با آیاتی همچون آیه «إِنَّا نَحْنُ نَزَّلْنَا الذِّكْرَ وَإِنَّا لَهُ لَحَافِظُونَ» (5) که بیانگر مصونیت قرآن از تحریف است، در تعارض است. بنابر این روایت فوق با توجه به احادیث عرضه، به قرآن عرضه شده و به جهت مخالفت آن با قرآن، کنار نهاده می شود.

سوم آنکه ظاهر این روایت با روایات معتبر و متواتر دیگر که قرآن را مصون از هر گونه تغییر و تبدیل می دانند، (6) در تعارض است و از آنجا که روایت مورد نظر نسبت به روایات تحریف ناپذیری قرآن که معتبر تر و مشهورتر

ص: 58

1- تصحیف در روایت به معنای تغییر به مشابه است.

2- عمیدی، ثامر، دفاع از کلینی، ص 374.

3- فیض کاشانی، الوافی، ج 9، ص 1781.

4- معرفت، محمدهادی، صیانة القرآن من التحریف، ص 264-265.

5- حجر: 10

6- رجوع شود به فصل نخست همین کتاب.

هستند، روایتی شاذ به شمار می رود، مطابق با روایت زراره از امام باقر علیه السلام،⁽¹⁾ باید کنار گذاشته شود.

بنابراین در برخورد با این روایت دوره وجود دارد؛ یا آنکه این روایت به خاطر تعارض با آیات عدم تحریف کنار گذاشته شود و یا متن آن را طبق موارد فوق تصحیح نماییم.

نتیجه آنکه اضافات موجود در مصحف حضرت علی علیه السلام توضیح، تفسیر، تأویل، شأن نزول و مسائلی از این دست بوده است؛ همچنان که مصاحف سایر صحابه با برخی از این توضیحات همراه بوده است.⁽²⁾ برخی از روایات نیز به صراحت چنین امری را تصدیق می نمایند. ابن شهر آشوب می نویسد: «در کتاب الرد علی اهل التبديل چنین دیدم که در مصحف امیر المؤمنین در ادامه آیه «یا لَیْتَنی کُنْتُ تُرَاباً»⁽³⁾ آمده است «یَعْنی مِنْ أَصْحَابِ عَلیِّ»؛⁽⁴⁾ واژه «یعنی» به صراحت می رساند که این مصحف شریف مشتمل بر توضیح آیات نیز بوده است. مرحوم آیت الله خویی نیز بر این نظر است که وجود اضافات در مصحف امیر المؤمنین علیه السلام گرچه صحیح است اما قطعاً قرآن نبوده است.⁽⁵⁾

علامه طباطبایی نیز در این باره می نویسد:

«جمع نمودن قرآن توسط امیر المؤمنین علیه السلام و ارائه آن به مردم، بر مخالفت مصحف حضرت با مصاحف دیگران در اصول و فروع دین دلالت ندارد؛ مگر آنکه در ترتیب بعضی از سوره ها یا آیات تفاوت هایی بوده باشد که موجب مخالفت و تغییر در حقایق دینی نمی شود. اگر قرآن آن حضرت از نظر اصول و یا فروع با قرآن آنان مخالف بود، حضرت با آنان احتجاج می نمود و از آن

ص: 59

1- مجلسی، محمدباقر، بحار الانوار، ج 2، ص 245.

2- محمد عبدالعظیم زرقانی، مناهل العرفان فی علوم القرآن، ج 1، ص 424؛ خویی، البیان، ص 225.

3- نبا، آیه 40 «ای کاش من خاک می بودم».

4- ابن شهر آشوب، مناقب آل ابي طالب، ج 2، ص 305.

5- البیان، ص 225.

دفاع می کرد و قانع نمی شد به اینکه آنان از قرآن حضرت روگردان شدند و گفتند ما را نیازی به آن نیست، همان گونه که در موارد زیادی از آن حضرت نقل شده است که احتجاج می فرمود و در هیچ یک از احتجاجهای آن حضرت، نقل نشده که در امر ولایت و یا غیر ولایت، آیه ای یا سوره ای را قرائت کنند یا بفرمایند که این آیه یا سوره را حذف نمودید یا تحریف کردید و آنان را این گونه متهم بفرماید. (1)

اگر برای اثبات تحریف قرآن به روایاتی که به تفاوت قرآن حضرت ولی عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف اشاره دارد استدلال شود در پاسخ باید گفت با توجه به آنچه ذکر شد قطعاً این اختلاف از جهت محتوای آیات نیست چرا که قرآن برای هدایت همه مردم نازل شده است و وجود قرآن راستین نزد امام غائب و عدم دسترسی مردم به آن شبیه آن است که فردی ادعا کند قرآن اصلی تنها در لوح محفوظ یا نزد فرشته ای است و یا فردی بگوید که من برای تو هدیه ای خریداری کردم اما نزد خود نگه میدارم؛ (2) چرا که با هدف اصلی آن یعنی بهره وری انسان ها جهت نجات از ضلالت و گمراهی ناسازگار است و با هیچ عقل و درایتی سازگار نیست.

ترتیب آیات و سوره ها در مصحف امام علیه السلام

اشاره

یکی از مباحث مطرح شده در مورد مصحف حضرت علی علیه السلام ترتیب آیات و سوره های آن است؛ برخی چون شیخ مفید، (3) ملاصالح مازندرانی، (4) علامه طباطبایی، (5) علامه معرفت، (6) زنجانی (7) و... معتقدند که ترتیب آیات و سوره ها

ص: 60

- 1- المیزان، ج 12، ص 116.
- 2- البیان، ص 207.
- 3- شیخ مفید، المسائل السرویه، ص 79.
- 4- شرح اصول کافی، ج 11، ص 87.
- 5- المیزان، ج 12، ص 116.
- 6- محمد هادی معرفت، التمهید، ج 1، ص 18.
- 7- ابو عبدالله زنجانی، تاریخ جامع قرآن کریم، ص 69.

در مصحف حضرت علی علیه السلام مطابق با ترتیب نزول آیات و تقدیم منسوخ بر ناسخ و مکی بر مدنی است؛ از سویی می دانیم چنین نظمی در قرآنها رایج، رعایت نشده است، بنابر این بررسی صحت این دیدگاه، مستلزم توجه به نکاتی است که به آنها اشاره می شود

درآمدی بر ترتیب آیات و سوره ها در قرآن

بنابر نظر اکثر صاحب نظران علوم قرآن و تفسیر، ترتیب آیات در سوره های قرآن توقیفی است؛ (1) چراکه اگر ترتیب آیات توقیفی نبوده بلکه اجتهادی باشد، دو احتمال قابل تصور است:

اول آنکه در زمان حیات حضرت رسول صلی الله علیه و اله برخی از آیات قرآن جای مشخصی در بین سوره ها نداشته و بعدها توسط صحابه جای آن آیات مشخص شده است؛ مردود بودن این احتمال واضح و روشن است و هیچ کس مدعی آن نشده است.

دوم آنکه در زمان نزول قرآن، جایگاه تک تک آیات در سوره ها مشخص شده، اما بعدها در جریان جمع آوری قرآن در زمان ابوبکر یا عثمان، مکان آیات تغییر پیدا کرده است؛ این احتمال نیز با توجه به اهتمام مسلمانان در حفظ و نگهداری قرآن و تعصب آنان در صیانت قرآن از هر گونه تغییر و تبدیل، امری غیر ممکن است. (2)

علاوه بر آن، نظم و انسجام و جنبه شیوایی و فصاحت آیات در سوره ها، ترتیب کنونی را اقتضا دارد چرا که یکی از ابعاد اعجاز قرآن فصاحت و

ص: 61

1- توقیفی بودن یعنی به دستور حضرت رسول صلی الله علیه و آله و با اشاره وحی بوده است و باید در آن توقف نمود البته برخی افراد، ترتیب تعداد اندکی از آیات قرآن را به اجتهاد صحابه دانسته اند، اما دلایل ارائه شده از جانب آنان قانع کننده نیست.

2- برای اطلاع بیشتر از تلاش مردم در جهت حفظ و نگهداری آیات به نمونه ای از روایات درباره آیه «وَالَّذِينَ اتَّبَعُوهُمْ بِإِحْسَانٍ» توجه شود. ر.ک: التبیان، ج 5، ص 287؛ المیزان، ج 9، ص 383؛ تدوین القرآن، ص 155.

بلاغت آن است، و واضح است که جابه جایی آیات، سبب بر هم خوردن اعجاز قرآن می شود؛ به عبارت دیگر پذیرش جابه جایی برخی آیات، مستلزم پذیرش بر هم خوردن اعجاز قرآن است.

البته گروهی اندک نیز در مقام اثبات اجتهادی بودن برخی آیات برآمده و گفته اند:

اگر در مقام اثبات توقیفی بودن ترتیب آیات به روایات و اخباری استناد شود که پیامبر صلی الله علیه و آله خود جای برخی آیات را در بین سوره ها مشخص کرده اند؛ باید گفت که این گونه روایات اندک بوده و درباره جایگاه چند آیه بیشتر نیست و نمی توان از آن قانون کلی استخراج کرد و ادعا کرد که جایگاه تمامی آیات توسط پیامبر صلی الله علیه و آله مشخص شده است.

همچنین اگر به قرائت سوره های قرآن توسط پیامبر صلی الله علیه و آله استناد شود که ایشان آیات را به همین ترتیب کنونی قرائت کرده اند، باید گفت بین تدوین و قرائت فرق است. [\(1\)](#)

در رد این دو دلیل باید گفت که اثبات شیء نفی ما عدا نمی کند یعنی اگر در مورد چند آیه، نص صریح وجود دارد که جایگاه آنها توسط رسول خدا صلی الله علیه و آله معین شده است، این امر دلیل بر توقیفی نبودن سایر آیات نیست.

از سوی دیگر روایاتی وجود دارد که تعیین جایگاه همه آیات را به رسول خدا صلی الله علیه و آله منسوب می کند، نه آیات معینی را [\(2\)](#)

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله پیامبری امی بوده و قبل از رسالت، توانایی خواندن و نوشتن نداشتند [\(3\)](#) و هرگز گزارش نشده که ایشان آیات را به صورت کتبی بر

ص: 62

1- حسین جوان آراسته، درسنامه علوم قرآنی، ص 136 و 135.

2- الاتقان فی علوم القرآن، ج 1، ص 167.

3- «وَمَا كُنْتُمْ تَتْلُوا مِنْ قَبْلِهِ مِنْ كِتَابٍ وَلَا تَخُطُّهُ بِيَمِينِكُمْ» تو پیش از این کتاب خواندن و نوشتن نمی دانستی وگرنه اهل باطل به شک می افتادند. عنکبوت، آیه 48.

مردم ابلاغ کرده باشند؛ بنابر این همان گونه که حفظ قرآن بر اساس قرائت ایشان بوده، نگارش و تدوین آیات و سوره ها نیز بر اساس قرائت پیامبر صلی الله علیه و آله بوده و ایشان پس از نزول آیات، کاتبان وحی را فرا خوانده، آیات را بر آنان تلاوت کرده و جایگاه آیات را در بین سوره ها مشخص نموده اند؛ بنابر این مسئله قرائت پیامبر صلی الله علیه و آله از تدوین قرآن نیست.

درباره ترتیب سوره های قرآن، اختلاف نظرات نمایان تر است؛ برخی چون آیت الله معرفت، زرکشی، علامه طباطبایی و ... معتقدند که ترتیب سوره ها در قرآن توسط صحابه و به اجتهاد آنان تنظیم شده است. (1) از سویی برخی دیگر چون آیت الله خویی، صبحی صالح، و ... بر این اعتقادند که ترتیب سوره ها همچون ترتیب آیات، بر اساس نظر رسول خدا صلی الله علیه و آله منظم شده است. (2) یکی از دلایل این دیدگاه، روایت زید بن ثابت است که می گوید: «کنا عند رسول الله صلی الله علیه و آله نؤلف القرآن من الرقاع» مانند رسول خدا صلی الله علیه و آله بودیم که قرآن را از روی رقعها تألیف می کردیم. (3)

آنها می گویند: تألیف به معنای تنظیم و تدوین است؛ (4) بنابراین در عصر پیامبر صلی الله علیه و آله کاتبان وحی علاوه بر نگارش آیات قرآن، به تألیف و تنظیم آیات و سوره های قرآن نیز، زیر نظر رسول خدا صلی الله علیه و آله، می پرداختند.

ص: 63

-
- 1- تاریخ قرآن، ص 84؛ بدر الدین زرکشی، البرهان، ج 1، ص 257؛ محمدحسین طباطبایی، قرآن در اسلام، ص 121.
 - 2- آیت الله خویی معتقدند که قرآن تماماً در زمان حضرت رسول جمع شده است. البیان، ص 256؛ صبحی صالح، پژوهش هایی درباره قرآن و وحی، ص 113، آیت الله مکارم شیرازی نیز می نویسد: «يقول العالم الجليل السيد المرتضى رحمه الله أن القرآن على عهد رسول الله مجموعا مولفا على ما هو عليه الآن». الامثل فی تفسیر کتاب المنزل، ج 1، ص 23.
 - 3- علی کورانی، تدوین القرآن، ص 239؛ سید ابوالفضل میر محمدی زرنندی، بحوث فی تاریخ القرآن و علومه، ص 101.
 - 4- لسان العرب، ج 9، ص 10.

اگر معتقدان به اجتهادی بودن ترتیب سوره ها در تأیید نظریه خویش، به ترتیب مصاحف صحابه از جمله مصحف ابی ابن کعب و ابن مسعود استناد نمایند که در ترتیب سوره ها با یکدیگر و با قرآن اختلاف دارند،⁽¹⁾ در پاسخ گفته می شود اگر چنین اختلافاتی در این مصاحف قابل پذیرش باشد، باید بگوییم این اختلافات اندک و از اختلاف چند سوره تجاوز نمی کند. اگر واقعا هر یک از صحابه بر اساس نظر و سلیقه خود، سوره ها را در قرآن مجید مرتب کرده باشد، آیا نباید این اختلافات بیشتر بود و شباهت اندک؟ بنابر این علت این اختلافات را در جای دیگر باید جستجو نمود.

بنابر آنچه بیان شد، دلیلی قطعی بر اینکه ترتیب سوره ها در قرآن کریم به اجتهاد صحابه صورت گرفته باشد، در دست نیست؛ حداقل می توان ادعا نمود که ترتیب اکثر - اگر نگوییم همه - سوره ها توقیفی است.

یکی از دلایل قائلان به اجتهادی بودن ترتیب سوره ها، ترتیب مصحف حضرت علی علیه السلام است، آنها می گویند:

«اگر قرآن به همین ترتیب فعلی در زمان حضرت رسول خدا صلی الله علیه و آله جمع شده بود، چرا علی بن ابی طالب علیه السلام قرآن را بر اساس ترتیب نزول، جمع کرد؟ آیا می توان باور داشت که قرآن، جمع آوری شده بود، ولی علی علیه السلام شیوه جمع آوری خود را بر آنچه پیامبر صلی الله علیه و آله جمع کرده بود، ترجیح داد؟!»⁽²⁾

اساس این دلیل، جمع آوری قرآن توسط حضرت علی علیه السلام با توجه به ترتیب نزول است؛ حال آنکه این ادعا خود نیازمند بررسی است؛ بنابراین بررسی دیدگاه های گوناگون درباره ترتیب مصحف امیر مؤمنان علیه السلام به روشن شدن این مسئله کمک خواهد کرد.

ص: 64

1- درسنامه علوم قرآنی، ص 142.

2- همان، ص 141.

کسانی که جمع آوری قرآن توسط حضرت علی علیه السلام را بر اساس ترتیب نزول پذیرفته اند دو گروه اند: برخی همچون ملا صالح مازندرانی و سید شرف الدین (1) در توصیف ترتیب مصحف حضرت علی علیه السلام قید آیه و سوره را ذکر نکرده اند، همان گونه که شیخ مفید نیز در توصیف مصحف آورده است:

«مکی را بر مدنی و منسوخ را بر ناسخ مقدم آورده و هر چیزی از قرآن را در جایگاهی که حق و سزاست، نهاده است» (2).

ز سویی می دانیم که قرار گرفتن برخی از آیات در سوره ها بر اساس ترتیب نزول نیست؛ چراکه گاه آیه ای از قرآن نازل می شد و رسول خدا صلی الله علیه و آله دستور می دادند که آن را بر خلاف ترتیب نزول در بین آیاتی که قبلاً نازل شده بود، قرار دهند (3).

بنابراین کسانی که جمع آوری مصحف حضرت را بر اساس ترتیب نزول، به طور مطلق (بدون قید آیات یا سوره ها)، بیان کرده اند، کلامشان در بردارنده ترتیب آیات و سوره ها باهم است؛ چراکه اگر گفته شده ترتیب مصحف امام بر اساس ترتیب نزول است و برخی آیات در قرآن رایج بر اساس نزول مرتب نگشته، ناگزیر نتیجه آن چنین است که باید ترتیب آیات مصحف نیز همچون سوره ها، منطبق با ترتیب قرآن رایج نباشد.

برخی دیگر به صراحت بیان می کنند که ترتیب آیات و سوره ها در مصحف حضرت علی علیه السلام بر اساس ترتیب نزول است. آیت الله معرفت می گوید:

ص: 65

1- شرح اصول کافی، ج 11، ص 87؛ سید عبدالحسین شرف الدین، المراجعات، ص 411.

2- شیخ مفید، المسائل السرویه، ص 79.

3- روایات ابن عباس و عثمان بن ابی العاص، به این مطلب اشاره دارند. البرهان فی علوم القرآن، ج 1، ص 190؛ المیزان، ج 12، ص 127، الاحتجاج، ج 3، ص 3.

«ترتیب دقیق آیات و سوره ها طبق تاریخ نزول آنها، مکی پیش از مدنی در این مصحف رعایت شده بود.»⁽¹⁾

زنجانی نیز در کتاب تاریخ جامع قرآن می گوید:

«از بعضی روایات معلوم می گردد که علی علیه السلام قرآن را به ترتیب نزول آیات نوشته و ناسخ را بر منسوخ مؤخر داشته است.»⁽²⁾

البته برخی نیز بر این باورند که منظور از ترتیب مصحف حضرت علی علیه السلام ترتیب سوره ها است، نه ترتیب آیات؛ رامیار در این مورد می گوید: در اینکه مصحف علی علیه السلام از نظر ترتیب سوره ها با قرآن موجود مغایر و متفاوت بوده است، گفتگویی نیست.⁽³⁾

بنابر این مراد صاحب نظران و قرآن پژوهان - جز گروهی اندک - از جمع آوری مصحف حضرت علی علیه السلام بر اساس ترتیب نزول، ترتیب آیات و سوره ها هر دو است، نه ترتیب سوره ها به تنهایی.

دلایل نقلی جمع آوری بر اساس ترتیب نزول

اشاره

افرادی که معتقدند ترتیب مصحف حضرت علی علیه السلام بر اساس ترتیب نزول است، به گزارش هایی استناد کرده اند که به مهم ترین آنها اشاره می شود:

الف) گزارش سلمان

سلیم بن قیس از سلمان فارسی نقل کرده است که «هنگامی که حضرت علی علیه السلام نیرنگ و بی وفایی مردم را دیدند، در خانه نشسته و به جمع آوری و تألیف قرآن مشغول شده و از خانه خارج نگشتند، تا تمامی قرآن را جمع آوری کردند و آن را مطابق با تنزیل و ناسخ و منسوخ نگاهشتند؛ (فکته

ص: 66

1- تاریخ قرآن، ص 86

2- تاریخ جامع قرآن کریم، ص 609.

3- محمود رامیار، تاریخ قرآن، ص 379.

علی تنزیله و الناسخ و المنسوخ)» (1) عبارت «فکته علی تنزیله» که در این گزارش آمده است؛ موجب شده است تا گروهی چنین نتیجه گیری کنند که مراد، تنظیم و ترتیب آیات بر اساس ترتیب نزول است.

در نقد این استدلال گفته شده است: تنزیل گاه به معنای «تفسیر» است که در این صورت معنای روایت چنین خواهد بود: «پس قرآن را با آگاهی از تفسیر و همراه با آن نوشت.» و گاه تنزیل به معنای «آنچه خداوند نازل فرموده» است و بنابر این معنای روایت بدین صورت خواهد بود: «پس قرآن را مطابق با آنچه از سوی خداوند آمده، «بدون کم و زیاد» نگاشت.»

معنای اول بر حواشی توضیحی و تفسیری اشاره دارد و معنای دوم بر مطابقت متن و محتوای آیات مصحف با آنچه از جانب خدا نازل شده دلالت دارد؛ به این معنا که هیچ زیاده و نقصان، تبدیل و تغییری در آیات مصحف آن حضرت، رخ نداده است.

برای قضاوت در مورد این دو دیدگاه باید توجه داشت که در مورد تنزیل سه معنا وجود دارد:

الف - تنزیل به معنای «تفسیر»: این معنا با کاربرد روایی و آنچه در گزارش های گذشتگان آمده است سازگار نیست چراکه واژه تنزیل غالباً در مقابل «تأویل» قرار می گیرد این در حالی است که در سخنان گذشتگان، واژه «تأویل» به معنای تفسیر استعمال شده است یعنی معنای تنزیل در مقابل تفسیر است نه هم معنای آن. (2) حتی اگر تنزیل به معنای تفسیر باشد منظور تفسیری است که خداوند متعال نازل فرموده؛ چراکه به طور قطع در معنای تنزیل نوعی فرو فرستادن، وحی و الهام نهفته است؛ حال ممکن است این فرو فرستادن قرآنی باشد یا غیر قرآنی آیت الله خوئی می نویسد: گاه واژه

ص: 67

1- الاحتجاج، ج 1، ص 107؛ کتاب سلیم بن قیس هلالی، ص 146.

2- طباطبایی، محمد حسین، قرآن در اسلام، ص 33-35.

تنزیل به همان معنای مصدری خود استعمال شده، گرچه این فرو فرستادن و نزول، نزول قرآنی نباشد. (1)

ب- معنای دیگر آن است که واژه تنزیل بر «ترتیب نزول» دلالت داشته باشد. نتیجه چنین معنای آن است که گفته شود حضرت علی علیه السلام مصحف خویش را بر اساس ترتیب نزول تدریجی، مرتب نمودند. اما باید گفت که برخی از لغویان معتقدند که «تنزیل» با «انزال» هیچ تفاوتی در معنا نداشته و هر دو به معنای «فرو فرستادن» است. (2) دقت در کاربردهای قرآنی این واژه نیز نشان می دهد که گاهی «تنزیل» به معنای نزول دفعی و گاهی «انزال» به معنای نزول تدریجی به کار رفته است. (3)

به فرض آنکه تنزیل بر ترتیب دلالت داشته باشد، می توان تصور نمود که معنای گزارش نقل شده از سلمان چنین است: «حضرت علی علیه السلام مصحف خویش را بر اساس ترتیبی که خدا به پیامبرش فرمان داد که بر اساس آن قرآن را تنظیم کند، جمع آوری نمودند».

ج- معنای سوم آن است که تنزیل به معنای «آنچه خدا نازل فرموده» باشد؛ این مطلبی است که هیچ کس آن را انکار نمی کند، اما بحث بر سر آن است که آیا این واژه دارای بار معنایی بیشتری هست یا خیر؟ به عبارت دیگر آیا علاوه بر معنای «آنچه خدا نازل فرموده» معنای «ترتیب نزول» را نیز با خود دارد؟

خلاصه آنکه عبارت «علی تنزیله» در روایت مذکور دلالت قطعی بر «ترتیب بر اساس نزول» ندارد.

ص: 68

1- خویی، ابوالقاسم، البیان، ص 223-224.

2- فیومی، مصباح المنیر، ماده نزل.

3- بقره: 4، نساء: 162، انعام: 114، یوسف: 2، انعام: 7، نساء: 153، اسراء: 93، شعراء: 4، مائده: 112.

ابورافع می گوید: «پیامبر صلی الله علیه و آله در مریضی که بدان وفات نمود، به علی علیه السلام فرمود: یا علی! این کتاب خداست، آن را بگیر. علی علیه السلام آن را در جامه ای پیچید و به خانه اش برد. وقتی پیامبر صلی الله علیه و آله وفات نمود، علی علیه السلام آن را آنچنان که خداوند نازل کرده بود، تألیف کرد، در حالی که به آن آگاه بود» (1).

عبارت «فَأَلَّفَهُ كَمَا أَنْزَلَهُ اللَّهُ»، که در گزارش فوق آمده است به جمع آوری بر اساس ترتیب نزول، تفسیر شده است. طرفداران نزولی بودن ترتیب مصحف آن حضرت می گویند: واژه «تألیف» زمانی که درباره کتاب به کار رود، به معنای «گردآوری» و «به هم پیوستن» است.

ابن منظور می گوید: «الفه: جمع بعضه إلى بعض، و تالف: تنظم... و الفت الشيء تألیفا إذا وصلت بعضه ببعض، و منه تألیف الكتب؛ الفه یعنی: بعضی از آن را با بعضی دیگر جمع کرد، و تالف یعنی: نظام یافت، و ألفت الشيء: وقتی است که پاره ای از چیزی را به پاره ای دیگر متصل کنی، و تألیف کتب از جمله آن است» (2).

در رد استدلال به این گزارش گفته شده است که در عبارت «كَمَا أَنْزَلَهُ اللَّهُ» دو معنا متصور است: یکی آنکه مطابق با ترتیب نازل شده، مرتب شده باشد و دیگر اینکه مطابق با آنچه واقعا نازل شده، بدون کم و کاست و رعایت قرائت صحیح، نگاشته شده باشد. به یقین اگر درباره یک کلام دو احتمال وجود داشته باشد، بدون قرینه نمی توان ادعا کرد که یک احتمال بر دیگری برتری دارد. ضمن آنکه محتوای کتاب در تدوین و تألیف سرنوشت سازتر از آگاهی به ترتیب نزول است» (3).

ص: 69

1- فَأَلَّفَهُ كَمَا أَنْزَلَهُ اللَّهُ وَ كَانَ بِهِ عَالِمًا، بحار الأنوار، ج 89 ص 52؛ همان، ج 40، ص 155.

2- ر.ک: جعفر نکونام، پژوهشی در مصحف امام علی علیه السلام، ص 126-130.

3- مصحف امام علی علیه السلام، ص 87.

در قضاوت بین این دو دیدگاه باید گفت درست است که «تألیف» به معنای «تدوین» است و واژه «تألیف» بر ترتیب نیز دلالت دارد چراکه در تألیف و تدوین، ترتیب و نظم مطالب نیز رعایت می شود، اما اگر بپذیریم ترتیب آیات و سوره ها یا به -دست کم- ترتیب آیات سوره ها به توقیف رسول خدا صلی الله علیه و آله منظم شده است و رسول خدا صلی الله علیه و آله نیز ترتیب آیات و سوره ها را بر اساس آنچه به ایشان وحی شده و با اشاره جبرئیل منظم و مرتب نمودند، بنابر این، «فألفه كما انزل» یعنی «بر اساس ترتیبی که خداوند به وسیله وحی بر پیامبر صلی الله علیه و آله نازل فرمود، مرتب کردند.»

این سخن که «در تألیف، محتوا سرنوشت سازتر است» سخن قابل پذیرشی نیست؛ چراکه مطالب هرچند زیبا و پر محتوا باشد، اما در قالبی نامناسب، نامنظم و درهم، برای مخاطب قابل فهم نیست و او را سردرگم خواهد نمود. در کلام، هم محتوا مهم است و هم نظم و ترتیب.

نتیجه آنکه این روایت نیز دلالت صریح و قطعی بر «ترتیب بر اساس نزول» ندارد.

ج) گزارش محمد بن سیرین

ابن سیرین می گوید:

«خبردار گشتم که ابوبکر، علی را ملاقات کرد و پرسید: آیا امارت مرا خوش نداری؟ پاسخ داد: خیر! (1) ولی سوگند یاد نمودم که عبا در بر نگیرم، مگر برای نماز تا آنکه قرآن را جمع آوری نمایم. (2) ابن سیرین گوید: آن را بر طبق تنزیلش در آورد، (فکته علی تنزیله) و اگر به آن دست می یافتم در آن دانش فراوان است. در مورد آن از عکرمه سؤال کردم از آن بی اطلاع بود. (3) از عکرمه پرسیدم آیا آن را آنچنان

ص: 70

1- در برخی نسخ آمده: «حضرت فرمود: نه به خدا...»؛ شواهد التنزیل القواعد التفضیل ج 1، ص 36.

2- در برخی نسخ آمده: «ابوبکر گفت: خوب اندیشیده ای» فضائل القرآن، ص 36.

3- شواهد التنزیل القواعد التفضیل، ج 1، ص 38.

که نازل گشته است، تألیف نمود؟ (الفوه کما انزل؟ الاول فالاول؟) پاسخ داد: اگر جن و انس گرد هم آیند که همانند آن را بنویسند، قادر نخواهند بود. خبر یافتم که او منسوخ را نوشت و ناسخ را پس از آن نگاشت.»⁽¹⁾

در گزارش دیگری ابن سیرین از قول عکرمه می گوید:

«وقتی مراسم بیعت با ابوبکر پایان یافت، علی بن ابیطالب در خانه اش نشست، پس به ابوبکر گفته شد او بیعت با تو را کراهت داشت. ابوبکر در پی او فرستاد و گفت: آیا بیعت مرا کراهت داشتی؟ فرمود: نه به خدا [!] گفت: پس چه باعث شد که از ما کناره گرفتی؟ فرمود: دیدم ممکن است به کتاب خدا افزوده شود، پس با خود گفتم که ردایم را جز برای نماز نپوشم تا اینکه آن را جمع نمایم، ابوبکر به او گفت: خوب فکری اندیشیدی.»⁽²⁾

عبارت «فکتبه علی تنزیله»، «الفوه کما انزل؟ الاول فالاول؟» و «کتب المنسوخ و کتب الناسخ فی أثره» در این دو گزارش مورد توجه قرار گرفته است.

محتوای این گزارش بیانگر آن است که ابن سیرین، خود، مصحف حضرت علی علیه السلام را ندیده بلکه می گوید «نبئت» یعنی به من خبر داده شد؛ چراکه او کسانی را به مدینه فرستاد تا این مصحف را ببینند، اما توفیقی در این کار نیافتند، بنابر این او که مستقیماً دسترسی به مصحف نداشته است؛ چگونه ادعا می کند «فکتبه علی تنزیله»؟. علاوه بر آن عبارت «علی تنزیله» صراحتی در ترتیب نزول ندارد.

همچنین این روایت دارای اشکالات متعدد دیگری است، اول آنکه اجماع شیعه بر آن است که حضرت علی علیه السلام از خلافت ابوبکر ناراضی بوده، چه رسد به آنکه بخواهد سوگند یاد کند یا به صراحت بیان کند که بیعت و امارت ابوبکر را اکراه ندارد، دوم آنکه وقتی ابن سیرین از عکرمه

ص: 71

1- همان؛ الاتقان فی علوم القرآن، ج 1، ص 162.

2- الاتقان فی علوم القرآن، ج 1، ص 161.

درباره ترتیب مصحف سؤال می کند، جواب صریح و واضحی به او نمی دهد، بلکه عکرمه می گوید: اگر جن و انس جمع شوند، همانند آن را نمی توانند بیاورند. (1)

سوم آنکه مشخص نیست آنچه ابن سیرین بیان می کند از قول چه کسی است یعنی مروی عنه نامعلوم است.

د) روایات ظهور حجت

روایات پیرامون ظهور حضرت قائم عجل الله علیه و آله را که بدان اشاره می شود به آموزش قرآن توسط ایشان اشاره دارد، برخی وجود این روایات را دلیل نزولی بودن ترتیب مصحف حضرت علی علیه السلام دانسته و بدان استناد کرده اند.

جابر بن یزید جعفی از امام باقر علیه السلام روایت کرده است:

«هنگامی که قائم آل محمد عجل الله تعالی فرجه الشریف قیام کند، خیمه هایی برای افرادی برافراشته گردد، تا قرآن را آنچه را که نازل شده به مردم آموزش دهند و آن برای کسانی که آن را حفظ نموده اند، سخت است؛ چراکه مخالف با قرآن مألوف و مانوس آنان است.» (2) عبارت «يُخَالِفُ فِيهِ التَّأْلِيفُ» در این روایت مورد نظر است.

برخی در رد استدلال به این روایت گفته اند که اولاً روایت مذکور مرسل است و شیخ مفید طریق روایت را مشخص نکرده؛ لذا طریق روایت مجهول است؛ دوم آنکه مخالفت در تألیف، الزاماً به معنای مخالفت در ترتیب نیست. چراکه مخالف تألیف بودن به معنای مخالفت با قرائت و یا تفسیر نیز می تواند باشد؛ سوم اینکه در این روایت سخنی از مصحف حضرت علی علیه السلام نیست. (3)

ص: 72

1- مصحف امام علی علیه السلام، ص 93 و 89 و 82

2- بحار الأنوار، ج 52، ص 339؛ همان، ج 52، ص 364.

3- مصحف امام علی علیه السلام، ص 98-96.

موافقان نزولی بودن ترتیب مصحف حضرت علی علیه السلام در رد اشکال مطرح شده می گویند: مرسل بودن، دلیل بر مجعول بودن روایت نیست و برای حکم به جعلی بودن روایتی، دلیل محکم لازم است؛ همچنین تألیف صراحت در ترتیب دارد. (1)

باید توجه داشت که ایراد وارد بر این روایت، جعلی بودن نیست بلکه مجهول بودن روایت است و در واقع روایت به علت ارسال، «ضعیف السنند» است.

در مورد این ادعا که تألیف صراحت در ترتیب دارد؛ بر فرض آنکه تألیف صراحت در ترتیب داشته باشد، باز مخالفت با تألیف، لزوماً به معنای مخالفت در ترتیب نیست؛ چراکه در تألیف علاوه بر ترتیب، محتوا و جنبه های دیگر نیز مد نظر است؛ پس چون احتمال یا احتمالات دیگری نیز وجود دارد بدون دلیل نمی توان یک طرف احتمال را برتر دانست.

در جمع بندی در مورد دلایل نقلی ذکر شده باید گفت هیچ یک از این دلایل، ترتیبی بودن بر اساس نزول را در مورد مصحف حضرت علی علیه السلام، اثبات نمی کند.

دلیل عقلی نزولی بودن ترتیب مصحف امام علی علیه السلام

معتقدان به نزولی بودن ترتیب مصحف حضرت علی علیه السلام علاوه بر دلایل نقلی، دلایل عقلی نیز بر ادعای خویش آورده اند؛ آنها گفته اند قرآن در طول زمان و به تناسب رخدادهای تاریخی نازل شده است؛ از این رو مناسب ترین ترتیب برای قرآن چیش آن بر اساس تاریخ نزول و تقدم منسوخ بر ناسخ است. نظم در هر چیز ممدوح است و بی نظمی نامطلوب و مذموم، یک متن تاریخ مند ولی به هم ریخته، حقایق تاریخی را آشفته نشان داده و رخدادها را بر خلاف حقایق تاریخ به نمایش می گذارد. ضمن آنکه فهم روشن و

ص: 73

غیر متناقض آیات، مقتضی آن است که قرآن به ترتیب نزول مرتب و مطالعه گردد. (1)

برخی نکات در مورد دلیل عقلی ارائه شده وجود دارد که بدان اشاره می شود:

اینکه قرآن در طول زمان و به تدریج نازل شده، سخنی است که کسی در آن شک و تردیدی به خود راه نمی دهد؛ اما اینکه بهترین چینش برای آن، چگونه باید باشد، جای بررسی دارد. برخی معتقدند که بهترین چینش، آن چینشی است که بر اساس ترتیب نزول باشد و منسوخ بر ناسخ، مکی بر مدنی مقدم گردد.

اما بهترین چینش، چینشی است که مورد نظر خالق آن باشد. خداوند عالم مطلق است و خود بهتر می داند که فهم آیات و سوره ها چگونه برای انسان آسان تر می گردد و کدام نظم بهترین نظم هاست؛ البته کسی انکار نمی کند که علم به ناسخ و منسوخ، مقدم و مؤخر، مکی و مدنی، اجمال و تفصیل و ... در فهم مراد آیات قرآن سهم بسزایی دارد، و حضرت امیر علیه السلام نیز در مصحف خویش به این نکات توجه داشته و این گونه مباحث را در حواشی توضیحی و تفسیری مصحف خویش ذکر کرده اند؛ اما این مطلب دلیل بر آن نیست که مصحف باید به ترتیب نزول، مرتب گردد و گفته شود ترتیب امروزی آیات و سوره ها اشتباه بوده و فهم قرآن را برای ما سخت و پیچیده کرده است.

این سخن که یک متن تاریخمند، ولی بهم ریخته حقایق تاریخی را آشفته نشان خواهد داد، درباره کتاب های تاریخی، سخن کاملاً بجا و درستی است. قرآن گر چه به تدریج نازل شده، ولی کتاب تاریخی نیست. با وجود آنکه در قرآن به قصص انبیا و حوادث تاریخی اشاره شده، اما هرگز مراد از آوردن آنها داستان سرایی نبوده تا به ترتیب رخدادهای تاریخی منظم شود.

ص: 74

گاهی در قرآن، انتهای داستان بر ابتدای آن مقدم می‌گردد؛ همانند داستان ذبح گاو در سوره «بقره» که از آیه 67 به بعد آمده است و معمولاً هر آنچه اهتمام بدان بیشتر است ابتدا آورده می‌شود.

از همه مهم‌تر کسانی که در مدح ترتیب آیات و سوره‌ها بر اساس رخدادهای تاریخی و تاریخ نزول، سخن گفته‌اند، گویا به طور غیر مستقیم، قرآن در دست ما را قرآنی بی‌نظم، به هم ریخته، آشفته، دارای فهم متناقض و ترتیب ناصحیح، قلمداد کرده‌اند!

اگر ترتیب فعلی آیات و سوره‌ها مخل در معنا و مفاهیم قرآن بود، هرگز مورد تأیید ائمه علیهم السلام قرار نمی‌گرفت، چراکه حضرت علی علیه السلام می‌فرمایند: اگر عثمان این کار را [توحید مصاحف] انجام نمی‌داد، من خودم این کار را انجام می‌دادم. ⁽¹⁾

در روایت دیگر آمده است که وقتی طلحه از حضرت علی علیه السلام درخواست کرد که مصحف خویش را به مردم عرضه نمایند، امام در پاسخ فرمود: «آیا آنچه عثمان و عمر جمع آوری کرده‌اند قرآن است یا خیر؟ طلحه جواب می‌دهد: تمامی اش قرآن است. حضرت می‌فرمایند: «إِن أَخَذْتُمْ بِمَا فِيهِ نَجَوْتُمْ مِنَ النَّارِ وَ دَخَلْتُمُ الْجَنَّةَ، فَإِنَّ فِيهِ حُجَّتَنَا، وَ بَيَانَ حَقَّنَا، وَ فَرَضَ طَاعَتَنَا» ⁽²⁾

تأیید قرآن‌های رایج موجود توسط حضرت علی علیه السلام و دیگر ائمه اطهار علیهم السلام گرچه منحصر به معنای تأیید ترتیب آیات و سوره‌ها نیست، ولی می‌تواند به معنای تأیید اصل قرآن باشد. آنچه باید بدان توجه داشت این است که اگر ترتیب کنونی آیات و سوره‌ها موجب اختلال در فهم و مراد آیات قرآن بود. بنابر نظر برخی معتقدان به نزولی بودن ترتیب مصحف حضرت علی علیه السلام - هرگز مورد تأیید ائمه علیهم السلام قرار نمی‌گرفت و به تصریح

ص: 75

1- الکافی، ج 2، ص 633

2- بحار الأنوار، ج 89، ص 64.

حضرت، موجب نجات از جهنم و ورود به بهشت نمی شد یا حداقل، ائمه علیهم السلام مواردی را که ترتیب کنونی، موجب فهم متناقض مراد آیات شده است به مردم و یا به شیعیان خاص خود متذکر شده و آموزش می دادند و خبر آن به ما می رسید حال آنکه در روایات منقول از ائمه چنین تذکراتی دیده نمی شود.

وجود دو مصحف برای امام علی علیه السلام

ممکن است برخی برای جمع بین دو دیدگاه (جمع آوری بر اساس ترتیب نزول یا توقیفی بودن آیات و سوره ها) بگویند که حضرت علی علیه السلام دارای دو مصحف بوده، یکی مشتمل بر آیات قرآن بوده و بر اساس ترتیب کنونی در مدت سه یا شش روز جمع آوری شده است و دیگری تفسیر آیات بوده که بر اساس ترتیب نزول جمع آوری شده و نگارش آن شش ماه به طول انجامیده است.

اما این تصور به هیچ وجه قابل دفاع نبوده و از چند جهت مخدوش است. اول آنکه روایات مربوط به جمع آوری مصحف حضرت علی علیه السلام چنین مطلبی را تأیید نمی کنند. آنچه در روایات مرتبط با مصحف حضرت علی علیه السلام موضوعیت دارد، جمع آوری قرآن است، نه تفسیر آن. گرچه در حواشی مصحف، توضیحات تفسیری و تأویلی علاوه بر متن اصلی آیات وجود داشته، اما آنچه در گردآوری مصحف حضرت علی علیه السلام به سفارش رسول اکرم صلی الله علیه و آله موضوعیت دارد، همان جمع آوری قرآن است.

دوم آنکه هیچ معیاری وجود ندارد که روایات مرتبط با مصحف حضرت علی علیه السلام را به دو دسته تقسیم نماید و گفته شود روایتی که مدت جمع آوری را شش ماه دانسته، اختصاص به تفسیر داشته و روایاتی که مدت جمع آوری را سه یا شش روز دانسته، مختص به جمع آوری قرآن است. بر اساس چه معیاری می توان روایاتی را که شامل الفاظی همچون «الفه کما انزل الله» یا «علی تنزیله» - بر فرض آنکه دلالت بر ترتیب بر اساس نزول داشته باشند - مختص به تفسیر

بدانیم؟ و بر اساس چه مدرکی می توان ادعا نمود که ترتیب قرآن ایشان بر اساس توقیف رسول خدا صلی الله علیه وآله بوده است؟!

واضح است که وقت گیر تر بودن تفسیر نسبت به نگارش آیات، دلیل قطعی بر این جداسازی نیست و برداشتی ذوقی و سلیقه ای است.

سوم آنکه در صورت وجود دو مصحف، سرنوشت هر کدام از مصاحف چگونه بوده است؟ آن مصحفی که پس از تکمیل و عرضه مورد پذیرش خلفا قرار نگرفت، کدام یک از این مصاحف بوده است؟ اگر مصحف ایشان تنها شامل آیات قرآنی بوده، دلیل و انگیزه ای برای عدم پذیرش آن وجود نداشته؛ زیرا منافع، مقام و منزلت کسی را به خطر نمی انداخت و خلفا نیز نمی توانستند با اصل آیات قرآن، مخالفت نمایند و یا حتی حرفی از حروف آن را جابه جا نمایند. (1)

علت اصلی مخالفت و عدم پذیرش مصحف ایشان، وجود برخی حواشی توضیحی و تفسیری و بیان فضایح و رسوایی های صحابه است؛ ضمن آنکه پذیرش مصحفی که شامل روایات تفسیری پیامبر صلی الله علیه و آله بوده به منزله خط بطلانی بر سیاست منع تدوین احادیث به شمار می رفت.

اگر آنچه مورد پذیرش واقع نشده، مصحف تفسیری بوده و نه قرآن ایشان باید پرسید مصحفی که تنها شامل آیات قرآن بود، چه سرنوشتی پیدا کرد؟ لابد این مصحف باید در دسترس مردم قرار می گرفت و مردم از آن استفاده می نمودند؛ این در حالی است که گزارش های تاریخی بر خودداری حضرت علی علیه السلام از ارائه مصحفشان به دیگران، دلالت دارد. (2)

احتمال وجود دو مصحف، می تواند از سوی کسانی مطرح شود که از جهتی به توقیفی بودن ترتیب آیات و سوره ها معتقد هستند و از طرف دیگر

ص: 77

1- جلال الدین سیوطی، الدر المنثور، ج 3، ص 269.

2- بحار الأنوار، ج 89 ص 42.

عباراتی چون «کما انزل الله» و «علی تنزیله» را دال بر نزولی بودن ترتیب مصحف حضرت علی علیه السلام دانسته اند و لذا با تعارضی آشکار روبرو گردیده اند، چون اگر ترتیب مصحف حضرت علی علیه السلام را مطابق با ترتیب نزول بدانیم باید به اجتهادی بودن ترتیب آیات و سوره ها در قرآن های رایج، معتقد شویم و الا این اقدام حضرت مخالفت با امر رسول خدا صلی الله علیه و آله در تنظیم و ترتیب قرآن به شمار می رود اما همان گونه که مشاهده شد این دیدگاه هیچ دلیل و مدرک قطعی ندارد.

فایده و اهمیت مصحف امام علی علیه السلام

در مورد فایده و اهمیت وجود مصحف حضرت علی علیه السلام سؤالات و ابهاماتی مطرح شده است، برخی می گویند: بحث از وجود، ویژگی های گردآوری و پاسخ به شبهات، پیرامون مصحفی که هرگز در اختیار مردم قرار نگرفته، بی ثمر است.

در پاسخ باید گفت که بررسی مسائل تاریخی و کشف حقیقت آنها همواره مطلوب پژوهشگران و تاریخ نویسان است. تحقیق پیرامون این مصحف شریف، علاوه بر روشن نمودن پاره ای از مسائل تاریخی چون سیر کتابت آیات و نگارش های تفسیری قرآن، در یافتن پاسخ به برخی پرسش های دیگر از جمله توقیفی یا اجتهادی بودن ترتیب آیات و سوره ها راهگشا خواهد بود.

از سویی باید توجه داشت که امت اسلامی و به ویژه شیعیان هرگز از وجود چنین مصحفی بی بهره نبوده؛ بلکه به واسطه ائمه علیهم السلام و خصوصا روایات تفسیری ایشان از آن بهره مند شده اند.

سؤال دیگری که ممکن است در این مورد مطرح شود این است که آیا پنهان نمودن چنین مصحف ارزشمندی که در برگیرنده تفسیر صحیح آیات قرآنی است، عقلایی است؟

در پاسخ به این سؤال نیز باید گفت:

پنهان نمودن چنین مصحفی کاملاً عقلایی است؛ چراکه این مصحف شریف در بردارنده برخی حواشی تفسیری خصوصاً توضیح و تفسیر آیات مربوط به ولایت و امامت بوده است که به ضرر برخی از صحابه می بود و به همین خاطر زمانی که توسط حضرت ارائه شد به شدت با آن مخالفت کردند؛⁽¹⁾ حال اگر این مصحف در دسترس مردم قرار می گرفت، قطعاً برای از بین بردن آن از هیچ اقدامی فروگذار نمی شد؛ از سویی این امکان نیز وجود داشت که مصحف حضرت امیر المؤمنین علیه السلام در جریان توحید مصاحف در زمان عثمان، نابود شود.

در واقع حضرت علی علیه السلام با عرضه مصحف خویش به مردم، حجت را بر آنان تمام کرد و با پنهان نمودن آن، بقای آن را تضمین نمودند تا شیعیان از طریق اهل بیت علیهم السلام از آن بهره مند گردند.

یکی دیگر از سؤالاتی که ممکن است در مورد مصحف امیر المؤمنین علیه السلام مطرح شود آن است که چرا آن حضرت در دوران حکومت خود مصحف شریفشان را به مردم عرضه نمودند؟⁽²⁾ به عبارت دیگر وجود حواشی توضیحی و تفسیری مصحف حضرت علی علیه السلام، در فهم آیات قرآن بسیار مؤثرند و نبود چنین توضیحاتی موجب اختلاف تفاسیر و گاه تفاسیر ناصحیح از آیات است و از طرف دیگر امام علی علیه السلام هیچ گاه از هدایت مردم کوتاهی ننموده و به یک بار تذکر اکتفا نمی کردند، حال چرا مصحف شریفشان را تنها یک بار به مردم عرضه نمودند و هنگامی که خلیفه دوم در زمان خلافتش از امام خواسته بود تا مصحفشان را به وی نشان دهند و یا در زمان خلافت خودشان، آن را مجدداً عرضه نکردند و حتی در خواست برخی برای مشاهده آن را رد نمودند؟

ص: 79

1- پژوهشی در مصحف امام علی علیه السلام، ص 95-96

2- مصحف امام علی علیه السلام ص 200-205.

پاسخ به این پرسش را باید در سیره و روش مردم عصر امیر المؤمنین علیه السلام جستجو نمود؛ گرچه مردم به اصرار فراوان، حضرت علی علیه السلام را به عنوان خلیفه پس از عثمان انتخاب نمودند، اما اکثر آنان ولایت و امامت حضرت علیه السلام را - مگر افراد اندک- نپذیرفتند و از حضرت حرف شنوی نداشتند؛ شاهد این گفتار شکایت های مکرر امیر المؤمنین علیه السلام از تخلف اصحاب و سپاهیان است. (1)

از سوی دیگر پذیرش مصحف حضرت علی علیه السلام با توجه به در برداشتن روایات تفسیری رسول خدا صلی الله علیه و آله ، در نظر بیشتر مردم تخلف از سنت خلفای گذشته در راستای سیاست منع نوشتن روایات به شمار می آمد و سنت شکنی محسوب می شد.

علامه شهرستانی در این باره می گوید:

«کاری که علی علیه السلام انجام داد همانند کار هارون است؛ آنجا که فرمود: *إِنِّي خَشِيتُ أَنْ تَقُولَ فَرَّقْتَ بَيْنَ بَنِي إِسْرَائِيلَ وَلَمْ تَرْقُبْ قَوْلِي*. (طه، آیه 94) .. قَالَ ابْنُ أُمِّ إِبْنِ الْقَوْمِ اسْتَصْغَفُونِي وَكَادُوا يَقْتُلُونِي فَلَا تُشْجِمُ بِي الْأَعْدَاءُ وَلَا تَجْعَلْنِي مَعَ الْقَوْمِ الظَّالِمِينَ (اعراف، آیه 150)» (2)

بنابراین در صورت ارائه مجدد مصحف، احتمال نپذیرفتن آن و نیز ایجاد اختلاف در امت اسلامی، احتمالی قوی و قریب به ذهن است.

علت عدم پذیرش مصحف امام علی علیه السلام

گزارش های تاریخی حاکی از آن است که حضرت علی علیه السلام پس از اتمام جمع آوری مصحف خویش آن را به مردم عرضه کردند، اما خلفا آن را نپذیرفتند؛ اگر مصحف حضرت علی علیه السلام تفاوتی با مصاحف رایج از جهت

ص: 80

1- نهج البلاغه، خطبه 25؛ همان، خطبه 34.

2- محمد بن عبدالکریم شهرستانی، مفاتیح الأسرار، ج 1، ص 13-14.

آیات نداشته است، دلیلی برای عدم پذیرش آن وجود نداشته و اساسا چرا مصحف حضرت علی علیه السلام نباید مورد پذیرش مردم قرار گیرد؟

دو نکته در سؤال مطرح شده وجود دارد؛ یکی مسئله تفاوت مصحف امام علی علیه السلام با قرآن های در دست مردم و دیگری نپذیرفتن آن از سوی مردم است. یکسانی محتوای آیات مصحف امام علی علیه السلام با قرآن های موجود در مباحث پیشین روشن شد. (1) بنابراین از این جهت اشکال و خدشه ای وجود ندارد اما در مورد رویگردانی از مصحف امام علیه السلام باید گفت که رویگردانی توسط خلفا صورت گرفته است، نه توسط مردم؛ به عبارت دیگر خلفا نگذاشتند تا مصحف امام علیه السلام به دست عموم مردم برسد، بلکه در همان لحظه ای که حضرت علی علیه السلام آن را عرضه نمودند، خلفا آن را به ایشان بازگرداندند و گفتند که نیازی به آن نیست. (2) بررسی ها نشان می دهد که علت رویگردانی از مصحف حضرت علی علیه السلام را باید در موارد ذیل جستجو نمود:

1. وجود پاره ای از توضیحات تأویلی و تفسیری مثل بیان فضایح و رسوایی های صحابه (3) یا بیان فضائل، مقام و منزلت ائمه علیهم السلام یکی از مهم ترین عوامل رویگردانی از مصحف حضرت علی علیه السلام است؛ چرا که اگر چنین مصحفی در میان مردم رواج می یافت، ممکن بود منزلت برخی از اصحاب و چه بسا خلفا، متزلزل شود؛ در واقع پذیرش مصحف حضرت علی علیه السلام، پذیرش ولایت و امامت ایشان و سایر ائمه علیهم السلام بود و موقعیت سیاسی کسانی را که مانع پذیرش مصحف امام علیه السلام شدند، به خطر می انداخت.

ص: 81

1- ر.ک: به بحث مصحف امام علی علیه السلام و تحریف قرآن.

2- بصائر الدرجات الکبری، ص 213؛ کتاب سلیم بن قیس هلالی، ص 147؛ الصافی، ج 1، ص 43؛ بحار الانوار، ج 89 ص 51.

3- الصافی، ج 1، ص 43.

شیخ مفید در این باره می نویسد:

«افرادی چون ابی بن کعب و ابن مسعود از جمله رعیت و اتباع دستگاه حکومتی به شمار می رفتند، در حالی که حضرت علی علیه السلام خود از مدعیان خلافت بود، بنابراین ظهور مصحف آنان باعث اختلاف و ضرر فراوان به دستگاه حکومتی نمی شد، بر خلاف مصحف امیرالمؤمنین علیه السلام»⁽¹⁾

2. از محتوای برخی از روایات چنین به دست می آید که حضرت علی علیه السلام اراده مصحف خویش را مشروط به پذیرش ولایت خود نموده بودند؛ چراکه امام علی علیه السلام پیش از عرضه مصحف، روایت ثقلین را بر مردم خواندند؛⁽²⁾ در روایتی نیز آمده است که ایشان فرمودند: «اگر مسندی برایم نهاده شود و حکم شناخته شود، برای آنان مصحفی را که نوشته ام و حضرت رسول خدا صلی الله علیه و آله بر من املا نمودند، بیرون خواهم آورد.»⁽³⁾

3. از آنجا که یکی از سیاست های خلفا، منع کتابت احادیث بود، با پذیرش مصحف حضرت علی علیه السلام که به همراه روایات تفسیری به نگارش در آمده بود، خط بطلانی بر این سیاست کشیده می شد.

4. پذیرش مصحف حضرت علی علیه السلام به معنای پذیرش یکی دیگر از هزاران فضیلت امام علیه السلام (نخستین جامع قرآن) و پذیرش یکی دیگر از برتری های امام علیه السلام بر سایرین به شمار می رفت.

سرنوشت مصحف امام علی علیه السلام

عدم پذیرش مصحف امیرالمؤمنین علیه السلام توسط خلفا، باعث شد تا آن حضرت مصحف را نزد خود نگه داشته و به کسی نشان ندهد بلکه به عنوان میراث امامت در اختیار سایر ائمه علیهم السلام قرار گیرد. گرچه در برخی از گزارش ها آمده

ص: 82

1- شیخ مفید، المسائل العکبریة، ص 118.

2- مناقب آل ابی طالب، ج 1، ص 319؛ بحار الأنوار، ج 89 ص 51.

3- بحار الأنوار، ج 40، ص 154؛ مناقب آل ابی طالب، ج 1، ص 320.

است که مصحف امیر المؤمنین علیه السلام در دست افراد دیگری غیر از ائمه علیهم السلام دیده شده است؛ (1) اما آنچه روایات به صراحت آن را مطرح ساخته اند آن است که مصحف حضرت علی علیه السلام از دست امامان معصوم علیهم السلام خارج نشده و دست به دست گشته تا به صاحب الامر عجل الله تعالی فرجه الشریف رسیده است و شیعیان نیز هیچ گاه به طور مستقیم از آن مصحف شریف بهره نبرده اند؛ بلکه بهره آنان به طور غیر مستقیم و از طریق امامان معصوم علیهم السلام بوده است. ابوذر در این زمینه می گوید:

«عمر به امام گفت: آیا وقت معینی آن (مصحف) را عرضه می نمایی؟ امام فرمودند: آری، زمانی که قائم عجل الله تعالی فرجه الشریف از فرزندان من قیام نماید، آن را اظهار می دارد و مردم را به عمل به آن وا می دارد و سنت رسول صل الله علیه و اله بر اساس آن جاری خواهد شد.» (2)

طلحه به امام علی علیه السلام عرض کرد: به من خبر بدهید، آنچه را که از تنزیل و تأویل آیات در نزد شماست، به چه کسی می سپارید و صاحب آن بعد از شما کیست؟ حضرت علی علیه السلام فرمودند: «به کسی که حضرت رسول صلی الله علیه و آله وصیت نموده، به پسر که اولی الامر مردم پس از من است و حسن علیه السلام آن را به حسین علیه السلام می سپارد و سپس یکی بعد از دیگری از فرزندان حسین علیه السلام تا به آخرین آنها برسد.» (3)

علی بن خنیس از امام صادق علیه السلام روایت نموده که ایشان فرمودند: «کتاب هایی نزد علی علیه السلام بود و هنگامی که به عراق رفت، آنها را به ام سلمه سپرد. پس از شهادت ایشان، این کتاب ها نزد حسن علیه السلام و پس از شهادت

ص: 83

1- «آن مصحف نزد خاندان جعفر است و من در زمانمان آن را نزد ابویعلی حمزه حسنی دیدم که اوراقی از آن ساقط شده بود و در اثر گذشت زمان، فرزندان حسن آن را به ارث برده بودند.» ابن الندیم، الفهرست، ص 30.

2- الصافی، ج 1، ص 43.

3- الاحتجاج، ج 1، ص 225.

او، نزد حسین علیه السلام، پس از شهادت او، نزد علی بن حسین، زین العابدین علیه السلام و پس از او نزد پدرم امام باقر علیه السلام بود». (1)

گویا منظور از کتاب‌ها که در روایت فوق آمده است مصحف حضرت علی و مصحف حضرت زهرا باشد. این سخن را گزارش ابن ندیم نیز تأیید می‌کند که می‌گوید «آن مصحف نزد خاندان جعفر است» اما آنچه او در دست ابویعلی دیده است مصحفی که حضرت علی علیه السلام پس از وفات رسول اکرم صلی الله علیه و آله اقدام به جمع آوری نمودند، نیست بلکه به احتمال زیاد آن مصحف یکی از مصاحف منسوب به حضرت علی علیه السلام بوده است که ابن ندیم موفق به مشاهده آن شده است.

تعدادی از این گونه مصاحف که به امام علی علیه السلام منسوب اند، در برخی از موزه‌ها و کتابخانه‌ها موجود هستند، مانند نسخه موجود در کتابخانه امیر المؤمنین علیه السلام در نجف اشرف، (2) نسخه موجود در هایوارد لندن، (3) نسخه موجود در آستان قدس رضوی و نسخه موجود در کتابخانه سلطنتی. به یقین هیچ یک از این نسخه‌های موجود، مصحف حضرت علی علیه السلام نیست؛ چراکه اولاً حضرت علی علیه السلام خطاب به عمر که درخواست دیدن مصحف ایشان را داشت، فرمودند: «هرگز راهی به آن نیست... جز پاکان و اوصیا که از فرزندان من هستند، هیچ کس به آن دسترسی نخواهد داشت». (4)

بنابراین نه تنها نسخه‌های قرآنی منسوب به حضرت علی علیه السلام، مصحف مدنظر نیست؛ بلکه نسخه برداری از آن نیز نمی‌تواند باشد چراکه حضرت در پاسخ به افرادی که تقاضای رؤیت آن را داشتند، از این کار ممانعت کردند.

ص: 84

1- بصائر الدرجات الکبری، ص 182؛ شاید مراد از کتب، مصحف حضرت علی علیه السلام و مصحف حضرت زهرا علیها السلام باشد.

2- ابو عبدالله زنجانی، تاریخ جامع قرآن کریم، ص 46.

3- پژوهشی در تاریخ قرآن، ص 411

4- الاتقان فی علوم القرآن، ج 1، ص 203.

علاوه بر آن مصحف حضرت علی علیه السلام دارای اضافات تفسیری، تأویلی، تنزیلی، شأن نزول و سایر توضیحات درباره آیات است، در حالی که نسخه های موجود همگی خالی از این گونه توضیحات هستند.

نسخه های موجود دارای مشخصات املائی، تزیینات و دیگر مشخصاتی است که در زمان حضرت علی علیه السلام مرسوم نبوده است و نگارش چنین مصاحفی به قرن دوم هجری بر می گردد. (1)

این احتمال که نسخه های موجود، مصاحف دیگری به خط امام علی علیه السلام، باشند نیز بعید به نظر می رسد؛ چراکه هیچ گزارش تاریخی این امر را تأیید نمی نماید که امیر المؤمنین علیه السلام چندین بار اقدام به نگارش قرآن نموده باشند.

سؤالی که در این زمینه مطرح است آن است که چنین مصاحفی توسط چه افرادی به نگارش درآمده و هدف از انتساب آنها به حضرت علی علیه السلام چیست؟

به نظر می رسد چنین مصاحفی از سوی دوستان امیر المؤمنین علیه السلام به نگارش درآمده و هدف آنان از انتساب این مصاحف به حضرت علی علیه السلام این بوده که می خواستند در کنار مصاحف عثمانی، نام حضرت علی علیه السلام را زنده نگاه دارند پس چنین مصاحفی را به نگارش درآورده و تزیین نمودند و نام علی علیه السلام را بر آن نقش زدند؛ از طرف دیگر با این کار تأیید مصاحف رایج به وسیله ائمه علیهم السلام را به مردم ابلاغ نمایند. به هر حال هدف و انگیزه اصلی نگارندگان چنین مصاحفی بر ما پوشیده است و نمی توان دلیل قطعی و یقینی انتساب این مصاحف به امیر المؤمنین علیه السلام را بیان کرد.

ص: 85

براساس ادله روایی فراوان، مصحف حضرت فاطمه زهرا علیها السلام مصحف قرآنی نیست، اما همان طور که در مباحث قبل گفته شد عنوان مصحف فقط بر قرآن اطلاق نمی شود بلکه این عنوان برای برخی نوشته های غیر قرآنی نیز به کار می رود.

تحقیق حاضر گرچه اختصاص به مصاحف قرآنی صحابه دارد اما به دلیل وجود سؤالات و شبهات فراوان پیرامون مصحف حضرت فاطمه علیها السلام و تلقی برخی افراد که این مصحف را قرآنی می دانند ضرورت ایجاب می کند که مباحث پیرامون این مصحف مورد توجه و بررسی قرار گیرد.

هنگامی که حضرت زهرا علیها السلام در سوگ پدر بزرگوارشان، داغ دار و عزادار بودند، خداوند متعال برای تسلی خاطر آن حضرت، جبرئیل را بر ایشان فرو فرستاد تا با وی گفتگو نماید و تسلی خاطر برای آن حضرت باشد.

جبرئیل در گفتگو با حضرت صدیقه کبری علیها السلام جایگاه والای حضرت رسول خدا صلی الله علیه و آله و اموری از غیب را برای ایشان بازگو می نمود. هنگامی که حضرت علی علیه السلام از این ماجرا آگاه شدند، سخنان جبرئیل را به نگارش در آوردند. (1) نوشتاری که شامل سخنان جبرئیل با حضرت زهرا علیها السلام به همراه وصیت ایشان به ائمه علیهم السلام بود، (2) مصحف فاطمه علیها السلام خوانده شد. مصحف حضرت زهرا علیها السلام همچون مصحف حضرت علی علیه السلام به عنوان میراث امامت

ص: 89

1- الکافی، ج 1، ص 240. ر.ک: حقیقة مصحف فاطمه عند الشيعة، ص 77.

2- الکافی، ج 1، ص 241؛ بصائر الدرجات الكبرى، ص 157: حقیقة الجفر عند الشيعة، ص 226.

در اختیار ائمه علیهم السلام قرار گرفت. روایات زیادی از وجود این مصحف شریف در نزد برخی از ائمه علیهم السلام حکایت دارد؛ به عنوان نمونه در روایتی آمده است: «امام باقر علیه السلام از دنیا نرفت تا آنکه مصحف فاطمه علیها السلام را گرفت.»⁽¹⁾

در روایات متعددی از امام صادق علیه السلام نقل شده که ایشان فرمودند: «مصحف حضرت زهرا در دست ماست.»⁽²⁾ در روایتی امام کاظم علیه السلام فرمودند: «مصحف حضرت فاطمه علیها السلام نزد ماست و آیه ای از قرآن در آن نیست.»⁽³⁾

آقابزرگ تهرانی می گوید: «مصحف فاطمه علیها السلام از جمله میراث امامت، نزد پیشوا و مولای ما صاحب الزمان عجل الله تعالی فرجه الشریف است. این حقیقت از راه های متعدد از امامان علیهم السلام در روایات ما گزارش شده است.⁽⁴⁾ بنابراین از روایات و گزارش های فوق می توان نتیجه گرفت که مصحف حضرت زهرا علیها السلام هم اکنون نزد امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف است.»⁽⁵⁾

وجود مصحف حضرت زهرا علیها السلام

برخی افراد به طور کلی منکر وجود مصحف حضرت زهرا علیها السلام شده اند و برای ادعای خود دلایلی آورده اند که برخی از آنها عبارت اند از:

1. استبعاد نزول جبرئیل بر حضرت زهرا علیها السلام: روایاتی که از شکل گیری مصحف حضرت زهرا علیها السلام حکایت دارند، آن را وحی الهی به واسطه جبرئیل دانسته اند و از آنجا که امکان ندارد که جبرئیل بر حضرت زهرا علیها السلام فرود آید، وجود مصحف حضرت زهرا علیها السلام حقیقت نداشته و ساخته شیعیان است.

ص: 90

1- بصائر الدرجات الکبری، ص 158؛ بحار الأنوار، ج 26، ص 47

2- الکافی، ج 1، ص 240؛ بحار الأنوار، ج 26، ص 37-38؛ بصائر الدرجات الکبری، ص 150-151.

3- همان، ص 154؛ بحار الأنوار، ج 26، ص 45.

4- الذریعة إلى تصانیف الشيعة، ج 21، ص 126.

5- محمد علی مهدوی راد، پژوهش گونه ای درباره مصحف فاطمه علیها السلام، ص 69؛ حقیقة مصحف فاطمه عند الشيعة، ص 190.

2. تحریف ناپذیری قرآن: باور شیعه بر آن است که مصحف حضرت زهرعلیها السلام قرآنی است که حجم آن سه برابر حجم قرآن های رایج بوده است و این به معنای تحریف و کاسته شدن آیات قرآن است اما از آنجاکه قرآن تحریف ناپذیر است، پس وجود مصحف حضرت فاطمه علیها السلام نیز امری موهوم و ساخته شیعیان است.

3. ضعف سندی روایات: روایاتی که در آنها از وجود مصحف حضرت فاطمه علیها السلام سخن گفته شده است سند آنها از صحت لازم، برخوردار نیست؛ پس پذیرش وجود خارجی آن مصحف، غیر ممکن است

قضاوت در مورد آنچه به عنوان ادله عدم وجود مصحف حضرت زهرا علیها السلام ذکر شد مستلزم بررسی روایاتی است که در مورد این مصحف بیان شده است.

1. منابع متعدد روایی شیعی مثل الکافی، (1) بصائر الدرجات، (2) المناقب، بحار الانوار و ... روایات حاکی از وجود مصحف حضرت فاطمه زهرا علیها السلام را نقل نموده اند. علاوه بر آن برخی افراد کتاب های مستقل در این زمینه نوشته اند یا در ضمن تألیفات خود به این امر پرداخته اند؛ کتاب هایی چون اعیان الشیعه، (3) مأساة الزهراء، (4) حوار مع فضل الله حول الزهرا علیها السلام، حقیقة مصحف الزهرا علیها السلام، پژوهش گونه ای درباره مصحف فاطمه علیها السلام و... از این جمله اند.

در میان روایات متعدد مربوط به مصحف حضرت زهرا علیها السلام روایات صحیح سندی نیز وجود دارد که به برخی از آنها اشاره می شود:

- محمد بن یحیی از احمد بن محمد از این محبوب از ابن رئاب از ابو عبیده از امام صادق علیه السلام نقل می نماید که ایشان فرمودند: «فاطمه علیها السلام پس از

ص: 91

1- الکافی، ج 1، ص 238.

2- بصائر الدرجات الکبری، باب 14، ح 2، 3، 5، 6، 8، 9، 15.

3- سید محسن امین، اعیان الشیة، ج 1، ص 97.

4- جعفر مرتضی عاملی، مأساة الزهرا علیها السلام، ج 1، ص 106-117.

پیامبر صلی الله علیه و آله هفتاد و پنج روز در دنیا بود و از فراق پدر، اندوه بسیاری داشت. جبرئیل بر وی فرود می آمد و ایشان را تسلی می داد و از احوال پدر و جایگاه ایشان سخن می گفت و سرگذشت فرزندان زهرا علیها السلام را پس از وی گزارش می کرد. علی علیه السلام این مطالب را می نوشت، آن نوشته ها «مصحف فاطمه علیها السلام» است. (1)

علامه مجلسی این روایت را صحیح دانسته است. (2) بررسی شرح حال راویان این روایت نشان می دهد که تمامی راویان آن ثقة هستند.

محمدبن یحیی: راویان متعددی به نام «محمدبن یحیی» در اسناد روایات وجود دارند که برخی ضعیف یا مهمل اند اما «محمدبن یحیی» که در این روایت از آن نام برده شده، محمد بن یحیی أبو جعفر العطار القمی، یکی از مشایخ کلینی است.

نجاشی در مورد وی می نویسد: «شیخ أصحابنا فی زمانه، ثقة، عین، کثیر الحدیث» (3) یا آنکه شیخ طوسی درباره وی می گوید: «روی عنه الكلینی، قمی، کثیر الروایة.» (4)

احمدبن محمد: در کتاب های رجالی بیش از بیست راوی به نام «احمد بن محمد» نام برده شده است، اما با توجه به طبقه راوی و مروی عنه او، منظور «احمد بن محمد بن عیسی الاشعری» است. شیخ طوسی در کتاب رجالش او را توثیق نموده است (5) و در کتاب فهرستش با الفاظی همچون «شیخ قم و وجه ها و فقیه ها» از او یاد می نماید (6).

ص: 92

1- الکافی، ج 1، ص 59-60.

2- مجلسی، مرآة العقول، ج 3، ص 59.

3- نجاشی، الرجال، ص 353.

4- طوسی، الرجال، ص 439.

5- همان، ص 351.

6- همو، الفهرست، ص 60.

ابن محبوب: به احتمال زیاد او «حسن بن محبوب» است که از اصحاب اجماع بوده (1) و شیخ طوسی او را توثیق نموده است. (2) نیز احتمال دارد که مراد از «ابن محبوب» در این روایت «محمد بن علی بن محبوب» باشد که نجاشی در مورد وی می گوید: «شیخ القمیین فی زمانه، نقه، عین، فقیه، صحیح المذهب». (3)

ابن رئاب: نام کامل وی «علی بن رئاب الکوفی» است که مورد توثیق شیخ طوسی قرار گرفته است. (4)

ابوعبیده: نام وی زیدین عیسی، ابوعبیده الحذاء است که مورد توثیق نجاشی قرار گرفته است. (5) گرچه برخی گمان نموده اند که مراد از «ابوعبیده» در این روایت، المدائنی مجهول است، (6) اما چنین پنداری صحیح نیست؛ چرا که اولاً در کنیه «المدائنی» اختلاف نظر وجود دارد که آیا کنیه وی «ابوعبیده» است و یا «ابوعبید» و «المدائنی» تنها دو روایت از امام باقر علیه السلام و امام صادق علیه السلام نقل نموده است. (7) اما در کنیه «الحذاء» اختلافی وجود ندارد. (8)

ثانیا بر فرض، کنیه «المدائنی»، «ابوعبیده» باشد، در اینجا مراد از «ابوعبیده»، «الحذاء» است؛ چراکه «ابن رئاب» مکرر از «الحذاء» نقل روایت می نماید و در مواردی که نام راوی به طور مطلق به کار می رود، مراد فرد مشهور است و «الحذاء» در سند ده ها روایت وجود دارد، در حالی که «المدائنی» تنها در سند دو روایت است. (9)

ص: 93

-
- 1- محمد بن عمر کثی اختیار معرفة الرجال، ص 556.
 - 2- طوسی، الفهرست، ص 122؛ همو، الرجال، ص 339.
 - 3- نجاشی، الرجال، ص 349.
 - 4- الفهرست، ص 263.
 - 5- نجاشی، الرجال، ص 170.
 - 6- سیدهاشم هاشمی، حوار مع فضل الله حول الزهراء علیها السلام، ص 139.
 - 7- ابوالقاسم خویی، معجم رجال الحدیث، ج 21، ص 232-236.
 - 8- حوار مع فضل الله حول الزهراء علیها السلام، ص 140.
 - 9- همان

از سویی دیگر علمایی همچون علامه حلی، شهید ثانی، صاحب معالم، علامه مجلسی، آیت الله خویی، امام خمینی و میرزا جواد آقا تبریزی و دیگر بزرگان مراد از «ابوعبیده» را در سند این روایت، «الحذاء» دانسته اند.⁽¹⁾

بنابر این سند این روایت متصل و تمامی راویان آن از ثقات امامی مذهب اند؛ در نتیجه روایت مذکور صحیح السند است. ضمن آنکه این روایت در کتاب «کافی»، از معتبرترین کتاب های روایی شیعه قرار دارد؛ بنابراین، این روایت از جهت منبع و سند معتبر است.

به همین جهت می توان گفت: مصحف حضرت فاطمه علیها السلام در منابع و روایات بسیاری آمده است، که دست کم برخی از روایات آن دارای سند های صحیح هستند و در اصل وجود آنها هیچ گونه تردیدی وجود ندارد⁽²⁾ و ما نیز با افتخار کلام بنیان گذار جمهوری اسلامی ایران را تکرار کنیم که «ما مفتخریم که صحیفه [مصحف] حضرت زهرا علیها السلام از ماست.»⁽³⁾

مصحف حضرت زهرا علیها السلام و تحریف قرآن

اشاره

یکی از دلایل اتهام به شیعیان درباره تحریف قرآن، اعتقاد به وجود مصحف حضرت زهرا علیها السلام است.

برخی از اهل تسنن می گویند: شیعیان معتقدند که حضرت زهرا علیها السلام دارای مصحفی بوده که سه برابر قرآنها در دست مردم است و معتقدند که قرآن اصلی همان است و اکنون در دست امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف قرار دارد و آن حضرت عجل الله تعالی فرجه الشریف هنگام ظهور، آن را آشکار می نماید. بنابر این شیعیان بر این

ص: 94

1- همان، ص 140-141. در این کتاب سایر اسناد روایات مصحف حضرت زهرا علیها السلام نیز مورد بررسی قرار گرفته است.

2- حسین مدرسی طباطبایی، میراث مکتوب شیعه، ص 42.

3- وصیت نامه امام خمینی، ص 7.

باورند که قرآن تحریف شده و دو سوم آن کاسته شده است. (1)

قفاری می گوید: شیعیان معتقدند که چند کتاب آسمانی غیر از قرآن مجید بر ائمه علیهم السلام نازل شده است، همانند مصحف فاطمه علیها السلام که سه برابر قرآن است و محتوای آن علم غیب فاطمه است، چیزی که حتی پیامبر صلی الله علیه و آله نداشته است. (2)

آنچه باعث شده است که افرادی وجود مصحف حضرت زهرا علیها السلام دلیلی بر تحریف قرآن بدانند سه امر است که به آنها اشاره می شود:

1. عنوان «مصحف»

برخی گمان کرده اند چون عنوان «مصحف» فقط بر قرآن اطلاق می شود پس وقتی گفته می شود «مصحف زهرا علیها السلام» منظور قرآنی است که توسط حضرت زهرا علیها السلام جمع آوری شده است مثل مصاحف سایر صحابه؛ اما همان گونه که در بخش نخست کتاب آمد، «مصحف» در قرن نخست هجری به مجموعه نوشتارهای میان دو جلد اطلاق می شد، حال ممکن بود این نوشتارها قرآنی و یا غیر قرآنی باشند؛ بنابراین عنوان «مصحف» لزوماً به معنای قرآن کریم نیست و چیزی که «مصحف» نامیده شده است، می تواند قرآن یا غیر قرآن باشد.

در مورد محتوای مصحف حضرت زهرا علیها السلام نیز نظر واحدی وجود ندارد، (3) اما بررسی روایاتی که از محتوای مصحف فاطمه علیها السلام سخن به میان آورده اند، نشان می دهد که:

1. مصحف حضرت زهرا علیها السلام شامل آیات قرآن نیست؛ چراکه در روایات متعدد، وجود آیات قرآن در این مصحف، نفی شده است. به عنوان نمونه

ص: 95

1- محمدعلی مهدوی راد، پژوهش گونه ای درباره مصحف فاطمه علیها السلام ص 24 به نقل از عبدالله بن علی قصیمی، الصراع بین الاسلام والوثنية، ج 1، ص 13.

2- اصول مذهب الشيعة الأممية، ص 235.

3- حقيقة مصحف فاطمه عند الشيعة، ص 41.

محمد بن مسلم از امام صادق علیه السلام نقل کرده است که ایشان فرمودند: «حضرت فاطمه علیها السلام مصحفی بر جای گذاشت که قرآن نبود.»⁽¹⁾ در روایت دیگری از امام صادق علیه السلام نقل شده است: «به خدا قسم، نزد ماست مصحف فاطمه علیها السلام و در آن آیه ای از قرآن نیست.»⁽²⁾

حسین بن ابی العلاء می گوید که از امام صادق علیه السلام شنیدم که فرمودند: «گمان ندارم در مصحف فاطمه چیزی از قرآن علیها السلام باشد.»⁽³⁾

همچنین امام کاظم علیه السلام می فرمایند: «مصحف فاطمه علیها السلام نزد من است و در آن چیزی از قرآن نیست.»⁽⁴⁾ همچنان که محمد ابوزهره یکی از علمای اهل تسنن بر این امر تصریح نموده است:

ظاهراً صراحت این روایت نشانگر آن است که، آنچه جبرئیل بر فاطمه علیها السلام عرضه کرده، هرگز مشتمل بر قرآن نبوده است.»⁽⁵⁾

گرچه در روایتی محمد بن سلیمان دیلمی از ابوبصیر نقل می کند که حضرت صادق علیه السلام آیه «سَأَلَ سَائِلٌ بِعَذَابٍ وَاقِعٍ * لِلْكَافِرِينَ لَيْسَ لَهُ دَافِعٌ»⁽⁶⁾ را بدین گونه تلاوت کرده اند: «سَأَلَ سَائِلٌ بِعَذَابٍ وَاقِعٍ لِلْكَافِرِينَ بَوْلَايَةَ عَلِيِّ لَيْسَ لَهُ دَافِعٌ» و فرمودند که در مصحف فاطمه علیها السلام چنین است،⁽⁷⁾ اما باید توجه داشت که این روایت شاذ در برابر روایات متعددی که ذکر شد و برخی مستفیض و

ص: 96

1- بصائر الدرجات الكبرى، ص 155، بحار الانوار، ج 26، ص 41.

2- بصائر الدرجات الكبرى، ص 153؛ بحار الانوار، ج 27، ص 271.

3- بصائر الدرجات الكبرى، ص 150، الكافي، ج 1، ص 240؛ بحار الانوار، ج 37، ص 38.

4- بصائر الدرجات الكبرى، ص 154؛ بحار الانوار، ج 26، ص 18.

5- پژوهش گونه ای درباره مصحف فاطمه علیها السلام، ص 47 به نقل از ابوزهره، الامام الصادق حیاة و عصره، ص 256.

6- معارج، آیه 1-2 «درخواست کننده ای عذابی را که واقع شدنی است در خواست کرد. [عذابی که] ویژه کافران است، [و] آن را بازدارنده ای نیست»

7- بحار الانوار، ج 37، ص 176.

برخی صحیح‌السند هستند، یارای مقاومت ندارد؛ علاوه بر آن راوی این خبر محمد بن سلیمان دیلمی معروف به «بصری» یا «نصری» است که علمای رجال او را از جهت مذهب و وثاقت ذم نموده‌اند؛ نجاشی درباره او می‌گوید: «ضَعِيفٌ جِدًّا لَا يُعَوَّلُ عَلَيْهِ فِي شَيْءٍ»⁽¹⁾ شیخ طوسی می‌نویسد: «له کتاب یرمی بالغلو»⁽²⁾ ابن غضائری می‌گوید: «ضعیف فی حدیثه، مرتفع فی مذهبہ لایلتفت الیه»⁽³⁾ بنا بر این، روایت مذکور مطرود و مردود است.⁽⁴⁾

2. مصحف حضرت زهرا علیها السلام شامل احکام فقهی نیست؛ حماد بن عثمان می‌گوید: امام صادق علیه السلام فرمودند: «هنگامی که رسول خدا صلی الله علیه و آله وفات نمودند، فاطمه علیها السلام بسیار اندوهگین شدند... در آن مصحف چیزی از حلال و حرام نیست»⁽⁵⁾.

بنابراین در مصحف حضرت زهرا علیها السلام احکام نیز وجود ندارد؛ گرچه برخی معتقدند که مصحف حضرت زهرا علیها السلام شامل احکام بوده است؛⁽⁶⁾ اما مستندات آنان، قاطع و خالی از خدشه نیست.⁽⁷⁾

3. مصحف حضرت فاطمه علیها السلام شامل امور غیبی است که هرگز در اختیار

ص: 97

1- نجاشی، الرجال، ج 2، ص 269.

2- طوسی، الرجال، ص 343.

3- احمد بن حسین ابن الغضائری، الرجال، ص 91.

4- پژوهش گونه ای درباره مصحف فاطمه علیها السلام، ص 44-45.

5- الکافی، ج 1، ص 240.

6- هاشم معروف الحسنی، دراسات فی الحدیث و المحدثین، ص 301 و 302، ص 76-77؛ اعیان الشیعه، ج 1، ص 97.

7- برای اطلاع بیشتر از مستندات آنان و خدشه های وارد شده بر این مستندات رجوع شود به مجلسی محمدباقر، مرآة العقول، ج 3، ص

57؛ عاملی سید جعفر مرتضی، مأساة الزهراء، ج 1، ص 109؛ سیدهاشم هاشمی، حوار مع فضل الله حول الزهراء، ص 181؛ حقیقة

مصحف فاطمه عند الشیعه، ص 99-102؛ مهدوی راد محمد علی، پژوهش گونه ای درباره مصحف فاطمه علیها السلام، ص 56.

مردم قرار نگرفته است؛ چراکه تنها در صلاحیت اهل بیت علیهم السلام است تا از محتوای آن آگاه شوند. برخی روایات نشانگر وجود امور غیبی در این مصحف، عبارت اند از:

الف) یکی از اصحاب از امام صادق علیه السلام پرسید: «مصحف فاطمه علیها السلام چیست؟» امام صادق علیه السلام پس از سکوت طولانی فرمود:

«فاطمه علیها السلام 75 روز بعد از رسول خدا صلی الله علیه و آله زندگی کردند و در این ایام از فراق پدر، بسیار غمگین بودند. جبرئیل نزد فاطمه علیه السلام می آمد و او را دلداری می داد و احوال و مقام های پدرش را برای او بیان می کرد و از حوادث آینده و غیبی در مورد فرزندانش به او خبر می داد، حضرت علی علیه السلام آن مطالب را می نوشتند و آن، همان مصحف فاطمه علیها السلام است.»⁽¹⁾

ب) حماد بن عثمان می گوید که امام صادق علیه السلام فرمودند: «هنگامی که رسول خدا صلی الله علیه و آله وفات نمودند، فاطمه علیها السلام بسیار اندوهگین شدند که اندازه آن را کسی جز خدا نداند، در این هنگام فرشته ای نزد فاطمه علیها السلام می آمد، فاطمه علیها السلام را دلداری می داد و با او سخن می گفت... تا آنکه از آن نوشته ها مجموعه ای به نام مصحف، تدوین شد، در آن مصحف چیزی از حلال و حرام نیست، بلکه در آن از حوادث (غیبی) آینده، خبر داده شده است.»⁽²⁾

ج) فضیل بن سکره می گوید به محضر امام صادق علیه السلام رسیدم، به من فرمودند: آیا می دانی که اندکی قبل چه چیزی را مطالعه می کردم؟ گفتم: نه. فرمودند: به کتاب فاطمه علیها السلام می نگریستم، نام همه سلاطین که در زمین فرمانروایی می کنند و همچنین نام پدران آنها در آن، ذکر شده است، ولی من از نوادگان امام حسن علیه السلام (وزمامداری آنها) چیزی را در این مصحف ندیدم.»⁽³⁾

ص: 98

1- الکافی، ج 1، ص 241.

2- همان، ص 240.

3- همان، ص 242.

د) امام صادق علیه السلام می فرمایند: «زنادقه در سال 128 ظهور خواهند کرد، چنین امری در مصحف زهرا علیها السلام وجود دارد.»⁽¹⁾

و امام علیه السلام می فرمایند: «هیچ نبی، وصی و ملکی نیست جز آنکه نامش در کتابی با عنوان مصحف فاطمه علیها السلام نزد من است و من بدان نگریستم و در ضمن آنها نام «محمد بن عبدالله» را ندیدم.»⁽²⁾

4. به مصحف حضرت زهرا علیها السلام وصیت نامه ایشان ضمیمه شده است؛ سلیمان بن خالد از امام صادق علیه السلام نقل می نماید که ایشان فرمودند: «در مصحف فاطمه علیها السلام وصیت ایشان وجود دارد.»⁽³⁾

2. نزول جبرئیل

استدلال به عدم امکان «نزول جبرئیل» بر حضرت زهرا علیها السلام گاه در جهت نفی وجود مصحف ایشان است و گاه در جهت اثبات باور شیعه به تحریف قرآن؛ در واقع انکار گفتگوی حضرت زهرا علیها السلام با جبرئیل، انکار یکی از اوصاف آن حضرت یعنی «محدثه» بودن ایشان است.⁽⁴⁾

انکار محدث بودن حضرت زهرا علیها السلام ممکن است به یکی از این سه جهت باشد؛ اول آنکه اساسا دریافت وحی به واسطه ملک جز برای انبیای الهی امکان ندارد، دوم آنکه نزول جبرئیل پس از رحلت حضرت رسول صلی الله علیه و اله تحقق نیافته است و سوم آنکه وقوع این امر را در مورد حضرت صدیقه کبری علیها السلام منکر شوند.

ص: 99

1- همان، ص 241.

2- مناقب آل ابی طالب، ج 3، ص 373.

3- الکافی، ج 1، ص 241؛ بصائر الدرجات الکبری، ص 157.

4- در روایات وارد شده است که «محدث» به کسی گفته می شود که صدای ملک را می شنود، اما او را نمی بیند؛ بلکه تنها صدای ملک را در گوشش احساس می نماید. بصائر الدرجات الکبری، ص 371-368؛ همان، ج 1، ص 176، 177، 243؛ بحار الانوار، ج 11، ص 41؛ ج 26، ص 74-82.

در آیات قرآن محدث بودن به برخی از افراد غیر از انبیای الهی نیز نسبت داده شده است، مثلاً خداوند درباره حضرت مریم علیها السلام می‌فرماید: «فَأَرْسَلْنَا إِلَيْهَا رُوحَنَا فَتَمَثَّلَ لَهَا بَشَرًا سَوِيًّا» (1) و نیز می‌فرماید: «إِذْ قَالَتِ الْمَلَائِكَةُ يَا مَرْيَمُ إِنَّ اللَّهَ يُبَشِّرُكِ بِكَلِمَةٍ» (2) و همچنین «وَإِذْ قَالَتِ الْمَلَائِكَةُ يَا مَرْيَمُ إِنَّ اللَّهَ اصْطَفَاكِ وَطَهَّرَكِ وَاصْطَفَاكِ» (3)

در منابع روایی شیعه روایاتی آمده است که بر اساس آن «محدث» بودن تنها اختصاص به حضرت زهرا علیها السلام ندارد؛ بلکه تمامی ائمه علیها السلام محدث بوده‌اند؛ مرحوم کلینی در کتاب کافی بابی را به عنوان «ان الائمه علیهم السلام محدثون فهمون» گشوده و به بیان روایاتی در این زمینه پرداخته است. (4)

روایات اهل تسنن نیز محدث بودن افرادی غیر از انبیای الهی را انکار نمی‌کند به عنوان مثال در کتاب صحیح بخاری و صحیح مسلم از رسول خدا صلی الله علیه و اله نقل شده است: «مردانی در امت بنی اسرائیل بودند که خداوند یا ملائکه با آنان گفتگو می‌کردند که انبیاء نبودند و اگر چنین فردی در امت من وجود داشت، او عمر بن خطاب بود.» (5) ابن حجر می‌گوید: این سخن بیانگر تأکید است، نه تردید در محدث بودن عمر! (6)

همچنین ابن ابی داود سجستانی در کتاب «المصاحف» نقل کرده است: ابوبکر مناجات جبرئیل با پیامبر صلی الله علیه و اله را می‌شنید. (7)

ص: 100

-
- 1- مریم، آیه 17 «پس ما روح خود را نزد او فرستادیم که به صورت انسانی بر او مجسم گشت».
 - 2- آل عمران، آیه 45 «زمانی که فرشتگان گفتند: ای مریم خدای تعالی به کلمه ای بشارت می‌دهد».
 - 3- آل عمران، آیه 42 «و به یاد آر زمانی را که ملائکه گفتند: ای مریم: بدان که خدا تو را برگزید».
 - 4- الکافی، ج 1، ص 270-271.
 - 5- محمد بن اسماعیل بخاری، صحیح البخاری، ج 4، ص 149؛ همان، ج 4، ص 179؛ مسلم بن حجاج نیشابوری، صحیح مسلم، ج 7، ص 116.
 - 6- حقیقة مصحف فاطمه عند الشيعة، ص 168-169 به نقل از ابن حجر، ارشاد الساری، ج 6، ص 103.
 - 7- کتاب المصاحف، ص 6.

در مسند احمد بن حنبل آمده است: «روزی حذیفه نزد پیامبر صلی الله علیه وآله رفت و گفت: من در حال نماز شنیدم که کسی می گفت: اللهم لك الحمد كله... پیامبر صلی الله علیه وآله فرمودند: آن فرد ملک بود که می خواست به شما پیامورد که چگونه خدا را حمد گوید»⁽¹⁾.

در کتاب های روایی اهل تسنن محدث بودن به افراد دیگری نیز نسبت داده شده است؛⁽²⁾ بنابراین اصل وجود افرادی که نبی و رسول خدا نبوده اما با ملائکه گفتگو نموده اند، هم نزد شیعیان و هم نزد اهل تسنن اثبات شده است.

بررسی جهت دوم

برخی منابع چنین نقل کرده اند که جبرئیل هنگام وفات حضرت رسول صلی الله علیه وآله خطاب به ایشان گفت: «این آخرین فرود آمدن من به زمین است»⁽³⁾ بر اساس این روایت برخی معتقدند که جبرئیل پس از رحلت حضرت محمد صلی الله علیه وآله هرگز به زمین نازل نشد.

سیوطی از علمای اهل سنت در مورد صحت این روایت می گوید: این روایت واقعا ضعیف است؛ چراکه معلوم نیست که نزول جبرئیل در هنگام وفات پیامبر صلی الله علیه وآله آخرین نزول او به زمین باشد، زیرا در روایتی از رسول خدا صلی الله علیه وآله رسیده است که در هر شب قدر جبرئیل با ملائکه فرود می آیند و بر هر قائم و قاعدی که به یاد خداست، سلام می کنند.⁽⁴⁾ حتی برخی روایات به نزول جبرئیل پس از رحلت پیامبر صلی الله علیه وآله تصریح دارند.⁽⁵⁾

بنابراین باید گفت مراد از انقطاع وحی پس از رسول خدا، انقطاع وحی

ص: 101

1- مسند احمد بن حنبل، ج 5، ص 396

2- ر.ک: حقیقة مصحف فاطمه عند الشيعة، ص 168-172.

3- کنز العمال، ج 7، ص 264؛ ابن حجر عسقلانی، فتح الباری، ج 2، ص 267.

4- الدر المنثور، ج 6، ص 377.

5- علی بن ابراهیم حلبی، السیرة الحلبیة، ج 3، ص 472-473.

قرآنی و وحی ای است که با آن کتاب آسمانی نازل می شود یا مراد جبرئیل، آن است که این آخرین نزول من به زمین بر توست؛ به عبارت دیگر این سخن جبرئیل به منظور خبر دادن از فوت قریب الوقوع پیامبر صلی الله علیه وآله بوده است.

بررسی جهت سوم

حضرت صادق علیه السلام فرمودند: «فاطمه دختر رسول خدا صلی الله علیه وآله «محدثه» بود، نه پیامبر. فاطمه علیها السلام را از این رو «محدثه» نامیده اند که فرشتگان از آسمان بر او نازل می شدند و با او سخن می گفتند، همان گونه که با مریم بنت عمران گفتگو داشتند.» (1)

در کتاب های روایی اهل تسنن نیز فاطمه اطهر علیها السلام دارای فضائل متعددی است؛ از این روی نزول وحی بر ایشان هرگز بعید و دور از ذهن نیست؛ در صحیح بخاری آمده است که رسول خدا صلی الله علیه وآله در آخرین سخنانشان با حضرت فاطمه علیها السلام فرمودند: «آیا راضی می شوی که سیده نساء اهل الجنة یا نساء المؤمنین باشی.» (2) در صحیح مسلم نیز روایتی مشابه آن آمده است. (3) مطمئناً گفتگو با جبرئیل بر چنین شخصیتی غریب تر از گفتگو جبرئیل با سایر افرادی که در کتب اهل تسنن جزء محدثان به شمار رفته اند، نیست؛ بنابراین وجهی برای انکار نزول ملک یا جبرئیل بر فاطمه زهرا علیها السلام باقی نمی ماند. (4)

3. حجم مصحف

در روایتی از امام صادق علیه السلام آمده است که «مصحف فاطمه علیها السلام در نزد ماست و آن سه برابر قرآن شماس است و به خدا قسم در آن آیه ای از قرآن نیست.» (5)

ص: 102

-
- 1- بحار الانوار، ج 43، ص 78.
 - 2- صحیح البخاری، ج 4، ص 183.
 - 3- صحیح مسلم، ج 7، ص 143.
 - 4- اعیان الشیعة، ج 1، ص 97.
 - 5- بصائر الدرجات الکبری، ص 152، الکافی، ج 1، ص 239؛ بحار الانوار، ج 26، ص 39.

وجود این روایت باعث شده است که برخی بگویند قرآنی که شیعه به آن معتقد است، چندین برابر قرآن رایج است.

به نظر می‌رسد افرادی که چنین شبهه‌ای را مطرح ساخته‌اند، این روایت را برای اثبات نظر خویش، تقطیع (قطعه قطعه) کرده و فقط صدر روایت را آورده و به ذیل آن توجه ننموده‌اند چراکه ادامه روایت به روشنی مشخص می‌نماید که محتوای این مصحف کاملاً متفاوت با آیات قرآن است و هیچ‌آیه‌ای از قرآن در آن وجود ندارد؛ علاوه بر آن بیان حجم مصحف (سه برابر قرآن) فقط بدین جهت بوده است که نشان دهد حجم آن زیاد بوده و در بردارنده مطالب زیادی است. (1)

در یک جمع بندی کلی باید گفت کسانی که می‌خواهند وجود این مصحف را دلیل اعتقاد شیعیان بر تحریف قرآن بدانند به بیراهه رفته‌اند چراکه اولاً نسبت دادن اعتقاد به تحریف به شیعیان با توجه به دلایل تحریف ناپذیری قرآن، اتهامی بی‌اساس است. (2)

دوم آنکه عنوان «مصحف» در مورد مصحف حضرت زهرا علیها السلام به معنای لغوی آن است، نه یکی از اسامی قرآن.

سوم آنکه بنابر روایات اهل بیت علیهم السلام، محتوای مصحف حضرت زهرا علیها السلام در بردارنده قرآن و یا حتی تفسیر آیات قرآن نبوده است.

چهارم آنکه همان‌گونه که نزول ملائکه و جبرئیل بر افراد دیگری غیر از انبیای الهی ممکن است، نزول او بر صدیقه کبری علیها السلام نیز دور از ذهن نیست.

پنجم، جبرئیل، تنها قرآن را نازل نکرده بلکه گاهی غیر قرآن را نیز بر پیامبر صلی الله علیه و آله و یا دیگران فرود آورده است.

ص: 103

1- پژوهش گونه‌ای درباره مصحف فاطمه علیها السلام، ص 68؛ حقیقة مصحف فاطمه عند الشیعة، ص 108.

2- در فصل اول ذیل بحث تحریف ناپذیری قرآن به این مسئله پرداخته شد.

ششم، روایت امام صادق علیه السلام تنها نشان دهنده حجم مصحف حضرت زهرا علیها السلام است نه محتوای آن.

املاکنده مصحف حضرت زهرا علیها السلام

برخی در املاکنده مصحف حضرت فاطمه علیها السلام تشکیک کرده و می گویند که مشخص نیست چه کسی مصحف حضرت زهرا علیها السلام را املا نموده است چراکه روایات مختلفی در این زمینه وجود دارد؛ در برخی روایات، خداوند متعال املاکنده مصحف معرفی شده است، امام صادق علیه السلام می فرماید: «املاه الله»⁽¹⁾ حال آنکه در روایت دیگری، از رسول خدا صلی الله علیه و اله به عنوان املاکنده نام برده است «و لکنه املاء رسول الله»⁽²⁾

در برخی از روایات، جبرئیل یا یکی از ملائکه املاکنده مصحف حضرت زهرا علیها السلام دانسته شده است، امام صادق علیه السلام فرمودند: «فَارْسَلَ اللَّهُ إِلَيْهَا مَلَكًا»⁽³⁾ و در روایتی دیگر فرمودند: «جبرئیل نزد حضرت زهرا علیها السلام رفت و چون غم ایشان را مشاهده نمود، از جایگاه پدرشان و سرنوشت فرزندانشان به ایشان خبر داد و این مطالب را علی علیه السلام می نوشت و این مصحف حضرت فاطمه علیها السلام است.»⁽⁴⁾

در مورد املاکنده مصحف و روایات متعددی که در این زمینه وجود دارد، باید توجه کرد که این روایات مختلف با یکدیگر در تعارض نیستند؛ بلکه هر کدام بخشی از ماجرای نزول مصحف حضرت زهرا علیها السلام را توضیح داده اند؛ در واقع مصحف حضرت زهرا علیها السلام به فرمان خداوند متعال و به واسطه جبرئیل بر ایشان نازل شده است.

ص: 104

1- بحارالانوار، ج 26، ص 39.

2- بحارالانوار، ج 26، ص 46؛ بصائر الدرجات الكبرى، ص 153 و 157؛ بحارالانوار، ج 47، ص 271.

3- الکافی، ج 1، ص 125؛ بصائر الدرجات الكبرى، ص 157.

4- الکافی، ج 1، ص 241؛ بصائر الدرجات الكبرى، ص 153-154.

تنها روایتی که به نظر می‌رسد با سایر روایات در تعارض جدی است، روایت دوم است. در رفع تعارض به وجود آمده، چند احتمال قابل تصور است:

1. احتمال دارد روایتی که املاکننده آن را رسول خدا صلی الله علیه و آله می‌داند، ضعیف و غیر قابل اعتماد باشد؛ اما این احتمال به جهت صحیح‌السنند بودن (1) روایت، مردود است. (2)

2. احتمال دارد جبرئیل مصحف را بر پیامبر صلی الله علیه و آله نازل کرده و سپس حضرت رسول صلی الله علیه و آله آن را برای دختر گرامی‌شان بیان کرده‌اند؛ این احتمال نیز قابل قبول نیست به جهت آنکه در روایات تصریح شده است که مصحف حضرت زهرا علیها السلام پس از وفات پدر بزرگوارشان بر ایشان نازل شده است. (3)

3. احتمال دارد که مصحف حضرت زهرا علیها السلام دارای بخش‌های گوناگونی بوده است که بخشی از آن در زمان حیات پیامبر صلی الله علیه و آله و به املائی ایشان نوشته شده و بخش دیگری از آن پس از رحلت رسول خدا صلی الله علیه و آله و به وسیله جبرئیل املا شده است. (4) این احتمال نیز با متن برخی از روایات که ظاهراً نشان می‌دهند که تمامی مصحف به شکل واحد املا و به نگارش در آمده است، تعارض دارد. (5) به عنوان نمونه در روایتی از امام صادق علیه السلام آمده است:

«وَكَانَ جِبْرِئِيلُ يَأْتِيهَا . . . وَيُخْبِرُهَا عَنْ أَبِيهَا . . . فَهَذَا مُصْحَفُ فَاطِمَةَ.» (6) و در

ص: 105

1- حواری مع فضل الله حول الزهراء علیها السلام، ص 160؛ ایشان به بررسی سندی تمامی روایاتی پرداخته است که املاکننده را رسول خدا صلی الله علیه و آله معرفی نموده‌اند؛ گرچه برخی از اسناد این روایات ضعیف‌اند، اما سند روایتی که در «بصائر الدرجات» از «السندی بن محمد» از «ابان بن عثمان» از «علی بن الحسین» از امام صادق علیه السلام نقل شده است، صحیح است.

2- پژوهش گونه‌ای در باره مصحف فاطمه علیها السلام، ص 32.

3- حقیقة مصحف فاطمه عند الشيعة، ص 85

4- مأساة الزهراء، ج 1، ص 116.

5- پژوهش گونه‌ای درباره مصحف فاطمه علیها السلام، ص 33.

6- الکافی، ج 1، ص 240.

روایتی دیگر از ایشان آمده است: «فَأُسِّلَ إِلَيْهَا مَلَكًا يَسْلِي عَنْهَا غَمَّهَا وَيُحَدِّثُهَا . . فَجَعَلَ [ای علی] يَكْتُبُ كُلَّ مَا سَمِعَ حَتَّى أُثْبِتَ مِنْ ذَلِكَ مُصْحَفًا...»(1)

4. احتمال دارد که حضرت زهرا علیها السلام دارای دو مصحف بوده اند؛ یکی در زمان حیات رسول الله صلی الله علیه و آله و به املائی ایشان گردآوری شده و دیگری پس از رحلت رسول خدا صلی الله علیه و آله و به املائی جبرئیل نگاشته شده است.(2)

این احتمال با توجه به برخی دیگر از روایات، قابل اثبات و تأیید است؛ به عنوان نمونه در روایتی آمده است که امام صادق علیه السلام بر سر مسئله ای فقهی با حاکم مدینه اختلاف نمودند و امام علیه السلام حکم خود را به «کتاب فاطمه علیها السلام» مستند ساختند(3) و از آنجایی که مصحف حضرت زهرا علیها السلام که توسط جبرئیل املاشده خالی از احکام بوده است؛ پس باید چندین اثر نوشته شده از آن حضرت علیها السلام بر جای مانده باشد. بنابراین می توان گفت این احتمال، احتمال مقبولی است به شرط آنکه بتوان موضوع روایاتی را که سخن از املائی رسول الله صلی الله علیه و آله به میان آورده اند، غیر از موضوع سایر روایاتی که از مصحف ایشان سخن گفته اند، دانست؛ در حالی که به نظر می رسد در روایت مذکور نیز سخن از همان مصحف حضرت زهرا علیها السلام است نه کتابی دیگر؛ چراکه اولاً لفظ «مصحف» در این روایت به کار رفته است و همچنین یکی از ویژگی های این مصحف که عدم وجود قرآن در آن است مطرح شده است: «عِنْدَنَا مُصْحَفُ فَاطِمَةَ أَمَا وَاللَّهِ مَا فِيهِ حَرْفٍ مِنَ الْقُرْآنِ وَ لَكِنَّهُ إِمْلَاءُ رَسُولِ اللَّهِ وَ خَطُّ عَلِيٍّ»؛ در حالی که در روایاتی که حاکی از مکتوباتی دیگر از حضرت زهرا علیها السلام است، لفظ کتاب به کار رفته است.

ص: 106

-
- 1- بصائر الدرجات الکبری، ص 177، ح 18؛ بحار الانوار، ج 26، ص 44.
 - 2- اعیان الشیعة، ج 1، ص 97؛ سید محسن امین این احتمال را می پسندد
 - 3- الکافی، ج 3، ص 507؛ همان، ج 1، ص 242.

5. علامه مجلسی می گوید: مراد از رسول خدا صلی الله علیه و اله، در این روایات «فرستاده خدا»؛ یعنی مَلَك است. (1) این احتمال توسط سایر محققان نیز پذیرفته شده است؛ چراکه در آیات و روایات متعدد از ملائکه، به «رسل» تعبیر شده است. (2) خداوند عزوجل می فرماید: «اللَّهُ يَصِّطَفِي مِنَ الْمَلَائِكَةِ رُسُلًا وَمِنَ النَّاسِ إِنَّ اللَّهَ سَمِيعٌ بَصِيرٌ» (3) و یا می فرماید: «يَا لُوطُ إِنَّا رُسُلُ رَبِّكَ لَنْ يَصِدُّوكُمْ» (4).

برخی در تأیید نظر علامه مجلسی می گویند: عبارت «انزل علیها» در کلام امام صادق علیه السلام (و لکنه کلام من الله أنزل علیها، املاء رسول الله) نشان می دهد که خداوند مصحف را بر حضرت زهرا فرو فرستاده نه بر پیامبر صلی الله علیه و آله و مراد از رسول الله، جبرئیل است. (5)

کاتب مصحف حضرت زهرا سلام الله علیها

گزارش و روایات متعددی حاکی از آن است که مصحف حضرت زهرا علیها السلام به وسیله امیر المؤمنین علیه السلام به نگارش در آمد؛ به عنوان نمونه در روایتی از امام صادق علیه السلام آمده است: «امیر المؤمنین علیه السلام آن را می نوشت.» (6) یا در روایت دیگری از آن حضرت آمده است: «علی علیه السلام فرمود: چون آمدن فرشته را احساس کردی و صدایش را شنیدی، به من بگو، پس فاطمه علیها السلام به امیر المؤمنین علیه السلام خبر دادند و آن حضرت هر چه می شنیدند، تا آنکه از آن سخنان مصحفی ساختند.» (7)

ص: 107

1- بحار الانوار، ج 2، ص 40

2- حقیقة مصحف فاطمه عند الشيعة، ص 81-88؛ پژوهش گونه ای درباره مصحف فاطمه علیها السلام، ص 29-38.

3- حج، آیه 75 «خدا از میان فرشتگان و مردمان رسولانی بر می گزیند»

4- هود: 81: گفتند: ای لوط، ما رسولان پروردگار تو هستیم.

5- حوار مع فضل الله حول الزهراء علیها السلام، ص 162.

6- الکافی، ج 1، ص 241؛ بحار الانوار، ج 26، ص 40؛ بصائر الدرجات الکبری، ص 176.

7- الکافی، ج 1، ص 240. ر.ک: حقیقة مصحف فاطمه عند الشيعة، ص 77.

اما برخی بر این باورند که کاتب مصحف حضرت زهرا علیها السلام حضرت علی علیه السلام نمی باشد چرا که در برخی از گزارش ها تصریح شده است که آن مصحف به صورت مکتوب از آسمان نازل شده است: «خداوند به جبرئیل، میکائیل و اسرافیل امر کرد که مصحف را حمل نمایند و بر حضرت زهرا علیها السلام نازل نمایند و زمان آن ثلث دوم از شب جمعه بود و حضرت علیها السلام مشغول به نماز بودند و هنگامی که نمازشان تمام شد، گفتند خداوند به تو سلام می رساند و مصحف را در اتاق او قرار دادند.»⁽¹⁾

در مورد گزارش دوم (نزول مصحف مکتوب) برخی گفته اند که مراد از حمل مصحف و قرار دادن آن در اتاق حضرت زهرا علیها السلام، معانی مصحف است نه مصحفی که به صورت نوشتاری بوده باشد؛ اما این احتمال با ظاهر روایت موافق نیست.⁽²⁾

نکته مهم و اساسی که در مورد روایت دوم وجود دارد آن است که در سند این روایت، فردی به نام «جعفر بن محمد بن مالک الفزاری» وجود دارد؛ آن گونه که در کتاب های رجالی آمده است او «فاسد المذهب و الروایة» و متهم به جعل روایات است⁽³⁾ و گفته شده که تمامی عیوب ضعفا در او جمع شده است.⁽⁴⁾ بنابر این گزارش دوم قابل اعتماد نیست و صحیح آن است که گفته شود نوشتن مصحف به وسیله امیر المؤمنین علیه السلام صورت گرفته است.⁽⁵⁾

برخی می گویند: حضرت زهرا علیها السلام مصحف را دریافت می نمود و سپس بر امام علی علیه السلام املا می فرمودند؛ به عبارت دیگر امیر المؤمنین علیه السلام مستقیماً

ص: 108

1- محمد بن جریر طبری، دلائل الامامة، ص 106.

2- حقیقة مصحف فاطمه عند الشيعة، ص 79.

3- نجاشی، الرجال، ص 122

4- ابن غضائری، الرجال، ص 48.

5- حقیقة مصحف فاطمه عند الشيعة، ص 79؛ پژوهش گونه ای در باره مصحف فاطمه علیها السلام، ص 27.

صدای جبرئیل را نمی شنیدند؛ حال چگونه ممکن است حضرت علی علیه السلام از نزول جبرئیل بر حضرت صدیقه کبری علیها السلام مطلع نبوده و پس از اخبار حضرت فاطمه علیها السلام از این ماجرا مطلع شده است؟ این امر با مقام حضرت علی علیه السلام مناسبت ندارد. (1)

در پاسخ به این سؤال باید گفت که اولاً روایات، مطلب فوق را تأیید نمی نمایند بلکه خلاف آن را ثابت می کنند؛ چراکه در روایتی آمده است: «فَقَالَ إِذَا أَحْتَسَبْتَ بِذَلِكَ وَ سَمِعْتَ الصَّوْتِ قُولِي لِي فَأَعْلَمَهُ بِذَلِكَ فَجَعَلَ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَكْتُبُ كُلَّ مَا سَمِعَ حَتَّى أَثْبَتَ مِنْ ذَلِكَ مُصْحَفًا.» (2)

در روایت دیگری عمر بن یزید از امام صادق علیه السلام سؤال می کند: «آیا آنچه جبرئیل بر علی علیه السلام املا می کرد قرآن بود؟ حضرت فرمودند: خیر.» (3) گویا مراد از روایت اخیر نیز مصحف فاطمه علیها السلام است. (4)

ثانیاً بر فرض آنکه حضرت زهرا علیها السلام سخنان جبرئیل را بر علی علیه السلام املا نمایند، این امر منافاتی با مقام والای حضرت علی السلام ندارد؛ چراکه ممکن است خداوند متعال هر یک از اولیای خود را با فضیلتی خاص تکریم نماید و در این مورد خداوند اراده نموده است تا با فضیلتی حضرت زهرا علیها السلام را تکریم نماید. (5) این امر چیزی از فضایل حضرت علی علیه السلام نمی کاهد.

انتساب مصحف به حضرت زهرا علیها السلام

مجموعه نوشتارهای حضرت علی علیه السلام از گفتگوی جبرئیل با حضرت زهرا علیها السلام، مصحف فاطمه علیها السلام نام گرفت؛ حال برخی می گویند نقش حضرت

ص: 109

1- حواری مع فضل الله حول الزهراء علیها السلام، ص 144.

2- الکافی، ج 1، ص 245؛ بصائر الدرجات الكبرى، ص 157؛ بحار الانوار، ج 26، ص 44.

3- بحار الانوار، ج 26، ص 43؛ بصائر الدرجات الكبرى، ص 157.

4- حقیقه مصحف فاطمه عند الشیعة، ص 83

5- حواری مع فضل الله حول الزهراء علیها السلام، ص 144-145.

زهرا علیها السلام در شکل گیری این مصحف روشن نیست (1) و با توجه به ویژگی های مصحف حضرت زهرا علیها السلام وجهی برای انتساب آن به ایشان وجود ندارد؛ چراکه حضرت فاطمه علیها السلام، نه گوینده آن است و نه نگارنده آن.

در پاسخ باید گفت که این مصحف برای تسلی خاطر حضرت صدیقه کبری علیها السلام و خطاب به ایشان نازل شده است؛ به همین خاطر انتساب آن به حضرت فاطمه علیها السلام هرگز بی مورد نیست؛ چنانچه در روایتی از امام صادق علیه السلام آمده است: حضرت زهرا علیها السلام 75 روز پس از وفات رسول خدا صلی الله علیه و آله زندگی کردند؛ در حالی که به شدت محزون بودند، پس جبرئیل بر ایشان نازل می شد و ایشان را تسلیت می داد و به دادن اخبار پدرشان صلی الله علیه و آله دلخوش می کرد...» (2)

فایده مصحف حضرت زهرا علیها السلام یکی از سؤالات پیرامون مصحف حضرت زهرا علیها السلام این است که برخی می گویند وقتی مصحف حضرت زهرا علیها السلام هرگز در دسترس مردم قرار نگرفته است وجود آن چه فایده ای دارد؟ آیا بحث درباره آن بی ثمر نیست؟ .

سؤال فوق دو وجه دارد؛ اول آنکه ضرورت و فلسفه وجود مصحف زهراى اطهر علیها السلام چیست؟ دوم آنکه بحث کردن از آن چه نتیجه ای در پی دارد؟

بررسی محتوای روایاتی که درباره مصحف حضرت فاطمه علیها السلام وارد شده، چنین نشان می دهد که حکمت نزول این مصحف عبارت است از:

1. تسلی خاطر صدیقه کبری علیها السلام: (3) حضرت فاطمه علیها السلام در اندوه از

ص: 110

1- ر.ک: همان، ص 130.

2- الکافی، ج 1، ص 241

3- حقیقه مصحف فاطمه عند الشیعه، ص 181-182.

دست دادن پدر بزرگوارشان سوگوار و بسیار اندوهگین بودند، جبرئیل بر ایشان نازل می شد و ایشان را تسلیت می داد و جهت تسلی خاطر ایشان از جایگاه رفیع رسول اکرم صلی الله علیه و اله و آینده فرزندانشان به ایشان خبر می داد و امیر المؤمنین علیه السلام این مطالب را یادداشت می کردند که این گونه مصحف حضرت فاطمه علیها السلام شکل گرفت. (1)

2. نشانه امامت؛ از آنجا که محتوای این مصحف شریف امور غیبی است و از نشانه های مقام والای امامت، آگاهی از علم غیب است؛ بنابراین وجود این مصحف از نشانه های امامت به شمار می رود. (2) همان طور که حضرت امام رضا علیه السلام می فرمایند:

«برای امام نشانه هایی است؛ آگاه ترین مردم باشد و صحیفه ای که در آن اسامی شیعیان تا روز قیامت وجود دارد... نزد او باشد و در نزد او مصحف فاطمه علیها السلام باشد». (3)

از این روی، برخی شیعیان از افراد مدعی امامت، درخواست می کردند که مصحف فاطمه علیها السلام را به آنان نشان دهند. در موارد متعدد نیز دیده شده که ائمه علیهم السلام علم غیب خود را به مصحف فاطمه علیها السلام مستند کرده اند. (4) امام صادق علیه السلام هنگام احتجاج با مخالفان فرمودند:

«اگر آنها راست می گویند، مصحف فاطمه علیها السلام را که وصیتش در آن است و سلاح پیامبر صلی الله علیه و اله نیز همراه آن است، بیرون آورند». (5)

ص: 111

-
- 1- الکافی، ج 1، ص 241؛ بصائر الدرجات الكبرى، ص 153-154؛ بحار الانوار، ج 26 ص 41؛ همان، ج 22، ص 545-546؛ همان، ج 43، ص 79؛ همان، ج 43، ص 194-195، مناقب آل أبي طالب، ج 3، ص 337.
 - 2- حقیقة مصحف فاطمه عند الشيعة، ص 183.
 - 3- بحار الانوار، ج 25، ص 116.
 - 4- ر.ک: ص 77.
 - 5- الکافی، ج 1، ص 241.

با توجه به آنچه در این فصل درباره ویژگی های مصحف حضرت زهرا علیها السلام گفته شد فواید بحث از این مصحف را می توان چنین برشمرد:

1. آشنایی با گوشه هایی از تاریخ زندگانی معصومان علیهم السلام به ویژه حضرت زهرا علیها السلام

2. آشنایی با نشانه های امامت برای تشخیص مدعیان دروغین امامت؛

3. پاسخ به برخی از اتهامات به شیعه درباره تحریف ناپذیری قرآن؛

4. آشنایی با برخی از فضایل حضرت صدیقه کبری علیها السلام همانند نزول جبرئیل بر ایشان، امام خمینی رحمه الله در این زمینه می فرماید:

«مسئله آمدن جبرئیل برای کسی، یک مسئله ساده ای نیست. خیال نشود که جبرئیل برای هر کسی می آید و امکان دارد، بیاید. یک تناسب لازم است بین روح آن کسی که جبرئیل می خواهد، بیاید و مقام جبرئیل که روح اعظم است.»⁽¹⁾

شکایت حضرت زهرا علیها السلام

تردیدی وجود ندارد که حضرت زهرا علیها السلام تربیت یافته کانون وحی بوده؛ و شاهد حالات و رفتار پیامبر هنگام نزول وحی بوده اند اما در برخی از روایات آمده است هنگامی که جبرئیل پس از وفات حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و اله بر صدیقه کبری علیها السلام نازل شد، آن حضرت از این امر به امیر المؤمنین علیه السلام شکایت کردند.⁽²⁾ سؤالی که وجود دارد آن است که چگونه ممکن است ایشان از نزول جبرئیل احساس ناراحتی نمایند؟⁽³⁾

در پاسخ به این سؤال گفته شده است که حضرت فاطمه علیها السلام از برخی از

ص: 112

1- صحیفه نور، ج 19، ص 278 و 289.

2- الکافی، ج 1، ص 245؛ بصائر الدرجات الکبری، ص 157.

3- حوار مع فضل الله حول الزهراء علیها السلام، ص 144.

اخبار جبرئیل که در مورد آینده و حوادثی که برای فرزندان و ذریه ایشان اتفاق می افتد، نزد امام علی علیه السلام شکایت کردند. این امر از روایتی که جبرئیل از جایگاه پدر و آینده فرزندان حضرت فاطمه علیها السلام با ایشان گفتگو می کردند،⁽¹⁾ به دست می آید.

علامه مجلسی، شکایت حضرت زهرا علیها السلام از عدم حفظ تمامی سخنان جبرئیل را یکی از احتمالات در معنای شکایت حضرت زهرا علیها السلام دانسته است⁽²⁾ و چه بسا گفته شود شکایت حضرت از عدم توانایی بر نگارش سخنان جبرئیل، به جهت وقایع تلخ پس از رحلت بوده است چراکه در روایت مورد نظر بلافاصله آمده است: حضرت علی علیه السلام فرمودند: هرگاه صدا را شنیدی مرا خبر کن و حضرت علی علیه السلام آن مطالب را نوشتند و مصحف شد.

ص: 113

1- الکافی، ج 1، ص 241، بصائر الدرجات الکبری، ص 153-154.

2- مرآة العقول، ج 3، ص 57.

پس از جنگ یمامه، خلیفه دوم (ابوبکر)، «زید بن ثابت» را احضار نمود و گفت: عمر می گوید جنگ شدت گرفته و ممکن است که حافظان و قاریان قرآن کشته شوند و قرآن از بین برود، لذا باید قرآن را جمع آوری نمود، اما من به او گفتم که اگر چنین کاری لازم بود، رسول خدا صلی الله علیه و اله انجام می داد، ولی عمر مراقب ساخت و من نیز از تو می خواهم چنین کاری را انجام دهی؛ تو جوان عاقل و معتمدی هستی و کاتب وحی بودی. زید بن ثابت می گوید: به خدا قسم اگر جابه جایی کوهی از من خواسته می شد، برایم آسان تر از جمع آوری قرآن بود، اما سرانجام متقاعد شدم. (1)

به خاطر سرعت یافتن و راحت تر شدن کار، (2) ابوبکر به عمر بن خطاب و زید بن ثابت دستور داد، کنار درب مسجد بنشینند و هر کس دو شاهد برای آیه ای از قرآن آورد، آن را بنویسند؛ (3) همچنین گفته شده است: گروهی در جمع آوری مصحف ابوبکر شرکت داشتند و ابی بن کعب قرآن را به آنان املا می کرد و دیگران می نوشتند. (4)

برخی مدت نگارش این قرآن را حدود یک سال ذکر کرده اند چراکه میان جنگ یمامه و وفات ابوبکر یک سال فاصله بوده است. (5) گرچه برخی دیگر این مدت را دو یا سه سال دانسته اند. (6)

ص: 117

-
- 1- صحیح البخاری، ج 6، ص 98.
 - 2- محمد علی اشقیر، لمحات من تاریخ القرآن، ص 140.
 - 3- کنز العمال، ج 2، ص 573.
 - 4- احمد بن حنبل، مسند، ج 5، ص 134.
 - 5- صبحی صالح، مباحث فی علوم القرآن، ص 77.
 - 6- لمحات من تاریخ القرآن، ص 140-141.

برخی علت اصلی جمع آوری قرآن به دستور ابوبکر را این امر دانسته اند که تا آن زمان، ابوبکر و زید بن ثابت مصحف کاملی نداشتند و به خاطر رقابت با سایر صحابه، اقدام به جمع آوری قرآن کردند و شاید به جهت همین رقابت از مصاحف افرادی همچون ابن مسعود و دیگران استفاده نکردند. (1)

اهل تسنن بعدها جمع آوری قرآن در زمان ابوبکر را وسیله تبلیغاتی خویش قرار داده و او را اولین جامع قرآن معرفی نمودند و ادعا کردند که قرآن اساساً توسط خلفا گردآوری شده است. (2) این مصحف پس از ابوبکر به دست عمر و پس از وی به دست «حفصه» دختر عمر افتاد. (3)

وجود مصحف ابوبکر

گزارش های مختلف و متعارضی که در خصوص جمع آوری قرآن در زمان ابوبکر وجود دارد موجب شده است که برخی از اساس جمع آوری چنین مصحفی را مورد تردید قرار دهند.

در گزارشی آمده است: «شش تن از انصار در زمان رسول الله صلی الله علیه و آله قرآن را جمع آوری کردند و جز این افراد هیچ کس قرآن را حفظ نکرد.» از طرف دیگر گفته شده: «کسی قرآن را حفظ نکرد آیات زیادی از قرآن از میان رفت» برخی دیگر گفته اند: «هیچ یک از خلفا جز «عثمان» قرآن را جمع آوری نکرده و از سویی نقل شده است که رسول الله صلی الله علیه و آله از علی علیه السلام عهد گرفت که قرآن را بنویسد و جمع و تألیف کند و آن حضرت هم قرآن را جمع آوری کرد و علت تأخیر حضرت علی علیه السلام را از بیعت با ابوبکر، اشتغال ایشان به جمع قرآن دانسته اند. (4)

ص: 118

1- حقایقی مهم پیرامون قرآن، ص 103.

2- همان، ص 104.

3- صحیح البخاری، ج 6، ص 98.

4- حقایقی مهم پیرامون قرآن، ص 83-84

با وجود همه این گزارش ها، برخی نقل کرده اند که ابوبکر می خواست قرآن را جمع آوری نماید و زید را برای جمع قرآن انتخاب کرد، او اکراه داشت، اما ابوبکر اصرار نمود تا زید پذیرفت. هر چند گروه دیگری گفته اند این «زید» بود که نظرش بر جمع آوری قرآن بود و عزم را جزم کرد. او نخست با عمر در این باره صحبت کرد و عمر هم با ابوبکر مطلب را در میان گذاشت و ابوبکر هم با مسلمانان مشورت کرد. با این وجود در گزارش هایی آمده است: عمر کشته شد، ولی هنوز قرآن، جمع آوری نشده بود و... (1)

در تبیین و تحلیل چنین گزارش هایی، باید گفت کثرت اخبار در مورد جمع آوری قرآن در زمان ابوبکر انکار وجود این مصحف را دشوار می سازد، اما آنچه مسلم است آنکه کیفیت جمع آوری قرآن، فرد یا افراد منتخب جهت گردآوری، مدت زمان گردآوری و سایر جزئیات این واقعه محل اختلاف است.

در هر صورت نمی توان اساس جمع آوری قرآن به دستور ابوبکر را منکر شد. گزارش هایی که اشاره به جمع آوری قرآن در زمان پیامبر صلی الله علیه و آله دارد و گزارش هایی که عدم جمع آوری آن را تا زمان عثمان بیان می کند، نیز قابل جمع اند؛ چراکه قرآن در زمان رسول خدا صلی الله علیه و آله به نگارش در می آمد و برخی از صحابه مصاحفی هر چند ناقص تدوین کرده بودند اما نخستین بار تمام قرآن همراه با توضیح و تفسیر توسط حضرت علی علیه السلام جمع آوری شد و سپس ابوبکر دستور داد تا مصحف شخصی برای وی تهیه شود و تا زمان عثمان مصحفی رسمی با رسم الخطی یکسان در جامعه اسلامی رواج نداشت و این کار در زمان عثمان صورت گرفت.

دیگر گزارش ها که از بین رفتن برخی از آیات قرآن را مطرح می کنند نیز با نقل و عقل در تعارض بوده و غیر قابل پذیرش است. (2)

ص: 119

1- البیان، ص 245 به بعد.

2- در این زمینه به فصل اول کتاب، بحث تحریف ناپذیری قرآن مراجعه شود.

گزارش های تاریخی حاکی از آن است که زید بن ثابت، برای جمع آوری مصحف در زمان خلافت ابوبکر انتخاب شد. برخی از اهل تسنن در توجیه و بیان حکمت انتخاب زید بن ثابت می گویند: زید دارای شایستگی های متعدد بود، او از همه اصحاب در کتابت وحی استوارتر بود و در سایه وحی پرورش یافته بود؛ چراکه در زمان هجرت رسول خدا صلی الله علیه و آله یازده سال داشت. او خود می گوید: در هنگام ورود پیامبر صلی الله علیه و آله به مدینه مرا نزد ایشان بردند و به ایشان عرض کردند او هفده سوره از سوره های قرآن را حفظ است و این امر باعث تعجب پیامبر صلی الله علیه و آله شد. (1)

زید در دوران خلفا در رأس مسند قضاوت و فتوا بود و طبیعی است که ابوبکر، او را با اقتدا به پیامبر صلی الله علیه و آله، متولی کتابت قرآن کند و نیز عثمان او را متصدی گروهی قرار دهد که به نسخه برداری مصحف های یکسان مشغول بودند؛ زیرا که او در این زمینه داناتر و ماهرتر از دیگران بود. (2)

قاضی ابوبکر باقلانی می گوید: درستی انتخاب زید از اینجا روشن می شود که امروز اگر یکی از ما بخواهد مصحفی نوشته شود که نسخه امام و پیشوا باشد از مردم زمان خود کسی را انتخاب نمی کند که از لحاظ حفظ قدیمی تر، یا شجاع تر و آگاه تر باشد؛ بلکه کسی انتخاب می شود که ضبط و خط او از همه زیباتر باشد و از همه بافهم تر باشد. (3)

به نظر می رسد سخنان فوق چیزی جز مبالغه در مورد زید بن ثابت نیست و علت انتخاب وی علاقه خاص خلفا - به خصوص عمر و عثمان - به وی است؛ چراکه زید از جمله کسانی است که در سقیفه از مهاجران دفاع نمود؛ (4)

ص: 120

1- شمس الدین ذهبی، سیر اعلام النبلاء، ج 2، ص 427-428.

2- حمد غانم قدوری، ترجمه رسم الخط مصحف، ص 81 لمحات فی تاریخ القرآن، ص 141-142.

3- ترجمه رسم الخط مصحف، ص 103 به نقل از نکت الانتصار، ص 369.

4- سیر اعلام النبلاء، ج 2، ص 433، مسند احمد بن حنبل، ج 5، ص 186.

او در زمان خلافت عمر، هنگام مسافرت، جانشین وی بود؛ زید خود می گوید پس از انجام و اتمام هر سفر، عمر به وی باغی عطا می نمود. (1) عثمان نیز او را بسیار دوست می داشت، (2) مناصب متعددی به وی واگذار کرده بود و هنگامی که از مدینه خارج می شد، او را جانشین خود قرار می داد. (3)

زید بن ثابت با حضرت علی علیه السلام بیعت نکرد (4) و در هیچ یک از جنگ های امیر المؤمنین علیه السلام نیز با او همراهی ننمود؛ (5) حتی گروهی در مورد کاتب وحی بودن زید در زمان رسول خدا صلی الله علیه و آله تردید کرده اند (6) و می گویند: او در آن زمان کودکی بیش نبوده و حتی در برخی از گزارش ها آمده است که سن او در هنگام وفات پیامبر صلی الله علیه و آله هشت سال بوده است. (7) از ابن مسعود نقل شده که می گفت: من هفتاد سوره را از زبان پیامبر صلی الله علیه و آله فراگرفتم در حالی که زید بن ثابت در صلب پدری کافر بود (8) و در نقل دیگر آمده است: در حالی که او با موهای بافته شده در مکتب خانه یهودی ها بازی می کرد. (9)

البته صحت گزارش هشت ساله بودن زید به هنگام وفات پیامبر، محل تردید است چراکه در این صورت وی در زمان خلافت ابوبکر کودکی نُه ساله خواهد بود و واگذاری امر جمع آوری قرآن به کودکی نُه ساله معقول به نظر نمی رسد، اما سخن ابن مسعود؛ در مورد او که در مکتب خانه های یهودی

ص: 121

-
- 1- سیر اعلام النبلاء، ج 2، ص 434.
 - 2- یوسف بن عبدالله ابن عبدالبر، الاستیعاب فی معرفة الأصحاب، ج 2، ص 540.
 - 3- ابن اثیر، اسد الغابة، ج 2، ص 222؛ ر.ک: حقایقی مهم پیرامون قرآن، ص 105-109.
 - 4- محمد بن جریر طبری، تاریخ الامم و الملوک، ج 4، ص 434
 - 5- نعمان بن محمد مغربی، دعائم الاسلام، ج 1، ص 391 و 392
 - 6- تدوین القرآن، ص 137.
 - 7- اسد الغابة، ج 1، ص 226.
 - 8- مسند احمد بن حنبل، ج 1، ص 389 و ص 405 و ص 442.
 - 9- فضل بن شاذان، الايضاح، ص 519.

بازی می کرد، قابل قبول است چراکه ابن مسعود از مهاجران بوده و به گفته خودش، ششمین نفری است که در مکه اسلام آورد. (1) بنابراین امکان دارد که تا قبل از هجرت سوره های مکی را از پیامبر صلی الله علیه و آله فراگرفته باشد؛ بنابراین سخن ابن مسعود پذیرفتنی است، اما دلالت بر آن ندارد که زیدبن ثابت بعدها نیز به جمع «کاتبان وحی» نپیوسته باشد.

مصحف ابوبکر و تحریف قرآن

شیوه جمع آوری قرآن در زمان ابوبکر (نگارش بر اساس شهادت دو شاهد) موجب اعتراض برخی شده است؛ آنان می گویند این شیوه جمع آوری عادتاً موجب تحریف قرآن می شود؛ چرا که امکان تبانی دو نفر بر سر افزودن برخی آیات به قرآن وجود دارد و اساساً چنین شیوه ای، روشی مناسب و مطمئن برای جمع آوری قرآن نیست؛ چراکه برای اثبات برخی امور جزئی تر، وجود دو شاهد، کافی نیست حال چگونه برای ثبوت آیه ای از آیات قرآن می توان به دو شاهد بسنده کرد. (2)

در ابتدا لازم است که مراد از دو شاهد مشخص شود چرا که در این باره نظرهای متعددی وجود دارد؛ از جمله آنکه مراد از دو شاهد یکی از حفظ و یکی از کتابت است (3) یا مراد آن است که دو نفر شهادت دهند که شخص این آیات را در سال آخر رسالت پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله بر او عرضه نموده است (4) یا مراد آن است که دو نفر شهادت دهند که نوشته در حضور پیامبر صلی الله علیه و آله نوشته شده است. (5)

ص: 122

1- علامه امینی، الغدير، ج 9، ص 11.

2- البيان، ص 257.

3- لمحات في تاريخ القرآن، ص 140.

4- همان

5- الاتقان، ج 1، ص 162

علاوه بر این گفته شده که مراد از دو شاهد، اولاً- کسی که آیات قرآن را آورده، خود یکی از شهود به شمار رفته است؛ چراکه وقتی ابو خزیمه یا خزیمه (1) آیات پایانی سوره توبه یا آیاتی از سوره احزاب را آورد، شهادت او به منزله دو شهادت به شمار رفت و این آیات از وی پذیرفته شد؛ در حالی که اگر مراد دو شاهد علاوه بر فرد ادعاکننده بود، نیاز به شهادت یک نفر دیگر نیز بود. ثانیة مراد از شاهد کسی است که شهادت دهد که نوشته در حضور رسول خدا صلی الله علیه و اله به نگارش در آمده است؛ چراکه زید بن ثابت می گوید: «من این آیات را حفظ بودم اما خزیمه شاهدهی بر این امر نداشت» (2).

استدلال اخیر نیز خالی از خدشه نیست؛ چراکه گویا علت پذیرش آیات قرآنی از خزیمه یا ابو خزیمه، شهادت زید بن ثابت یا عمر (3) بر وجود این آیات است و خود زید بن ثابت نیز تصریح می کند که من این آیات را از پیامبر صلی الله علیه و اله شنیده بودم (4) و ظاهراً باید سه نفر در آوردن آیات حضور می یافتند؛ فرد مدعی، شاهدهی که آیات را از زبان پیامبر صلی الله علیه و اله شنیده بود و دیگری شاهدهی که شهادت دهد این آیات در حضور پیامبر صلی الله علیه و اله به نگارش در آمده است؛ با این وصف شهادت ابو خزیمه در مقام مدعی و به عنوان شاهدهی که شهادت بر کتابت آیات در حضور پیامبر صلی الله علیه و اله دهد، مورد پذیرش واقع شد.

حال این سؤال مطرح است که آیا ادعای برخی که این گونه شاهد گرفتن دلیل بر عدم دقت در جمع آوری قرآن و در نتیجه راهیابی تحریف در آیات

ص: 123

-
- 1- گویا خزیمه صحیح تر است؛ چرا که اوست که پیامبر صلی الله علیه و اله او را ذو شهادتین نامید. او در جنگ بدر شرکت نمود و در جنگ صفین به شهادت رسید. الکافی، ج 7، ص 401
 - 2- درسنامه علوم قرآنی، ص 178.
 - 3- کتاب المصاحف، ص 94
 - 4- همان، ص 110.

قرآن است، صحیح است؟ این در حالی است که برخی از اهل تسنن، گرفتن دو شاهد را گواهی بر شدت ورع و تقوای (1) زید و حرص آنان بر صحت و سلامت نقل آیات قرآن (2) دانسته و روش ابوبکر را روشی کاملاً علمی و مطابق با روش های نوین و امروزی تحقیق بر شمرده اند. (3) باید گفت که اگر تنها راه رسیدن قرآن به نسل های آینده و تنها پشتیبان و سند صیانت قرآن این گونه جمع آوری می بود، این امر مستلزم راهیابی تحریف در قرآن است، اما اولاً قرآن تحریف ناپذیر است.

ثانیاً این گونه جمع آوری قرآن مستلزم تبانی افراد در ساختن آیات دروغین و اضافه آن به قرآن است؛ به عبارت دیگر مستلزم تحریف به زیاده است (نه به نقیصه) که تمامی علمای شیعی و اهل تسنن به اجماع وقوع چنین تحریفی را در قرآن منکر شده اند. همچنین وقوع تحریف به زیاده با محتوای آیات تحدی و نیز با تواتر قرآن در تعارض است؛ البته احتمال تبانی دو نفر بر حذف آیاتی از قرآن با این روش، بعید به نظر می رسد؛ چراکه چه بسا افراد دیگری آن آیات را بر زید بن ثابت عرضه کنند.

ثالثاً قرآن صدها شاهد از حافظه داشت، به گونه ای که به اجماع مسلمانان به طور متواتر به ما رسیده است و تردیدی در صحت آن وجود ندارد و گویا مراد از شاهد، فردی است که شهادت دهد، نوشته در حضور پیامبر صلی الله علیه و آله و با نظارت ایشان به نگارش در آمده بود. (4)

رابعاً این مصحف اولین مصحف گردآوری شده از آیات الهی نبود و مصاحف دیگر صحابه نیز در جامعه وجود داشت و مورد استفاده قرار می گرفت.

ص: 124

1- مباحث فی علوم القرآن، ص 75.

2- لمحات فی تاریخ القرآن، ص 138.

3- محمد حسین هیکل، زندگانی ابوبکر صدیق، ص 419.

4- البیان، ص 257.

در برخی گزارش ها آمده است که پس از گردآوری قرآن، ابوبکر یاران پیامبر صلی الله علیه و آله را جمع نمود و از آنان خواست تا نامی بر آن نهند. هریک از آنها نامی پیشنهادی کردند، ابن مسعود گفت: در مهاجرتی که به حبشه داشتیم، کتابی دیدم که مصحف خوانده می شد همگان موافقت کردند که نام آن را «مصحف» گذارند و از آن زمان «مصحف» به عنوان یکی از اسامی قرآن به کار رفت. (1)

قبل از بررسی این گزارش باید پرسید چرا ابوبکر در مورد نام گذاری مصحف باید دچار تردید شود؟ آیا قرآن تا پیش از این نام دیگری نداشت و آیا در خود قرآن به اسامی و عناوینی چون قرآن، کتاب و ... اشاره نشده بود؟ بنابر این اصل این گزارش مورد تردید است.

نکته دیگر آنکه همان گونه که گفته شد، در زمان حیات رسول خدا صلی الله علیه و آله گاه واژه مصحف به عنوان یکی از اسامی قرآن استعمال شده، گرچه از اسامی اختصاصی قرآن نبوده است؛ (2) بنابر این گزارش فوق که به گونه ای وانمود می کند که سایر اصحاب جز ابن مسعود با این نام آشنا نبودند، نمی تواند صحیح باشد؛ علاوه بر آن در زمان ابوبکر قرآنهاي نوشته شده متعددی از صحابه با عنوان «مصحف» وجود داشت.

نکته دیگری که در این زمینه باید بدان توجه داشت آن است که «مصحف» واژه‌ای عربی است و زبان مردم حبشه، عربی نبوده است تا بخواهند بر کتاب های خود این عنوان را قرار دهند. (3)

ص: 125

1- بدرالدین زرکشی، البرهان فی علوم القرآن، ج 1، ص 281-282.

2- رجوع شود همین کتاب، ص 9.

3- ر.ک: حقایقی مهم پیرامون قرآن، ص 95.

برخی گزارش‌ها و تحلیل‌ها در مورد انگیزه جمع‌آوری مصحف ابوبکر حاکی از آن است که انگیزه و هدف از جمع‌آوری، حفظ قرآن از تحریف و اقدامی برای اصلاح امور مردم بوده که این امر خدمت بزرگی به جامعه اسلامی به حساب می‌آید (1) اما باید توجه داشت که مصحف ابوبکر هرگز اولین مصحف جمع‌آوری شده نبود چرا که اولین جمع‌کننده تمامی آیات قرآن در مصحف واحد، حضرت علی علیه السلام بوده است.

از سویی شواهد حاکی از آن است که مصحف ابوبکر مصحفی کاملاً شخصی بود چرا که اولاً این مصحف هیچ‌گاه ترویج نشده و در دسترس مسلمانان قرار نگرفت (2)

دوم آنکه این مصحف، پس از ابوبکر، به عمر و بعد از او نزد حفصه ماند (3) و از روی آن نسخه برداری نشد البته برخی گفته‌اند که نسخه‌های متعددی از نسخه ابوبکر نسخه برداری شده است، (4) اما معروف و مشهور آن است که کسی جز ابوبکر، عمر و حفصه از آن استفاده نمودند و اگر چنین امری (نسخه برداری) وجود داشت، حتماً در یکسان‌سازی مصاحف به آن نسخه‌ها مراجعه می‌شد؛ چراکه حفصه از دادن مصحف ابوبکر به عثمان خودداری می‌نمود و ساده‌تر این بود که عثمان به جای اصرار و درخواست‌های مکرر از حفصه از نسخه‌های دیگر این مصحف استفاده کند.

شاهد دیگر بر شخصی بودن مصحف ابوبکر، گزارش ابن شهاب است که می‌گوید ابوبکر قرآن را در قرطاس‌هایی گرد آورده بود و از زید درخواست

ص: 126

1- حقایقی مهم پیرامون قرآن، ص 102-103؛ جمع‌آوری قرآن در اعصار مختلف www.erfanabad.org

2- تدوین القرآن، ص 135.

3- حقایقی مهم پیرامون قرآن، ص 103.

4- مسند احمد بن حنبل، ج 5، ص 134.

کرد تا در این نوشته ها بنگرد، زید بن ثابت اکراه داشت و ناچار ابوبکر از عمر درخواست کرد که زید را به این کار وادارد سپس زید این کار را انجام داد. (1)

این گزارش حاکی از آن است که ابوبکر مصحفی شخصی برای خود می خواست.

برخی در رد شخصی بودن مصحف ابوبکر، می گویند: علت آنکه عمر مصحف را به عثمان نداد و به حفصه سپرد، آن بود که در زمان مرگش خلیفه پس از وی مشخص نبود و عمر انتخاب خلیفه بعدی را به شورا واگذار کرد و اگر این مصحف، مصحفی شخصی بود، باید پس از ابوبکر به اولاد او می رسید، نه به عمر. (2) در واقع نگهداری این مصحف نزد ابوبکر سپس عمر و بعد حفصه از آن جهت بود که زمان استفاده از آن یعنی خطر سقوط یا حذف برخی از آیات، برسد. (3)

نظر فوق، نظر قابل قبولی نمی باشد چراکه عمر می توانست مصحف را به شورا بسپارد و شورا آن را به فرد منتخب دهد نه آنکه آن را به دخترش سپارد و او نیز پس از انتخاب خلیفه سوم آن مصحف را به خلیفه منتخب ندهد. اصرار عمر بر نوشتن مصحف، اینکه ابوبکر مصحف خویش را بعد از مرگ به عمر سپرد، اصرار و درخواست عثمان برای امانت گرفتن مصحف ابوبکر از حفصه و سپس بازگرداندن به او، همه این امور به وضوح حاکی از آن است که این مصحف ابتدا برای خود شخص به نگارش درآمده است چرا که اگر چنین مصحفی برای استفاده خلفا بود، نیازی به اصرار عثمان و بازگرداندن آن به حفصه نبود.

ص: 127

1- احمد بن محمد طحاوی، شرح مشکل الآثار، ج 3، ص 4؛ همان، ج 5، ص 138.

2- لمحات فی تاریخ القرآن، ص 142.

3- همان

گسترش فتوحات اسلامی در دهه دوم و سوم هجری و گرایش روزافزون مردم به اسلام، موجب شد تا افراد تازه مسلمان که بسیاری عرب زبان نبودند، به کتابت و قرائت قرآن پردازند و از آنجا که در آن روزگار، کتابت، ابتدایی و از هرگونه نقطه، اعراب و علائم مشخصه، خالی بود، اختلاف قرائات گسترده شد و نزاع هایی بر سر قرائت صحیح آیات بین مسلمانان رخ داد و هر گروه در صدد اثبات صحت قرائت خویش برآمدند. (1)

حذیفه بن الیمان (2) که فرمانده سپاه عراق در جنگ ارمنستان و آذربایجان بود، اختلاف سپاهیان در قرائت قرآن را در هنگامه جنگ، مشاهده نمود و زمانی که نزد عثمان بازگشت، به او گفت: ای امیر مؤمنان! امت اسلام را دریاب قبل از آنکه در کتاب دینی خود مانند یهود و نصارا اختلاف نمایند. (3)

در برخی از گزارش ها آمده که حذیفه بن الیمان همراه با سعید بن عاص به سوی آذربایجان رفتند و چون برگشتند، حذیفه به سعید گفت: در این سفر مردم را در حالتی دیدم که اگر رها شوند، درباره قرآن هرگز به توافق نمی رسند. گروهی از اهالی حمص، گمان می کردند که قرائت آنها بهتر از قرائت دیگران است و اهل دمشق، کوفه و بصره نیز شبیه همین سخن را می گفتند. زمانی که حذیفه و سعید به کوفه رسیدند، حذیفه مردم را از این اختلاف آگاه کرد. اصحاب رسول خدا صلی الله علیه و آل و بسیاری از تابعان با او در یگانه کردن مصاحف موافقت کردند، اما ابن مسعود با حذیفه به شدت

ص: 131

1- لمحات فی تاریخ القرآن، ص 153.

2- حذیفه از اصحاب سر رسول خدا صلی الله علیه و آله و خواص امیر المؤمنین علیه السلام بود که آگاه به اسامی منافقان بود؛ تدوین القرآن، ص 311-313

3- صحیح البخاری، ج 6، ص 99: مناهل العرفان فی علوم القرآن، ج 1، ص 259-260.

برخورد کرد و سعید خشمگین شد. حذیفه نزد عثمان رفت و آنچه را که دیده بود به او گزارش نمود. (1)

عثمان خطبه ای خواند و گفت: «شما که نزد من هستید، در قرآن اختلاف می کنید و آن را غلط می خوانید، مردم شهرهایی که از من دور هستند، بیشتر از شما در قرآن اختلاف خواهند کرد و آن را غلط خواهند خواند. ای اصحاب محمد صلی الله علیه و اله همگی جمع شوید و برای مردم نسخه ای را که امام و پیشوا باشد، بنویسید.» (2)

عثمان، پیشنهاد توحید (یکسان سازی) مصاحف را با صحابه در میان گذاشت و تمامی آنان با وی موافقت کردند. در برخی منابع اهل سنت آمده است که حضرت علی علیه السلام فرمودند: همگی ما با کاری که عثمان درباره مصاحف انجام داد، موافقت بودیم. (3)

البته عثمان با ابن مسعود در این امر مشورت نکرد؛ برخی علت این امر را حضور ابن مسعود در هنگام جمع آوری قرآن در کوفه (4) و عدم مهارت وی در نگارش آیات دانسته اند و گفته اند که او تنها در قرائت قرآن مهارت داشت. (5) عثمان کمیته ای تشکیل داد که افراد آن «زید بن ثابت»، «عبدالله بن زبیر»، (6) «سعید بن عاص» (7) و

ص: 132

1- عزالدین ابن اثیر، الکامل، ج 3، ص 111-112.

2- کنز العمال، ج 2، ص 582.

3- کتاب المصاحف، ص 22.

4- سیر اعلام النبلاء، ج 1، ص 349.

5- معرفة القراء، ج 1، ص 35.

6- عبدالله بن زبیر در سال اول و یا دوم هجرت متولد شد. او اولین نوزاد از مهاجران در مدینه بود و در سال هفتاد و سه هجری در مکه کشته شد. الاستیعاب فی معرفة الأصحاب، ج 3، ص 905 و 907.

7- پدر سعید یعنی عاص بن سعید بن امیه که در زمان جاهلیت در همسایگی پیامبر صلی الله علیه و اله بود و آن حضرت را آزار و اذیت می نمود، در جنگ بدر توسط امیرالمؤمنین علیه السلام کشته شد. (اسد الغابة، ج 2، ص 310)، او (سعید) یکی از اشراف قریش به شمار می رفت و عثمان او را والی کوفه کرده بود. همان، ج 2، ص 624-621.

«عبدالرحمن بن حارث» (1) بودند (2) و به آنان دستور داد که چون قرآن به زبان قریش نازل شده است، اگر با زید بن ثابت (غیر قرشی) اختلاف نمودند، قرآن را به زبان قریش بنویسند. (3)

بنابر گزارش محمدبن سیرین، عثمان دوازده نفر از قریش و انصار را برای این کار گرد آورد و آنها مصاحف متعددی نوشتند، اما اسامی این دوازده نفر را بیان نمود. (4) بررسی گزارش ها نشان می دهد که آنان عبارت اند از: «زید بن ثابت»، «سعید بن عاص»، «عبدالله بن زبیر»، «عبدالرحمن بن حارث»، «ابی بن کعب»، «مالک بن ابی عامر»، «کثیر بن افلح»، «انس بن مالک»، «عبدالله بن عباس» و «عبدالله بن عمرو». (5) البته گزارش های دیگر، افراد دیگری همچون «مالک بن ابی عامر»، «کثیر بن افلح»، «عبدالله بن عباس»، «عبدالله بن عمر» و «عبدالله بن عمرو بن عاص» را نیز نام برده اند. (6)

به نظر می رسد چهار نفر نخست، هسته مرکزی تدوین و نگارش مصاحف عثمانی را بر عهده داشته و سایر افراد برای کمک به آنان و نوشتن نسخه های قرآنی افزوده شده اند. (7) البته برخی معتقدند زید بن ثابت تنها عهده دار نگارش آیات بود و بنا بر توصیه عثمان در صورت بروز اختلاف میان او و دیگران، نظر دیگران بر نظر او ترجیح می یافت. (8) اما اینکه او تنها

ص: 133

1- عبدالرحمن بن حارث بن هشام مخزومی هنگام رحلت پیامبر ده ساله بود؛ (الاستیعاب فی معرفة الاصحاب، ج 2، ص 827)؛ پدرش در طاعون عمواس در گذشت و از او تنها عبدالرحمن به جا ماند، عمر بن خطاب، زینب (مادر عبدالرحمن) را به همسری گرفت و عبدالرحمن در خانه عمر بزرگ شد. الطبقات الکبری، ج 2، ص 357.

2- تاریخ قرآن، ص 417-419

3- البرهان فی علوم القرآن، ج 1، ص 376: الاتقان، ج 1، ص 166: صحیح البخاری، ج 6، ص 99.

4- الطبقات الکبری، ج 3، ص 502؛ کتاب المصاحف، ص 25.

5- الاتقان، ج 1، ص 165؛ تاریخ قرآن، ص 420؛ التمهید فی علوم القرآن، ج 1، ص 339.

6- ترجمه رسم الخط مصحف، ص 105.

7- همان، ص 104

8- تدوین القرآن، ص 332.

نگارنده باشد و در توحید قرائات نقشی نداشته باشد صحیح به نظر نمی رسد چون اگر چنین می بود نظر او درباره قرائات اهمیتی نمی یافت تا بخواهند در مقام چاره جویی، رأی قرشیان را بر نظر او ترجیح دهند.

برخی مشارکت «ابی بن کعب» در جمع آوری قرآن در زمان عثمان را مورد تردید قرار داده اند؛ چراکه بنا بر برخی از گزارش ها او در زمان عمر از دنیا رفته است؛⁽¹⁾ از این روی برخی گفته اند «محمد بن ابی» فرزند او، در توحید مصاحف نقش داشته است.⁽²⁾

پس از انتخاب این افراد، عثمان شخصی را نزد حفصه فرستاد و مصحف ابوبکر را با اصرار از او گرفت تا از روی آن نسخه برداری نمایند و قسم یاد نمود که آن را بر می گردانند.⁽³⁾ از مصاحف موجود در منزل رسول خدا صلی الله علیه و اله نیز در این گردآوری یاری جستند.⁽⁴⁾ برخی افراد یکی از منابع توحید مصاحف را مصحف امام علی علیه السلام دانسته اند،⁽⁵⁾ اما با توجه به امتناع آن حضرت از عرضه مجدد مصحف خود، این امر بعید به نظر می رسد.

به این ترتیب چهار یا پنج و بنا بر نقلی هفت مصحف⁽⁶⁾ از قرآن به نگارش در آمد و به مکه، شام، یمن، بحرین، بصره و کوفه فرستاده شد و یکی از آنها را در مدینه نگاه داشتند.⁽⁷⁾

ص: 134

-
- 1- ترجمه رسم الخط مصحف، ص 105.
 - 2- تدوین القرآن، ص 322.
 - 3- کتاب المصاحف، ص 94.
 - 4- تاریخ قرآن، ص 446. برخی یکی از مهم ترین منابع جمع آوری قرآن را مصحف حضرت علی علیه السلام دانسته اند (علی کورانی، قرآن علی، ص 135) اما چنین گزارشی مورد تردید جدی است چراکه حضرت علی علیه السلام از عرضه آن به عمر و سایر افرادی که درخواست دیدن آن را داشتند، خودداری نمودند حال چگونه ممکن است که مصحف خویش را در اختیار عثمان قرار داده باشند.
 - 5- همان، ص 135.
 - 6- لمحات فی تاریخ القرآن، ص 156.
 - 7- کتاب المصاحف، ص 134.

در مورد اعتبار مصاحف نوشته شده در زمان عثمان به دلیل برخی گزارش‌ها، ابهاماتی وجود دارد که به برخی از آنها اشاره می‌شود:

مخالفت صحابه

گزارش‌های تاریخی نشان می‌دهد که ابن مسعود با عثمان در جمع‌آوری مصاحف همراهی نکرد و این عدم همراهی باعث شده است که برخی بگویند مخالفت برخی از صحابه از جمله ابن مسعود با یکسان‌سازی مصاحف، دلیل بر ناسازگاری مصاحف عثمانی با قرآن نازل شده بر رسول خدا صلی الله علیه و اله و عدم وثوق آن مصاحف است. (1)

در رد این دیدگاه باید گفت: اولاً مخالفت هیچ فرد دیگری از اصحاب رسول خدا صلی الله علیه و اله جز ابن مسعود با یکسان‌سازی مصاحف گزارش نشده است.

دوم آنکه ابن مسعود بعدها با این مصاحف موافقت کرد؛ (2) اگر این مصاحف در نظر وی فاقد اعتبار بود و یا مخالفتی با قرآن نازل شده بر رسول خدا صلی الله علیه و اله داشت، موافقت او پس از گذشت مدتی چه معنایی دارد؟

سوم آنکه به نظر می‌رسد علت مخالفت ابن مسعود، اختلاف نظر و انتقادهای وی به عثمان بوده است؛ چراکه او همواره به مدیریت‌های مالی عثمان اعتراض می‌کرد تا جایی که عثمان فرمان داد او را بزنند به گونه‌ای که دنده‌هایش شکسته شد، پس مخالفت وی با توحید مصاحف نیز به گونه‌ای مخالفت با خود عثمان بوده است.

البته برخی گمان کرده‌اند که نارضایتی ابن مسعود فقط به خاطر انتخاب زید بن ثابت بوده است، چرا که می‌گفت: «آیا مرا کنار می‌گذارند و در جمع قرآن فراموش می‌کنند در حالی که از زبان پیامبر هفتاد سوره را آموختم و زید بن ثابت با کودکان دیگر بازی می‌کرد.» (3) اما انتخاب زید یکی از علل

ص: 135

1- جمع القرآن، ص 175

2- کتاب المصاحف، ص 82؛ مناهل العرفان فی علوم القرآن، ج 1، ص 469.

3- کتاب المصاحف، ص 75-81

مخالفت ابن مسعود بوده است نه یگانه دلیل آن؛ چراکه ابن مسعود قبل از پیشنهاد توحید مصاحف و تشکیل کارگروه جمع قرآن، با حدیثی که در مسجد طرح توحید مصاحف را مطرح نموده بود، مخالفت کرده بود. (1)

اغلاط مصاحف عثمانی

در برخی از گزارش‌ها آمده است که مصاحف عثمانی دارای غلط و اشتباه در نگارش بوده و یا مخالف با قواعد عربی است؛ به عنوان مثال وقتی مصحف‌های نوشته شده را بر عثمان عرضه کردند، عثمان در آن مصاحف چند حرف غلط پیدا کرد و گفت: «آنها را تغییر ندهید؛ زیرا که عربها به زودی آنها را در قرائت خود درست خواهند کرد. اگر کاتب از قبیله ثقیف بود و املاکننده از قبیله هذیل چنین حروفی در آن پیدا نمی شد.» (2)

هشام بن عروه بن زبیر از پدرش نقل می کند که از عایشه، درباره خطای اعراب این آیات پرسیدم:

«إِنَّ هَذَا لَسَاحِرَانِ» (3)، «وَالْمُقِيمِينَ الصَّلَاةَ وَالْمُؤْتُونَ الزَّكَاةَ»، (4) و «إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَالَّذِينَ هَادُوا وَالصَّابِئُونَ» (5) او در پاسخ گفت: ای پسر خواهر من! این کار کاتبان است که در نوشتن آیات خطا کرده اند. (6)

همچنین زبیر بن ابی خالد می گوید: به ابان بن عثمان گفتم: چگونه است که در آیه: «لَكِنَّ الرَّاسِخُونَ فِي الْعِلْمِ مِنْهُمْ وَالْمُؤْمِنُونَ يُؤْمِنُونَ بِمَا أُنزِلَ إِلَيْكَ وَ مَا أُنزِلَ

ص: 136

1- همان، ص 70-71.

2- کتاب المصاحف، ص 32-33: الاتقان، ج 2، ص 270.

3- طه، آیه 63 «گفتند: اینان دو جادو گرند». بنابر نظر برخی باید چنین باشد: «إِنَّ هَذَيْنِ لَسَاحِرَانِ».

4- نساء، آیه 162 «نماز بخوانند و زکات بدهند». بنابر عطف به ما قبل باید چنین باشد: «وَالْمُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَالْمُؤْتُونَ الزَّكَاةَ»

5- مائده، آیه 69 «بدرستی منافقینی که بظاهر ایمان آوردند و آنان که یهودی گری را اختیار کردند و همچنین بی دینان». بنابر عطف به وَ الَّذِيْنَ هَادُوا باید چنین باشد: وَالصَّابِئِينَ

6- کتاب المصاحف، ص 34، همان، ص 104.

مِنْ قَبْلِكَ وَالْمُقِيمِينَ الصَّلَاةَ وَالْمُؤْتُونَ الزَّكَاةَ» (1) قبل و بعد «مُقِيمِينَ» رفع دارد ولی خود آن منصوب است؟ گفت: این کار از سوی کاتب بوده که وقتی قبل آن را نوشته، پرسیده است که چه بنویسم؟ گفته شده است: بنویس (وَالْمُقِيمِينَ الصَّلَاةَ) و او هم آنچه را که گفته شده، نوشته است. (2)

بدلیل وجود چنین گزارشی هایی برخی از علمای اهل تسنن همانند «فراء» (3)، «ابن قتیبه» (4) و «ابن خلدون» (5) و برخی از علمای شیعه همانند «آیت الله معرفت» (6) معتقدند که قرآن مشتمل بر اشتباهات املائی است.

از کلام ابن خلدون چنین بر می آید که او معتقد است که در صدر اسلام، کتابت، دارای نظام و اصول خاصی بوده است که در اختیار کاتبان و خط نویسان بوده اما صحابه نتوانسته اند این نظام کتابت را به خوبی فرا گرفته و استفاده کنند در نتیجه در مصحف تغییراتی پدید آمد که در دوره های بعدی مخالف با قواعد به شمار می رود. (7)

بررسی نظرات گوناگون درباره گزارش های نقل شده، حاکی از آن است که برخی از صاحب نظران گزارش های فوق را مرسله، ضعیف و غیر قابل استناد دانسته اند؛ چراکه ابن یعمر و عکرمه که گزارش اول را از عثمان نقل کرده اند نه عثمان را دیده و نه از او چیزی شنیده اند. (8)

ص: 137

-
- 1- نساء، آیه 162 «اما آنهايي که علم در دلهاشان رسوخ یافته بود و دارای ایمان واقعی بودند از آنجایی که همین ایمان واقعی وادارشان می کند به اینکه بدانچه به تو نازل شده و آنچه قبل از تو به عیسی نازل شده بود ایمان بیاورند و نیز نماز بخوانند و زکات بدهند».
 - 2- کتاب المصاحف، ص 33.
 - 3- معجم مقاییس اللغة، ص 11.
 - 4- ابن قتیبه عبدالله بن مسلم، تأویل مختلف القرآن، ص 40-41
 - 5- ابن خلدون، تاریخ ابن خلدون، ج 1، ص 419.
 - 6- محمدهادی معرفت، علوم قرآنی، ص 168.
 - 7- ترجمه رسم الخط مصحف، ص 190.
 - 8- عثمان بن سعید دانی، المقنع فی رسم المصاحف الامصار، ص 122.

از سویی دیگر، برخی در دلالت این روایات مناقشه کرده اند، چراکه خطا در نگارش قرآن، نسبتی ناروا به صحابه بوده و یا به معنای اجماع بر خطای آنان (1) و یا اهانت به عثمان است. (2) همچنین بر این باورند که اشتباه در نگارش، موجب اشتباه در قرائت نیز خواهد شد؛ (3) لذا مراد از «لحن» در این روایات را لحن در لهجه (4) و تلاوت قرآن و نه رسم الخط آن دانسته اند (5) البته برخی احتمال تحریف کلام عثمان را مطرح نموده (6) و برخی نیز گفته اند مراد عایشه از (خطاوا) خطا در انتخاب حرف اول از حروف هفت گانه است. (7)

عبدالعزیز الدبایغ در مورد رسم الخط قرآنی می گوید: «رسم الخط قرآن سری از اسرار خداوند و خاص قرآن است و تعیین آن از پیامبر صلی الله علیه و اله است. آن حضرت دستور داده است که قرآن را به این شکل بنویسند و صحابه و دیگران به اندازه سر مویی در رسم الخط مصحف دخالت نداشته اند». (8)

زرقانی این نظر را به همه علما نسبت داده است. (9) برخی نیز گفته اند که چون خلفا و صحابه با پادشاهان و ایران نامه نگاری می کردند و ناچار باید نوشتن را به خوبی دانسته باشند؛ در زمان عثمان بیش از یک ربع قرن از اشتغال مردم جزیره العرب به امر نوشتن گذشته بود و معقول نیست که صحابه در این مدت طولانی، نوشتن را به درستی فرا نگرفته باشند. (10)

ص: 138

-
- 1- کتاب المصاحف، ص 76.
 - 2- الاتقان، ج 2، ص 270.
 - 3- همان، ج 2، ص 271.
 - 4- کتاب المصاحف، ص 32. منظور از «لحن در لهجه» خطای در نحوه تلفظ برخی کلمات است.
 - 5- المقنع فی رسم المصاحف الامصار؛ عبدالصبور، شاهین، تاریخ القرآن، ص 156.
 - 6- الاتقان، ج 2، ص 272.
 - 7- همان، ج 2، ص 272-273.
 - 8- مناهل العرفان فی علوم القرآن، ج 1، ص 375-376.
 - 9- همان، ج 1، ص 375-376.
 - 10- محمد طاهر الکردی، تاریخ الخط العربی، ص 101-102.

افرادی چون ابوالعباس مراکشی معروف به ابن البنا (م 721 ه.ق) در کتاب عنوان الدلیل فی مرسوم التنزیل (1) تلاش کرده اند تا اسرار آن را کشف کنند. وی می گوید: افزودن «الف» در «لاذبحنه» دلالت بر آن دارد که ذبح واقع نشده است و افزودن «یا» در «و السماء بنیناها باید» (2) برای اشاره به تعظیم قدرت الهی است که به وسیله آن، آسمان را بنا نهاده است و با هیچ قدرت و نیروی دیگر مشابهت ندارد و این به مقتضای قاعده معروف «زیادة المبانی تدل علی زیادة المعانی است.» (3)

از سویی برخی همچون صبحی صالح با این نظر به مخالفت پرداخته اند و آن را غلو، مبالغه و تکلف درباره تقدیس و پاکی رسم الخلط قرآن دانسته است (4) ابن خلدون نیز این مطالب را بی اساس و گفتاری غیر قابل توجیه و ناشی از عدم آگاهی به ویژگی های خط در زمان نگارش قرآن دانسته است. (5)

در جمع بندی و نگاه کلی درباره وجود اغلاط در مصاحف عثمانی به چند نکته باید توجه نمود:

الف. گزارش ها و نقل های ذکر شده به صراحت وجود غلط در نگارش قرآن را بیان می کند و این احتمال که مراد از «لحن»، «لحن در قرائت» و مراد از «خطا»، اشتباه در انتخاب یکی از احرف سبعة باشد، مردود است؛ زیرا همه گزارش ها اشاره به مصحف و قرآن نوشته شده دارد؛ از این رو خطای در آن قطعا به معنای خطای در نگارش است، نه در قرائت گزارش ها و روایات

ص: 139

-
- 1- البرهان فی علوم القرآن، ج 1، ص 380-430.
 - 2- ذاریات، آیه 47 «در آسمان هم آیتی است که ما با قدرت خود بنایش کردیم».
 - 3- معنای این قاعده آن است که هرگاه حروف کلمه ای افزون گردد، معانی آن نیز افزون می گردد؛ به عبارت دیگر هرگاه حروفی بر حروف اصلی کلمه ای اضافه شود، بر معنای اصلی آن کلمه نیز افزوده می شود و لذا کلماتی همچون «کسر» و «کسر» در معنا با یکدیگر متفاوت اند. تاریخ ابن خلدون، ص 419؛ مناهل العرفان فی علوم القرآن، ج 1، ص 367.
 - 4- صبحی صالح، مباحث فی علوم القرآن، ص 277.
 - 5- تاریخ ابن خلدون، ص 419؛ همان، ص 438.

«احرف سبعة» نیز از نظر ائمه علیهم السلام مردود و نظریه نزول قرآن بر هفت حرف غیر قابل پذیرش است.

ب. رسم الخط قرآن، توقیفی نبوده و آنچه بر رسول خدا صلی الله علیه و اله نازل شده، قرآنی شفاهی بوده است نه کتبی، بنابر این اعتقاد به ورود خطا و اشتباه در نگارش قرآن، اهانت به ساحت مقدس قرآن نیست و دلایلی بر خلاف این امر وجود دارد.⁽¹⁾

ج. باور بسیاری از افرادی که وجود خطا در نگارش مصاحف عثمانی را منکر شده اند، آن است که صحابه همه عادل بوده و خطایی در کار آنها وجود ندارد اما نظریه عدالت صحابه با توجه به مبانی کلامی شیعه مردود بوده و حتی بر فرض عدالت تمامی اصحاب رسول خدا صلی الله علیه و اله خطا در رسم الخط مصاحف عثمانی لطمه ای به عدالت آنان وارد نمی نماید؛ چراکه این امر، امری عبادی نیست.

د. برخی از خطاهای نگارشی ذکر شده، به دلیل عدم موافقت آنها با قواعد نحوی است و نیک می دانیم که چون قرآن منبع و اصل است، قواعد عربی باید طبق آن نگاشته شود و برای بررسی صحت آن به قرآن مراجعه شود نه عکس آن.

ذ. تعداد قابل توجهی از این خطاها به جهت ویژگی های رسم الخطی آن زمان همانند عدم وجود الف در وسط کلمات است.

به هر حال، وجود برخی خطاها در نگارش مصاحف عثمانی مسلم است و جای این سؤال وجود دارد که «آیا کتاب خدا شایسته سعی و اهتمام بیشتری نبود تا اینکه از اشتباه املائی و لهجه های مختلف خالی باشد؟ علاوه بر این، این آرزوی عثمان چه معنایی دارد؟ آیا او نمی توانست از اول، املا کننده ای از هذیل و نویسندگانی از ثقیف را انتخاب کند، در حالی که کفایت و شایستگی

ص: 140

آنان را برای انجام این کار می دانست؛ ولی او به جای این افراد شایسته، کسانی را از اطرافیان خود انتخاب کرد.»⁽¹⁾

گرچه این خطاها در عصر نگارش، با تعلیمات قاریان قرآن و در دوره های پس از آن با علائم نگارشی جبران شده است بنابراین در قرآن نازل شده بر پیامبر، خطا و باطلی راه نیافته است اما برخی راه افراط در پیش گرفته و فوایدی برای وجود این غلط های نگارشی ذکر کرده اند؛ از جمله آنکه مانع قرائت قرآن توسط اهل کتاب می شود و یا آنکه این خطاها موجب عدم امکان تلاوت قرآن، جز با تعلیم و فراگیری از استاد است و شأن هر دانش نفیس و با ارزشی آن است که از دسترس عموم محفوظ باشد.⁽²⁾ البته واضح است که هیچ یک از موارد ذکر نشده، با رسالت و جایگاه قرآن همخوانی ندارد.

سوزاندن مصاحف

برخی از گزارش ها حاکی از آن است که در زمان عثمان مصحف های مختلفی از قرآن، وجود داشته است و عثمان پس از جمع آوری قرآن، سایر مصاحف را سوزاند؟⁽³⁾ سوزاندن سایر مصاحف نشان می دهد که مصاحف صحابه با مصاحف عثمانی متفاوت بوده و مطالبی زیاده تر یا کمتر داشته است و این امر بیانگر تحریف قرآن است.

سوزاندن یا از بین بردن مصحف ها با آب و سرکه به دستور عثمان در کتاب های تاریخی متعددی چون تاریخ ابن خلدون،⁽⁴⁾ الکامل ابن اثیر⁽⁵⁾ و سایر کتاب های اهل تسنن بیان شده⁽⁶⁾ و برخی علت این اقدام عثمان را جلوگیری

ص: 141

1- تاریخ قرآن، ص 108.

2- همان، ص 131.

3- از همین روی به وی «حراق المصاحف» گویند.

4- تاریخ ابن خلدون، ج 2، ص 136.

5- تاریخ الکامل فی التاریخ، ج 3، ص 112.

6- مصطفی دیب البغاء، الواضح فی علوم القرآن، ص 93.

از اختلاف و تردید در قرآن دانسته اند. (1) چراکه عثمان گفت: «من آنچه در نزد من بود از بین بردم پس شما نیز آنچه در نزدتان است، از بین ببرد.» (2)

از سویی گرچه تفاوتی بین مصحف اصحاب با مصاحف عثمانی وجود داشته است اما این تفاوت فقط از جهت وجود یا عدم وجود عبارات توضیحی در آن مصاحف بوده و ظاهراً ترس آمیختگی این گونه توضیحات با متن قرآن، دلیل انجام این کار بوده است. (3)

علاوه بر آن، این کار در حضور اصحاب صورت گرفت و اگر از بین بردن مصاحف باعث از بین رفتن مقداری از قرآن می بود، محال بود هیچ یک از صحابه رسول خدا صلی الله علیه و اله اعتراضی ننمایند؛ این در حالی است که بنابر برخی از گزارش های تاریخی، اصحاب پیامبر صلی الله علیه و اله حتی بر سر حذف شدن یک حرف یا یک کلمه از قرآن نیز کوتاه نمی آمدند.

بنابراین باید گفت که اصحاب رسول خدا صلی الله علیه و اله اصل این اقدام (توحید مصاحف) را تأیید نموده اند اما نمی توان گفت که سوزاندن و از بین بردن سایر مصاحف نیز مورد تأیید آنان بوده است و یا ادعا نمود که در مورد سوزاندن سایر مصاحف بین صحابه، اجماع وجود داشت.

تغییر مصاحف عثمانی به وسیله حجاج

برخی بر این باورند که حتی اگر مصاحف عثمانی بدون خطا جمع آوری شده باشد، این امر مانع از آن نیست که بعدها نیز این مصاحف تغییر نکرده باشد. بنابر برخی گزارش ها «حجاج بن یوسف ثقفی» برخی از حروف مصاحف عثمانی را تغییر و برخی را جا انداخت. او پس جمع آوری مصاحف عثمانی، شش مصحف به نگارش در آورد و آن را به مراکز اصلی

ص: 142

1- محمد ابوزهره، معجزه بزرگ، ص 63؛ ادیب علاف، البیان فی علوم القرآن، ص 143.

2- محمد بن جریر طبری، جامع البیان، ج 1، ص 22.

3- محمد بن جریر طبری، جامع البیان، ج 1، ص 22.

مناطق اسلامی ارسال کرد. هدف او از این کار، تملق و چاپلوسی نزد خلفای بنی امیه و از بین بردن آیات یا عباراتی بود که ناخوشایند آنها بوده است؛ (1) از عوف بن ابی جمیله، نقل شده است که حجاج در مصاحف عثمانی یازده حرف را تغییر داد: در سوره بقره «لَمْ يَتَسَنَّ وَ انْظُرْ» بود و حجاج آن را به «لَمْ يَتَسَنَّه» تغییر داد. در سوره مائده «شَرِيعَةً وَ مِنْهَا جَاءُ» بود و حجاج آن را به «شَرِيعَةً وَ مِنْهَا جَاءُ» تغییر داد؛ در سوره یونس «هُوَ الَّذِي يَنْشُدُّكُمْ» بود و حجاج آن را به «يُسَدُّ بِرُكْمٍ» تغییر داد. در سوره یوسف «أَنَا آتِيكُمْ بِتَأْوِيلِهِ» بود و حجاج آن را به «أَنَا أُتِيئُكُمْ بِتَأْوِيلِهِ» تغییر داد. در سوره مؤمنین «سَيَقُولُونَ لِلَّهِ لِلَّهِ اللَّهُ» بود و دیگران «اللَّهُ اللَّهُ» را قرار دادند. در سوره شعراء در قصه نوح «مِنَ الْمُخْرَجِينَ» و در قصه لوط «مِنَ الْمُخْرَجِينَ» بود و حجاج آن را در قصه نوح به «مِنَ الْمَرْجُومِينَ» و در قصه لوط به «مِنَ الْمُخْرَجِينَ» تغییر داد، در سوره زخرف «نَحْنُ قَسَدٌ مِّنَّا بَيْنَهُمْ مَعَانِسُهُمْ» بود و حجاج آن را به «مَعِيشَتُهُمْ» تغییر داد، در سوره محمد «مِنَ مَاءٍ غَيْرِ يَسِينٍ» بود که حجاج آن را به «مِنَ مَاءٍ غَيْرِ آسِينٍ» تغییر داد. در سوره حدید «فَالَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَأَتَّقُوا لَهُمْ أَجْرٌ كَبِيرٌ» بود که حجاج آن را به «مِنْكُمْ وَأَتَّقُوا» تغییر داد، در سوره تکویر «وَمَا هُوَ عَلَى الْغَيْبِ بِظَنِينٍ» بود که حجاج آن را به «بِظَنِينٍ» تغییر داد.

باید توجه نمود که تغییر مصاحف عثمانی توسط حجاج، ادعایی است که هیچ دلیل و گزارش قابل توجهی آن را تأیید نمی کند (2) چراکه وقوع چنین امری در جامعه اسلامی موجب مخالفت مسلمانان و اعتراض آنان می شد و گزارش آن به تواتر در کتاب ها بیان می گردید حال آنکه چنین گزارش هایی وجود ندارد.

ص: 143

1- زرقانی محمد عبد العظیم، همان، ج 1، ص 257-258.

2- المناهل العرفان في علوم القرآن، ج 1، ص 265.

گزارش نقل شده از عوف نیز، از نظر سند، دارای ضعف است چراکه «عباد بن صهیب» آن را نقل کرده است و او در کتاب های رجالی تضعیف شده است.⁽¹⁾ علاوه بر آن موارد تغییر یافته که در این گزارش ادعا شده هیچ کدام مرتبط با بنی امیه و یا مخالفان آنان نیست.

از سوی دیگر حجاج تنها فرمانروای برخی از مناطق اسلامی بوده و قدرت او محدود به همان مناطق بوده است، پس تنها می توانست مصاحف را از همان نقاط جمع آوری کند نه از تمام ممالک اسلامی؛⁽²⁾ حتی بر فرض آنکه حجاج اقدام به چنین کاری کرده باشد اما او چگونه می توانست قرآن را از قلب ها و حافظه های مردم جمع آوری نماید؛ در حالی که در عصر او هزاران حافظ قرآن وجود داشت؟⁽³⁾

اختلاف مصاحف عثمانی

گزارشاتی که ویژگی های مصاحف عثمانی را بیان می کند حاکی از وجود اختلافاتی نه چندان زیاد، میان مصاحف عثمانی است⁽⁴⁾ که برخی از این اختلافات در کتابها نقل شده است.⁽⁵⁾

گروهی از اهل تسنن معتقدند که این اختلافات نه به جهت خطای نگارندگان بلکه بر اساس حکمتی بوده است، برخی آن را نتیجه گوناگون خواندن قرآن توسط رسول خدا صلی الله علیه و اله در زمان های مختلف دانسته و برخی این امر را ناشی از نزول قرآن بر هفت حرف دانسته اند.⁽⁶⁾

ص: 144

1- جمع القرآن، ص 211

2- المناهل العرفان فی علوم القرآن، ج 1، ص 267.

3- همان

4- مجید معارف، مقدمه ای بر تاریخ اختلاف قرائت قرآن، مقالات و بررسی ها، ص 16.

5- ابن ابی داود سجستانی، همان، ص 144.

6- مجید معارف، همان، ص 17.

اما در مورد توجیه این اختلافات بر اساس روایات «احرف سبعة» باید گفت که اولاً روایات «احرف سبعة» روایاتی جعلی است که در قرن دوم هجری توسط زنادقه وضع شده است. (1)

ثانیاً به فرض صحت این روایات، برخی از علمای اهل تسنن بر ترک شش حرف در مصاحف عثمانی و نگارش آن بر اساس یک حرف از حروف هفتگانه تصریح نموده اند. (2)

ثالثاً اختلاف این مصاحف ناشی از عدم دقت و مقابله صحیح میان مصاحف عثمانی بوده است؛ (3) چراکه ابن ابی داود روایت می کند که برخی از مصاحف عثمانی قبل از مقابله، به برخی از نقاط فرستاده شد. (4)

برخی از علمای اهل تسنن همچون ابن قتیبه، (5) ابن خلدون (6) نیز به این امر به تلویح یا به تصریح اشاره نموده اند.

بنابر این اختلاف در مصاحف عثمانی، به معنای اختلاف مسلمانان در مورد محتوای آیات نیست بلکه اختلاف بر سر قرائات آیات بوده است که به سبب سهو و اشتباه کاتبان و عدم مقابله دقیق نسخه ها به وجود آمده است. با توجه به آنچه در مورد اختلاف مصاحف عثمانی گفته شد یکی از سؤالات آن است که قرآن موجود که در دست مسلمانان است مطابق با کدام یک از مصاحف عثمانی است؟

آیت الله معرفت در این زمینه می گوید:

«مصحفنا الیوم بتوافق - اکثریا - مع مصحف الكوفة سوی مواضع نرمز إليها؛

ص: 145

1- همان، ص 18.

2- محمد بن محمد جزری، النشر فی قرائات العشر، ج 1، ص 31.

3- محمد هادی معرفت، تاریخ قرآن، ص 108.

4- ابن ابی داود سجستانی، کتاب المصاحف، ص 44.

5- ابن قتیبه، تأویل مختلف القرآن، ص 41-40.

6- ابن خلدون، همان، ج 1، ص 419.

مصحف فعلی ما، در بیشتر موارد با مصحف کوفه هماهنگ است جز مواردی که مشخص می کنیم.»⁽¹⁾

گرچه ایشان مستندی بر گفتار خویش بیان نکرده اند، اما احتمالاً دلیل این امر مطابقت قرائت قرآنها در دست مردم با قرائت قاریان کوفی است.

عثمان برای یکسان سازی قرائت، با هر قرآنی که به شهرها می فرستاد یک قاری آشنا به قرائت اصلی قرآن، نیز ارسال می کرد تا این قاری، اعراب و نحوه خواندن صحیح را مشخص کند؛ ابوعبدالرحمن بن سلمی که شاگرد حضرت علی علیه السلام بود به کوفه فرستاده شد، او استاد عاصم - یکی از قراء سبعة - است و قرائت رایج فعلی، قرائت عاصم به روایت حفص است و لذا ممکن است علت هماهنگی مصحف کنونی با مصحف کوفه، هماهنگی قرائت کنونی با قرائت قاری مصحف کوفه باشد.⁽²⁾

با پذیرش این احتمال، وجه برتری مصحف کوفه نیز روشن می شود؛ زیرا قرائت مصحف کنونی با قرائت قاری مصحف کوفه سازگار است. قاری کوفه و شاگردان وی نیز التزام به قرائت روایت متواتر بین مسلمانان داشتند.

ص: 146

1- التمهید فی علوم القرآن، ج 1، ص 400

2- اختلاف مصاحف و شبهه تحریف؛ 119 - <http://bakhyr.blogspot.com/1391/04/24/post> / ر.ک: التمهید فی علوم القرآن، ج 2، ص 245.

مصاحف دیگری علاوه بر آنچه گفته شد توسط برخی از اصحاب رسول خدا صلی الله علیه و آله گردآوری شده است. در این فصل به معرفی و بررسی برخی آنها پرداخته می شود.

مصحف ابن مسعود

یکی از مصاحف بسیار معروف و مشهور اصحاب رسول خدا صلی الله علیه و آله ، مصحف ابن مسعود است؛ که خود از مفسران و قاریان معروف به شمار می رود.

ویژگی های منحصر به فردی برای این مصحف بیان شده است که عبارت اند از:

1. نبودن برخی سوره های قرآن در آن؛ گزارش شده که ابن مسعود سوره حمد را در مصحفش ننوشت و گفت: اگر بخواهم آن را بنویسم، در اول هر سوره می نویسم (1) یا آنکه ابن مسعود سوره های ناس و فلق (معوذتین) را در مصحف خویش ننوشت و می گفت: قرآن را با غیر قرآن آمیخته نسازید، این دو از قرآن نیست و رسول خدا صلی الله علیه و آله آنها را به مردم آموزش دادند تا مردم به آنها پناه ببرند. (2)
2. تفاوت در برخی از واژگان؛ (3) برخی معتقدند که مصحف ابن مسعود در برخی از کلمات با قرآن های رایج متفاوت است؛ چراکه ابن مسعود بر این باور بود که می توان کلمات قرآن را به مترادف آن تبدیل کرد. گفته شده

ص: 149

-
- 1- الاتقان، ج 1، ص 213.
 - 2- سلیمان بن احمد طبرانی، المعجم الكبير، ج 9، ص 235؛ الدر المنثور، ج 6، ص 416؛ ابن النديم، الفهرست، ص 29؛ مناهل العرفان في علوم القرآن، ج 1، ص 268.
 - 3- ر.ک: کتاب المصاحف، ص 166-178.

است که او کلمه «زخرف» را به کلمه «ذهب»، و کلمه «عهن» را به کلمه «صوف» تبدیل می کرد و در تعلیم فردی غیر عرب که تلفظ کلمه «أثیم» در آیه «طَعَامُ الْأَثِيمِ» (1) برای وی دشوار بود، گفت آیه را چنین بخواند: «ان شجرة الزقوم طعام الفاجر». (2)

همچنین «و السَّارِقُ وَ السَّارِقَةُ فَاقْطَعُوا أَيْدِيَهُمَا» (3) را به «فاقطعوا ايماهما» تبدیل کرد، زیرا معلوم نبود که مراد آیه کدام دست است و یا آیه «وَ أَقِيمُوا الْوُزْنَ بِالْقِسْطِ» (4) را به صورت «واقیمو الوزن باللسان» نوشت؛ زیرا معتقد بود که اقامه وزن به واسطه زبانه ترازوست و یا آیه «إِنِّي نَذَرْتُ لِلرَّحْمَنِ صَوْمًا فَلَنْ أُكَلِّمَ الْيَوْمَ إِنْسِيًّا.» (5) را به «انی نذرت للرحمان صمتا» تبدیل که، زیرا روزه صمت (سکوت) نذر کرده بود. (6)

3. تفاوت در ترتیب؛ گفته شده است که ترتیب سوره های مصحف ابن مسعود چنین بود: سبع طوال، مئین، مثانی، حوامیم، ممتحنات و مفصلات.

4. وجود «بِسْمِ اللَّهِ» در ابتدای سوره توبه؛ نقل شده است که در مصحف ابن مسعود برای سوره براءت «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ» نوشته شده بود. (7)

5. وجود برخی توضیحات تفسیری؛ برخی از زوائد تفسیری در مصحف ابن مسعود گزارش شده است، از جمله در آیه «كَانَ النَّاسُ أُمَّةً وَاحِدَةً [فاختلفوا] فَبَعَثَ اللَّهُ النَّبِيِّينَ مُبَشِّرِينَ وَمُنذِرِينَ وَأَنْزَلَ مَعَهُمُ الْكِتَابَ بِالْحَقِّ لِيَحْكُمَ بَيْنَ النَّاسِ فِي مَا اخْتَلَفُوا فِيهِ» (8) افزودن «فاختلفوا» برای این بود که

ص: 150

- 1- دخان، آیه 44 «غذای گناهکاران است».
- 2- محمد بن جریر طبری، جامع البیان، ج 25، ص 78.
- 3- مائده، آیه 38 «دستشان را قطع کنید».
- 4- الرحمن، آیه 9 «و باید که وزن را با رعایت عدالت برقرار نمایید»
- 5- مریم، آیه 26 «بگو من برای خدا روزه [کلام] نذر کرده ام»
- 6- الدر المنثور، ج 4، ص 270.
- 7- الاتقان، ج 1، ص 65
- 8- بقره، آیه 213 «تا طبق آن در میان مردم و در آنچه اختلاف کرده اند حکم کنند».

نشان دهد بعثت انبیا پس از اختلاف مردم بوده است؛⁽¹⁾ یا آنکه ابن مسعود می گفت: «در زمان پیامبر این آیه را این گونه تلاوت می کردیم: «یا أَيُّهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ مَا أُنزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ [اِنَّ عَلِيًّا مَوْلَى الْمُؤْمِنِينَ] وَ اِنْ لَمْ تَفْعَلْ فَمَا بَلَّغْتَ رِسَالَتَهُ وَ اللّٰهُ يَعْصِمُكَ مِنَ النَّاسِ»⁽²⁾

در مورد آنچه به عنوان ویژگی مصحف ابن مسعود گفته شد نکاتی وجود دارد که بدان اشاره می شود:

الف. درباره عدم وجود سوره فاتحه در مصحف ابن مسعود باید توجه کرد که گزارش ها این مسئله را به طور حتم و جزم بیان نمی کنند⁽³⁾ و آنچه بیان شده آن است که ابن مسعود این سوره را در مصحف خود نیاورده است، نه آنکه منکر قرآن بودن آن باشد؛⁽⁴⁾ شاهد بر این مطلب آن است که قرائت عاصم و برخی دیگر از قاریان به ابن مسعود برمی گردد و در قرائت آنها سوره فاتحه وجود دارد.⁽⁵⁾

علاوه بر این ابن مسعود از نخستین کسانی بوده که به اسلام گرویده است؛ بنابراین چگونه می توان تصور کرد که او از سوره فاتحه بی خبر بوده؛ حال آنکه هر روز نماز می خوانده و سوره حمد جزئی از نماز است.

البته برخی علت عدم نگارش این سوره، را چنین بیان کرده اند که ابن مسعود مصحفش را به جهت ترس از فراموشی آیات نوشته است و چنین ترسی در مورد سوره فاتحه وجود نداشته است؛ چراکه هر مسلمانی آن را دو بار در هر نمازش تلاوت می کند.⁽⁶⁾

ص: 151

1- زمخشری، الکشاف عن حقایق التنزیل، ج 1، ص 255.

2- مائده، آیه 67 «ای فرستاده ما آنچه را از ناحیه پروردگار به تو نازل شده برسان و اگر نکنی (نرسانی) اصلاً پیغام پروردگار را نرسانی».

الدر المنثور، ج 2، ص 298.

3- جمع القرآن، ص 179.

4- همان، ص 180.

5- همان

6- مناهل العرفان فی علوم القرآن، ج 1، ص 276.

برخی می گویند: ابن مسعود در بیان علت حذف سوره حمد گفته که اگر قرار باشد آن را بنویسم، در اول هر سوره می نویسم؛ چراکه سوره فاتحه باید در هر نماز قبل از این سوره ها خوانده شود(1)

در مورد دو سوره فلق و ناس نیز باید گفت که این دو سوره به طور مسلم از سوره های قرآن هستند چرا که رسول خدا صلی الله علیه و آله به قرآن بودن این دو سوره تصریح کرده و فرمودند: «بر من این دو سوره نازل شد، خود را به خواندن این دو سوره عادت دهید.»(2) نیز فرمودند: «بر من آیاتی نازل شد که تاکنون همانند را ندیدم که معوذتین است.»(3)

بسیاری از اندیشمندان چون باقلانی، ابن حزم، نووی،(4) آیت الله معرفت،(5) جعفریان؛(6) بر این باورند که ابن مسعود این دو سوره را انکار نکرده است، چراکه در قرائات گزارش شده از وی از جمله در قرائت عاصم، کسایی و حمزه این دو سوره وجود دارد؛(7) از سوی دیگر چگونه ممکن است ابن مسعود این دو سوره را منکر شود و کسی به وی اعتراض نکرده باشد.(8)

نکته آخر آنکه حتی با فرض صحت گزارش های ارائه شده می توان گفت که عدم ذکر این سوره ها توسط ابن مسعود بدین جهت بوده است که ترس فراموش شدن آن دو وجود نداشته است(9) یا آنکه ابن مسعود، ندیده است که پیامبر این دو سوره را در نماز بخواند پس گمان کرده این دو سوره از آیات قرآن نیست.(10)

ص: 152

-
- 1- قرطبی، الجامع لاحکام القرآن، ج 1، ص 81
 - 2- مسند احمد بن حنبل، ج 5، ص 137
 - 3- صحیح مسلم، ج 2، ص 200.
 - 4- جمع القرآن، ص 182.
 - 5- علوم قرآنی، ص 115.
 - 6- رسول جعفریان، افسانه تحریف، ص 62-63.
 - 7- جمع القرآن، ص 183.
 - 8- همان، ص 183.
 - 9- جمع القرآن، ص 183.
 - 10- همان.

این احتمال نیز وجود دارد که عبارت نقل شده از ابن مسعود که «قرآن را با غیر آن آمیخته نسازید و این دو سوره از قرآن نیستند» سخن راوی باشد نه ابن مسعود؛ چراکه ابوجمره می گوید: «اسماعیل مصحفی را نزد من آورد و در آن سوره فلان و فلان بود و گفت این را محو ساز؛ زیرا ابن مسعود این را اکراه داشت و می گفت: قرآن را با غیر آن آمیخته نسازید» (1).

علاوه بر این، احتمال جعل و نسبت دادن این اختلافات به ابن مسعود و مصحف او وجود دارد، خصوصاً که وی مخالفت هایی با حاکمان وقت داشته است (2).

در مجموع با فرض اینکه ابن مسعود این دو سوره را منکر باشد، این امر تنها نظر ابن مسعود است و هیچ یک از صحابه با نظر او موافق نبوده اند؛ (3) حتی اگر ابن مسعود این دو سوره و یا کل قرآن را منکر شود، به تواتر قرآن لطمه ای وارد نمی شود چراکه اجماع سایر اصحاب بر قرآن بودن این دو سوره در اثبات تواتر آن کافی است (4).

ب. اختلافاتی که در برخی از الفاظ مصحف ابن مسعود با مصاحف رایج وجود دارد، باعث شده است که برخی بگویند این اختلافات نشانگر وقوع تحریف در قرآن و یا حداقل امکان تحریف قرآن است؛ چراکه این امکان وجود دارد که الفاظ و کلماتی که توسط وی ثبت شده است صحیح باشد نه آنچه در مصاحف رایج وجود دارد.

در رد این ادعا باید گفت که اولاً با دلایل متقن، ثابت شد که قرآن تحریف ناپذیر است، علاوه بر آن نسبت دادن چنین تفاوت هایی به مصحف ابن مسعود قطعی نیست؛ چرا که در بسیاری از این گزارش ها آمده است که

ص: 153

1- کتاب المصاحف، ص 154.

2- التمهید فی علوم القرآن، ج 1، ص 320-322.

3- فتح الباری، ج 8 ص 615.

4- مناهل العرفان فی علوم القرآن، ج 1، ص 276-277.

ابن مسعود چنین قرائت می کرده است و سخنی از مصحف وی نیست؛ چه بسا ابن مسعود در مقام تفهیم و تعلیم برخی آیات به افراد، آیات را این چنین می خوانده است؛ همان طور که در برخی از گزارش ها به چنین امری تصریح شده است. ابن جزری از عبدالرحمن بن ابی لیلی روایت کرده است: «وقتی یاران ابن مسعود جمع می شدند و مصحف را می گشودند و قرائت می کردند، ابن مسعود آن را برای آنها تفسیر می کرد.»⁽¹⁾ چه بسا افرادی که در مجلس او حاضر بودند، تفسیر وی را به عنوان قرائت گرفته باشند.⁽²⁾

دوم آنکه در صورت وجود چنین واژگانی در مصحف ابن مسعود، این کلمات می تواند واژگان توضیحی و تفسیری باشد، نه واژگان قرآنی؛ همان گونه که برخی چون ابوحیان، این موارد را قرائت تفسیری ابن مسعود دانسته اند.⁽³⁾

البته ممکن است برخی از این تفاوت ها به خاطر اختلاف لهجه ها بوده باشد همانند «حتی حین» و «عتی حین» یا آنکه ابن مسعود در مقام تعلیم آیه قرآن بوده و چون فرد غیر عرب معنای «أثیم» را در عبارت «طعام الأثیم» نمی فهمید یا در شنوایی مشکل داشت و گمان می کرد که ابن مسعود می گوید: یتیم، ابن مسعود برای آنکه او را آگاه سازد، می گوید: مراد طعام فاجر است، نه یتیم.

سوم آنکه در صورتی که ابن مسعود آیات قرآنی را با واژگانی غیر قرآنی نوشته بود یا در مصاحف عثمانی تغییر و تبدیلی صورت می گرفت، با اعتراض صحابه روبرو می شد؛ چراکه صحابه اهتمام ویژه ای به کلمات و عبارات قرآنی داشته اند؛ این در حالی است که گزارشی از اعتراض صحابه به ابن مسعود یا عثمان وجود ندارد.

ص: 154

-
- 1- النشر في قرائات العشر، ج 1، ص 495.
 - 2- تاریخ القرآن، ص 152.
 - 3- ابوحیان، البحر المحيط، ج 6، ص 391

یکی دیگر از مصاحف مشهور و معروف صحابه که همیشه در کنار مصحف ابن مسعود از آن یاد شده، مصحف «ابی بن کعب» است. اهمیت این مصحف از آن جهت است که بر اساس برخی گزارش ها، در ماجرای توحید مصحف ها در زمان عثمان، این مصحف به عنوان منبع اصلی مورد استفاده قرار گرفت. البته این مصحف نیز مانند سایر مصاحف صحابه، بعد از توحید مصاحف، سوزانده و یا نوشته هایش به وسیله آب و سرکه جوشانده و نابود گردید. [\(1\)](#) با این حال، بنا بر برخی گزارشات این مصحف با مصاحف رایج اختلافاتی داشته است، که برخی از آنها عبارت اند از:

1. وجود دو سوره خلع و حقد: برخی جایگاه این دو سوره را در مصحف ابی پس از سوره ناس یا بین سوره عصر و همزه دانسته اند. [\(2\)](#) بنا بر ادعای آنان، آنچه در خلع آمده چنین است: «بسم الله الرحمن الرحيم اللهم انا نستعينك و نستغفرک و نثنى عليك الخير و لا نکفرک و نخلع و نترك من يفجرک» و حقد عبارت است از «اللهم اياک نعبد و لک نصلی و نسجد و الیک نسعی و نحقد، نخشی عذابک و نرجو رحمتک ان عذابک بالکفار ملحق» [\(3\)](#)

2. تفاوت برخی واژگان: گفته شده است که در مصحف ابی بن کعب به جای «و لا الضالین» [\(4\)](#)، «غیر الضالین» [\(5\)](#) و به جای «کالمعلقة»، [\(6\)](#) «کالمسجونة» [\(7\)](#) و به جای «اعصر خمر»، [\(8\)](#) «عصر عنبا» [\(9\)](#) و... وجود دارد.

ص: 155

-
- 1- لمحات من تاریخ القرآن، ص 180.
 - 2- تاریخ القرآن، ص 177.
 - 3- الاتقان، ج 1، ص 65.
 - 4- حمد، آیه 7 «نه گمراهان».
 - 5- البحر المحيط، ج 1، ص 51.
 - 6- نساء، آیه 129.
 - 7- البحر المحيط، ج 4، ص 89.
 - 8- یوسف، آیه 36 «انگور (برای شراب) می فشارم».
 - 9- البحر المحيط، ج 6، ص 276.

3. تفاوت در ترتیب: برخی گفته اند که ترتیب سوره های مصحف ابی بن کعب تقریباً هماهنگ با ترتیب مصحف ابن مسعود بوده است جز آنکه سوره یونس را پیش از دو سوره انفال و براءت قرار داده بود و نیز در تقدیم و تأخیر برخی سوره ها با آن تفاوت داشت. (1)
4. وجود برخی واژگان یا عبارات توضیحی تفسیری: گزارش شده است که در مصحف ابی بن کعب چنین آمده است: « وَإِذْ يَرْفَعُ إِبْرَاهِيمُ الْقَوَاعِدَ مِنَ الْبَيْتِ وَإِسْمَاعِيلُ [يقولون] رَبَّنَا تَقَبَّلْ مِنَّا » (2) و «فَمَا اسْتَمْتَعْتُمْ بِهِ مِنْهُنَّ [إلى أجل مسمى] فاتوهن» (3)
5. نبودن «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ» میان دو سوره فیل و قریش. (4)
6. نگارش «حم» در ابتدای سوره زمره (5)

وجود چنین اختلافاتی خصوصاً وجود دو سوره «خلع» و «حفد» در مصحف ابی بن کعب باعث شده است که برخی بگویند اگر این دو سوره از سوره های قرآن باشند، نشان از آن دارد که برخی از سوره ها در ماجرای توحید مصاحف حذف شده؛ پس در قرآن، تحریف صورت گرفته است و اگر از سوره های قرآن نباشند، بدین معناست که قرآن در نزد مسلمانان خصوصاً برخی از اصحاب که مشهور به قرائت اند- ثابت نبوده و آنها در تشخیص متن دعا و متن قرآن دچار اشتباه شده اند.

پاسخ کلی در مورد این ادعا آن است که با توجه به دلایل عقلی و نقلی

ص: 156

-
- 1- علوم قرآنی، ص 128.
 - 2- بقره، آیه 127 «به یاد آور وقتی که ابراهیم و اسماعیل دیوارهای خانه کعبه را برافراشتند (گفتند) پروردگارا از ما قبول فرما».
 - 3- نساء، آیه 24 «پس چنانچه از آنها بهره مند شوید (تا زمانی معین) آن مهر را به آنها پردازید» کتاب المصاحف، ص 165؛ جامع البیان، ج 5، ص 9.
 - 4- الاتقان، ج 1، ص 64-65.
 - 5- همان، ج 1، ص 64.

متقن که در فصل اول کتاب بدان اشاره شد، تحریف ناپذیری قرآن امری ثابت و مسلم است؛ اما در مورد گزارش هایی که از وجود این دو سوره در مصحف ابي بن کعب خبر می دهد باید گفت که اولاً این گزارش ها، خبر واحد هستند و حتی بر فرض صحت این اخبار، معلوم نیست که ابي بن کعب این دو سوره را به عنوان قرآن در مصحفش به نگارش در آورده باشد؛ چراکه مصاحف صحابه همراه با توضیحات و برخی اضافات به نگارش در آمده بود و چه بسا ابي بن کعب آنها را به عنوان دعا و برای جلوگیری از فراموش شدن و اهتمام به قرائت آنها در مصحفش به نگارش در آورده باشد.

دوم آنکه این احتمال وجود دارد که ابي بن کعب این دو را به عنوان دعای ختم قرآن در آخر مصحفش به نگارش در آورده باشد، (1) چراکه اسلوب این دو کاملاً متفاوت با اسلوب قرآن است و اگر چنین خطایی از او صورت گرفته باشد، این امر نشان از آن دارد که او به اسلوب آیات آشنا نبوده است! (2) زرکشی از علمای اهل تسنن در این زمینه می نویسد:

دعای قنوتی که در مصحف ابي بن کعب نقل شده، قطعی نیست که جزء قرآن وی باشد، بلکه باید گفت نوعی دعاست که ابي به عنوان دعا در قرآنش نوشته بوده، نظیر دعا و تأویلات دیگری که در قرآنش آورده است. (3)

باقلائی نیز می گوید:

دلیلی نداریم که دعای قنوتی که نقل شده که ابي بن کعب در مصحفش به نگارش در آورده است از قرآن باشد، بلکه نوعی دعاست و اگر جزء قرآن بود حتماً برای ما هم به عنوان قرآن نقل می شد و اطمینان به درست بودن آن پیدا می گردید (4)

ص: 157

1- لمحات في تاريخ القرآن، ص 179.

2- جمع القرآن، ص 190.

3- البرهان في علوم القرآن، ج 2، ص 128.

4- مناهل العرفان في علوم القرآن، ج 1، ص 264.

از سوی دیگر در هیچ یک از قرائات منسوب به ابی بن کعب، قرائت این دو سوره وجود ندارد. (1)

نکته آخر آنکه حتی بر فرض آنکه ابی بن کعب این دو سوره را به عنوان سوره های قرآنی در مصحفش به نگارش در آورده باشد، نظر او خبر واحد است و قرآن با خبر واحد ثابت نمی شود؛ البته برخی از اهل تسنن معتقدند که این دو سوره قرآن بعدها نسخ شده است (2) و چون ابی بن کعب از این نسخ آگاه نبوده این دو سوره را در مصحفش به نگارش در آورده است. (3) در واقع این افراد این دو سوره را از جمله مصادیق «نسخ تلاوت» (4) می دانند؛ این در حالی است که نسخ تلاوت از نظر شیعه، مردود و مستلزم باور به تحریف قرآن است؛ (5) لذا این استدلال در نظر امامیه غیر قابل پذیرش است.

عدم وجود «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ» بین دو سوره فیل و قریش و وجود «حم» در ابتدای سوره زمر در مصحف ابن ابی کعب، از جمله مواردی است که باعث شده است برخی سلامت مصاحف رایج را مورد تردید قرار دهند اما باید دانست که نسبت چنین امری به مصحف ابی بن کعب قطعی نیست.

علاوه بر آن محتوای دو سوره «فیل» و «قریش» در مصحف ابی بن کعب با مصاحف رایج یکسان بوده و تنها در مورد وجود «بسم الله» میان این دو سوره تردید وجود دارد.

این در حالی است که از اهل بیت علیهم السلام روایت شده است که هر کس در نماز، سوره فیل را بخواند باید سوره قریش را نیز با آوردن «بسم الله

ص: 158

1- همان، ص 191.

2- الاتقان، ج 1، ص 259.

3- www.islamtxt.net

4- اهل تسنن بر این باورند که برخی از آیاتی که بر پیامبر شد پس از مدتی تلاوت و قرائت آن نسخ گردید به همین خاطر در قرآن در دست مردم دیده نمی شود.

5- البیان، ص 285-286.

الرحمن الرحيم» بین دو سوره بخواند. (1) یعنی این دو سوره، در قرائت نماز یک سوره محسوب می شود و چه بسا ابی بن کعب نیز چون چنین امری را از حضرت رسول خدا صلی الله علیه و اله شنیده، گمان نموده که بین آن دو «بسم الله» نیز وجود ندارد که البته به خطا رفته است.

در مورد وجود «حم» در ابتدای سوره زمر نیز در صورت صحت نقل، از خطاهای ابی بن کعب در نگارش مصحفش بوده و قرآن بودن این آیه با خبر واحد او ثابت نمی شود.

دیگر مصاحف

مصاحف دیگری نیز به صحابه رسول خدا صلی الله علیه و آله نسبت داده شده است؛ «مصحف ابو موسی اشعری» که آن را «لباب القلوب» می نامیدند، (2) «مصحف ام سلمه»، (3) «مصحف عایشه»، (4) «مصحف عبدالله بن عمر و عاص» (5)

از چگونگی و ویژگی های بسیاری از این مصاحف، اطلاع دقیقی در دست نیست؛ مصاحفی چون «مصحف ابوزید»، (6) «مصحف ام ورقه» (7) «مصحف انس بن مالک»، (8) «مصحف سالم»، (9) «مصحف مجمع بن جاریه»، (10) «مصحف معاذ

ص: 159

-
- 1- وسایل الشیعه، ج 6، ص 55.
 - 2- الکامل فی التاریخ، ج 3، ص 111؛ دراسة حول القران الکریم، ص 112؛ درس هایی از علوم قرآن، ص 247: التمهید، ج 1، ص 307.
 - 3- ابن ابی داود سجستانی، کتاب المصاحف، ص 217-218.
 - 4- مسلم بن حجاج نیشابوری، صحیح مسلم، ج 2، ص 112؛ جامع البیان، ج 2، ص 343؛ ابن ابی داود سجستانی، ص 208 به بعد.
 - 5- ابن ابی داود سجستانی، ص 207؛ اکرم برکات، حقیقه مصحف فاطمه عند الشیعه، ص 124؛ شاهین، تاریخ القرآن، ص 143. (به نقل از ابوحیان).
 - 6- محمود رامیار، تاریخ قرآن، ص 339
 - 7- محمد بن سعد، ج 8 ص 457؛ اکرم عبد خلیفه دیلمی، جمع القرآن، ص 89
 - 8- تاریخ قرآن، ص 391
 - 9- همان، ص 339.
 - 10- همان، ص 387.

بن جبل»، (1) «مصحف مقداد»، (2) «مصحف سعد بن عبید»، (3) «مصحف ابودرداء»، (4) که گویا از قرائت ابی پیروی نموده است (5) و «مصحف عقبه» (6) که تنها ویژگی نقل شده از این مصحف آن است که ترتیبش با ترتیب مصاحف عثمانی مغایر بوده اما چگونگی این ترتیب نیز روشن نیست. (7)

در وجود برخی از این مصاحف نیز تردید وجود دارد؛ مانند «مصحف عبدالله بن زبیر» (8) و «مصحف ابن عباس» که گزارش های ذکر شده در اثبات مصحف وی، تنها به بیان قرائت او اشاره دارند، نه به مصحف او. (9) گرچه برخی مدعی شده اند که ترتیب مصحف او را در اختیار دارند (10) و مدعی شده اند که در مصحف ابن عباس دو سوره خلع و حقد موجود بوده است. (11) «مصحف حفصه» (12) نیز از جمله مصاحف مورد تردید است چراکه برخی وجود مصحف وی را منکر شده اند. (13) در مورد «مصحف زید بن ثابت» (14) نیز دلایل کافی مبنی بر وجود مصحف مستقلی برای وی وجود ندارد (15) و نیز

ص: 160

-
- 1- همان، ص 340.
 - 2- همان، ص 337 و ص 365.
 - 3- همان، ص 340.
 - 4- محمود رامیار، تاریخ قرآن، ص 365
 - 5- همان، ص 364.
 - 6- همان، ص 388.
 - 7- همان، ص 389
 - 8- همان، ص 204-207.
 - 9- سجستانی، ابن ابی داود، کتاب المصاحف، ص 187-204؛ شاهین عبدالصبور، تاریخ القرآن، ص 181-183.
 - 10- ابوالفضل میر محمدی زرنندی، تاریخ و علوم قرآن، ص 150.
 - 11- سیوطی، الدر المنثور، ج 8، ص 695.
 - 12- ابن ابی داود سجستانی، ص 84؛ ابن عطیه آندلسی، المحرر الوجیز، ج 3، ص 36.
 - 13- شاهین عبدالصبور، تاریخ القرآن، ص 161.
 - 14- تاریخ قرآن، ص 386-387.
 - 15- همان، ص 386.

«مصحف عمر»⁽¹⁾ که برخی معتقدند که او می خواست قرآن را جمع آوری کند اما از دنیا رفت و موفق به چنین امری نشد.⁽²⁾

برخی افراد از گزارش ها و خبرهایی که در مورد وجود مصاحف یا چگونگی آنها بیان شده است، چنین نتیجه گرفته اند که مصاحف صحابه با یکدیگر اختلاف داشته اند؛ بر این اساس، سجستانی در کتاب خود بابتی را به نام «اختلاف مصاحف الصحابه» گشوده است.⁽³⁾

برخی ادعا نموده اند که اختلاف مصاحف صحابه با یکدیگر به جهت اجازه پیامبر صلی الله علیه و آله به قرائت بر لهجه های گوناگون است.⁽⁴⁾ به عبارت دیگر، پیامبر خود اجازه داده اند که اصحاب قرآن را به لهجه خود قرائت نمایند و این امر باعث بروز اختلاف در مصاحف صحابه شده است.

این سخن موجب طعن گروهی بر قرآن شده است، به گونه ای که اختلاف مصاحف صحابه را یکی از موجبات نقض محتوای آیه «لَا يَأْتِيهِ الْبَاطِلُ مِنْ بَيْنِ يَدَيْهِ وَلَا مِنْ خَلْفِهِ تَنْزِيلٌ مِنْ حَكِيمٍ حَمِيدٍ»⁽⁵⁾ دانسته اند⁽⁶⁾ و از وجود اختلاف در مصاحف صحابه، جهت اثبات تحریف قرآن بدین گونه استدلال نموده اند که در میان صحابه مصاحف متعددی رواج داشته که هر یک با دیگری اختلافاتی داشته است، حال سؤال این است که کدام یک از این مصاحف صحیح است؟ کدام یک از آنها قول خداوند است؟ بر مسیحیان اشکال می شود که چندین انجیل در نزد آنان وجود دارد، در حالی که در بین مسلمانان نیز چندین مصحف وجود داشته است؟

ص: 161

-
- 1- ابن حجر، الاصابه، ج 6، ص 321
 - 2- علی کورانی، تدوین القرآن، ص 307؛ متقی هندی، کنز العمال، ج 2، ص 574.
 - 3- ابن ابی داود سجستانی، کتاب المصاحف، ص 159.
 - 4- محمد علی اشقیر، لمحات من تاریخ القرآن، ص 147
 - 5- فصلت: 42: کتابی که نه در عصر نزولش باطلی در آن رخنه می کند و نه تا قیامت
 - 6- ابن قتیبه، عبدالله بن مسلم، تأویل مختلف القرآن، ص 24.

در رد این اشکال باید گفت همان گونه که از مطالعه گزارشات مصاحف صحابه به دست می آید، وجود برخی از این مصاحف مورد تردید است و بعضی از بزرگان وجود تعدادی از آنها - نه تمامی - را منکر شده اند. با فرض وجود همه این مصاحف، در وجود بسیاری از اختلافات ذکر شده میان آن مصاحف و مصاحف رایج و یا اختلاف میان آنان تردید وجود دارد. همان گونه که برخی نویسندگان گفته اند اختلاف مصاحف صحابه بیشتر جنبه تبلیغی داشته و سر و صدای زیادی بوده که درباره شخصیت مالکان اصلی این مصاحف شده است و گر نه چیزی جز مصحف اصلی نبوده و حداکثر در ترتیب سوره ها و بعضی قرائت ها با هم تفاوت داشته اند. (1)

قابل توجه است که نامگذاری مصاحف به مصحف ابن مسعود، مصحف ابی بن کعب، مصحف ابوبکر، مصحف عثمان و ... نه به جهت آن است که هر یک از این مصاحف کاملاً متفاوت از دیگری بوده است، بلکه مراد از مصحف، مجموعه آیات قرآن بوده که توسط فرد خاص و یا به دستور فرد خاصی جمع آوری شده، به نگارش در آمده، میان دو جلد قرار گرفته و به صاحب آن نسبت داده شده است و این نسبت ها به جهت تفاوت در متن اصلی آیات قرآنی نیست، بلکه به جهت مالکیت است.

به فرض وجود اختلاف آیات در مصحف برخی از اصحاب، هر یک از موارد ذکر شده خبر واحد هستند حال آنکه قرآن موجود با اخبار متواتر به رسیده است و پس آنچه مورد اطمینان است و تردیدی در صحت آن وجود ندارد، همین قرآن موجود است.

در جمع بندی می توان گفت که اختلافات بیان شده در مصاحف صحابه می تواند در یکی از جهات زیر باشد:

ص: 162

الف: از جهت محتوا؛ اختلاف در محتوای آیات با تحریف ناپذیری قرآن در تعارض است. نهایت چیزی که در مورد اختلاف در محتوا می توان گفت این است که این مصاحف در حواشی توضیحی و تفسیری - در صورت صحت انتساب این گونه اختلافات - اختلاف داشته اند.

ب: از جهت ترتیب: اگر اختلاف در ترتیب آیات و سوره های این مصاحف باشد با توجه به توقیفی بودن ترتیب آیات قرآن، اختلاف در ترتیب منتفی است و گزارش هایی که از ترتیب این گونه مصاحف حکایت دارند به ترتیب سوره ها اشاره نموده اند، نه ترتیب آیات.

در مورد اختلاف در ترتیب سوره ها نیز اولاً ثبوت چنین اختلافاتی با توجه به عدم وجود چنین مصاحفی در عصر حاضر و نقل های واحد حاکی از ترتیب این مصاحف، قطعی نیست.

به فرض ثبوت چنین اختلافاتی، این اختلافات چندان گسترده نیست چراکه اگر ترتیب سوره های قرآن به اجتهاد و سلیقه صحابه بود، این اختلافات باید از موارد ذکر شده بسی گسترده تر باشد؛ چراکه اگر 114 نام را به افراد متعددی بدهند و از آنان بخواهند که به دلخواه خود آنان را مرتب سازند، ممکن است هر یک از آنان ملاکی را برای نظم مورد نظر خود در نظر آورد و لذا اختلافات بسی گسترده می شود و شباهت ها اندک، بنابراین همان گونه که گذشت، ترتیب اکثر سوره ها - اگر نگوئیم تمامی آنها - توقیفی است.

چه بسا اختلاف در ترتیب برخی از سوره ها ناشی از اجتهاد صحابه نبوده بلکه به جهات دیگر همچون غایب بودن آن صحابی در هنگام نزول آن سوره و تکمیل مصحف پس از گذشت زمان باشد. نهایت آنکه به فرض اجتهادی بودن، اختلاف در ترتیب برخی از سوره ها، باعث لطمه به اصل قرآن و صیانت آن نمی شود.

1. قرآن كريم
2. ابن ابي الحديد، عبد الحميد بن هبة الله، شرح نهج البلاغه، تحقيق محمد ابوالفضل ابراهيم، بيروت: دار احياء الكتب العربية، [بى تا].
3. ابن اثير، على بن محمد، اسد الغابة، بيروت: دار الكتاب العربي، [بى تا].
4. ابن اثير، عزالدين، الكامل فى التاريخ، بيروت: دارصادر، 1386ق.
5. ابن جزى، محمد بن احمد غرناطى كلبى، التسهيل لعلوم التنزيل، چاپ چهارم، بيروت: دار الكتاب العربي، 1403ق.
6. ابن حجر عسقلانى، احمد بن على بن حجر، تهذيب التهذيب، بيروت: دار الفكر للطباعة و النشر و التوزيع، 1404ق.
7. ابن حجر عسقلانى، احمد بن على بن حجر، فتح البارى فى شرح صحيح البخارى، بيروت: دار المعرفة، [بى تا]
8. ابن حجر عسقلانى، احمد بن على بن حجر، الاصابة فى معرفة الصحابة، تحقيق عادل احمد عبد الموجود و على محمد معوض، بيروت: دار الكتب العلمية. 1415ق.
9. ابن حجر هيثمى، احمد بن محمد، الصواعق المحرقة فى الرد على أهل البدع و الزندقة، تهران: [بى جا]، [بى تا]
10. ابن خلدون، عبدالرحمن بن محمد، تاريخ ابن خلدون، چاپ چهارم، بيروت: دار احياء التراث العربي، [بى تا].
11. ابن شبة نميرى، عمر بن شبة، تاريخ المدينة المنورة، تحقيق فهيم محمد شلتوت، قم: دار الفكر، [بى تا].
12. ابن شهر آشوب، محمد بن على، مناقب آل أبى طالب، نجف: المكتبة الحيدرية، 1956م.

13. ابن ضريس، محمد بن ايوب، فضائل القرآن، بيروت: دار الفكر، 1408ق.
14. ابن عبدالبر، يوسف بن عبدالله بن عبدالبر، الاستيعاب في معرفة الأصحاب، تحقيق علي محمد البجاوي، بيروت: دار الجيل، 1412ق
15. ابن عساکر، علي بن حسن، تاريخ مدينة دمشق، تحقيق علي شيري، بيروت: دار الفكر، 1415ق.
16. ابن غضائري، احمد بن حسين، الرجال، قم: مؤسسه اسماعيليان، 1364ق.
17. ابن فارس، احمد بن فارس بن زكريا، معجم مقاييس اللغة، تحقيق عبدالسلام محمد هارون، قم: مكتبة الإعلام الإسلامي، 1404ق.
18. ابن قتيبه دينوري، عبدالله بن مسلم، تأويل مختلف القرآن، بيروت: دار الكتب العلمية، [بي تا]
19. ابن منظور، محمد بن مكرم، لسان العرب، قم: نشر أدب الحوزة، 1405ق.
20. ابن نديم، محمد بن اسحاق، الفهرست، تحقيق رضا تجدد، تهران، 1350.
21. ابوزهره، محمد، معجزه بزرگ، پژوهشی در علوم قرآنی، مشهد: بنياد پژوهش های اسلامی آستان قدس رضوی، 1379ش.
22. ابوزيد، محمد شرعي، جمع القرآن، جامعة الكويت، 1419ق.
23. ابونعيم، احمد بن عبدالله، معرفة الصحابة، بيروت: دار الكتب العلمية، [بي تا].
24. ابو حيان، محمد بن يوسف، البحر المحيط، بيروت: دار الفكر، [بي تا].
25. ابورية، محمود، اضواء على السنة المحمدية، چاپ پنجم، قاهره: نشر البطحاء، [بي تا]
26. احمد بن حنبل، مسند احمد بن حنبل، بيروت: دارصادر، [بي تا].
27. استادی، رضا، آشنایی با تفاسیر - به ضمیمه مسئله عدم تحریف قرآن و چند بحث قرآن، قم: قدس، 1383.
28. اشقير، محمد علی، لمحات من تاريخ القرآن، بيروت: مؤسسه الاعلمی، [بي تا].
29. از دی نیشابوری، فضل بن شاذان، الايضاح، تهران: دانشگاه تهران، 1363.
30. امين عاملی، سيد محسن، اعيان الشيعة، تحقيق حسن امين، بيروت: دار التعارف، [بي تا].

31. امینی نجفی، عبد الحسین، الغدير، چاپ چهارم، بیروت: دار الكتاب العربی، 1397ق.
32. ایازی، سید محمد علی، مصحف امام علی علیه السلام، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، 1380.
33. آلوسی، سید محمود، روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم، تحقیق علی عبدالباری عطیة، بیروت: دار الکتب العلمیه، 1415ق.
34. ابن عطیة عبد الحق، اندلسی، المحرر الوجیز فی التفسیر الكتاب العزیز، تحقیق عبد السلام عبد الشافی، بیروت: دار الکتب العلمیه، [بی تا].
35. بخاری، محمد بن اسماعیل، صحیح البخاری، بیروت: دار الفکر، 1401ق.
36. دیب البغا، مصطفی، الواضح فی علوم القرآن، بیروت: دار الکتب الطیب، [بی تا].
37. بغدادی، محمد بن حبیب، المحبر، [بی نا]، [بی تا]، [بی جا]
38. بلاذری، احمد بن یحیی، انساب الاشراف، تحقیق سهیل زکار و ریاض زرکلی، بیروت: دار الفکر، 1417ق.
39. آقابزرگ تهرانی، محمد حسین، الذریعة إلى تصانیف الشیعة، چاپ سوم، بیروت: دار الأضواء، 1403ق.
40. جزیری، نعمت الله بن عبد الله، الانوار النعمانیة، بیروت: دار القاری، [بی تا].
41. جزری، محمد بن محمد، النشر فی قرائات العشر، بیروت: دار الکتب العلمیه، [بی تا].
42. جلالی نایینی، سید محمدرضا، تاریخ جمع قرآن، تهران: افست، 1365
43. جلالی، محمدرضا، تدوین السنة الشریفة، چاپ دوم، قم: مکتبة الإعلام الإسلامی، 1418ق.
44. جوادی آملی، عبدالله، نزاهت قرآن از تحریف، تحقیق علی نصیری، قسم: 1383.
45. جوان آراسته، حسین، درسنامه علوم قرآنی، چاپ هفتم، قسم: بوستان کتاب، 1383.
46. حاکم حسکانی، عبدالله بن عبدالله، شواهد التنزیل لقواعد التفضیل فی آیات النازلة فی اهل البيت، تحقیق شیخ محمدباقر محمودی، تهران: مجمع احیاء الثقافة الإسلامیة، 1411ق.

47. حاکم نیشابوری، محمد بن محمد، المستدرک علی الصحیحین، تحقیق یوسف مرعشلی، بیروت: دار المعرفة، 1406 ق.
48. حجتی، محمدباقر، پژوهشی در تاریخ قرآن، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی، 1360.
49. حجتی، محمدباقر، رسم الخط مصحف عثمانی، اسرار حکمت و مزایای آن دشواری قرائت قرآن و راه حل آن، مجله پژوهش دینی، شماره 4، 1382.
50. حسن زاده آملی، حسن، قرآن هرگز تحریف نشده، مترجم: عبدالعلی شاهرودی، قم: قیام، 1376.
51. حسینی جلالی، محمدحسین، دراسة حول القرآن الکریم، بیروت: مؤسسه الاعلمی، [بی تا].
52. حسینی میلانی، علی، التحقیق فی نفی التحریف عن القرآن، چاپ سوم: قم: مرکز حقایق الاسلامیة، 1426 ق.
53. حلبی، علی بن ابراهیم، السیرة الحلبیة، بیروت: دار احیاء التراث العربی، [بی تا].
54. حلبی، حسن بن علی بن داود، الرجال، تهران: دانشگاه تهران، 1383 ق.
55. حلبی، حسن بن یوسف، اجوبة المسائل المهنية، قم: مطبعة الخيام، [بی تا].
56. غانم قدوری، حمد، ترجمه رسم الخط مصحف، قم: اسوه، 1376.
57. حویزی، عبدعلی بن جمعه، نورالثقلین، چاپ چهارم، قم: اسماعیلیان، 1415 ق.
58. خمینی، روح الله، الرسائل، تهران: موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی رحمه الله، 1378.
59. - وصیت نامه، تهران: موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی رحمه الله، 1387.
60. خوارزمی، موفق، المناقب، تحقیق شیخ مالک محمودی، چاپ دوم، قم: مؤسسه النشر الإسلامی، 1414 ق.
61. خویی، ابوالقاسم، البیان فی تفسیر القرآن، چاپ چهارم، بیروت: دار الزهراء، 1395 ق.
62. - معجم رجال الحدیث، قم: مرکز نشر آثار شیعه، 1410 ق.

63. داني، عثمان بن سعيد، محمد بن علي، المقنع في رسم المصاحف الامصار، تحقيق محمد صادق قمحاوي، قاهره: مكتبة الكليات الازهرية، [بى تا].
64. ديلمى، اكرم عبد خليفة، جمع القرآن، بيروت: دار الكتب العلمية، [بى تا].
65. ذهبى، شمس الدين محمد بن احمد، سير اعلام النبلاء، تحقيق شعيب ارنؤوط و حسين اسد، چاپ نهم، بيروت: مؤسسة الرسالة، 1413ق.
66. ذهبى، شمس الدين محمد بن احمد، معرفة القراء الكبار على الطبقات و الاعصار، تحقيق شعيب ارنؤوط و حسين اسد، بيروت: مؤسسة الرسالة، 1404ق.
67. راغب اصفهاني، حسين بن محمد، مفردات غريب القرآن، چاپ دوم، قم: دفتر نشر الكتاب، 1404 ق.
68. راميار، محمود، تاريخ قرآن، تهران: انتشارات امير كبير، 1362.
69. زرقانى، محمد عبد العظيم، مناهل العرفان في علوم القرآن، بيروت: دار احياء التراث العربى، [بى جا]، [بى تا].
70. زركشى، بدر الدين محمد بن عبدالله، البرهان فى علوم القرآن، تحقيق: محمد ابوالفضل ابراهيم، قاهره: داراحياء الكتب العربيه، 1376.
71. مير محمدى زرندى، سيد ابو الفضل، بحوث فى تاريخ القرآن و علومه، قم: موسسه نشر اسلامى، 1420 ق.
72. زمخشري، محمود بن عمر، الكشاف عن حقائق التنزيل و عيون الأفاويل، مصر: شركة مكتبة و مطبعة مصطفى البابى الحلبي، 1385ق.
73. زنجاني، ابو عبدالله، تاريخ جامع قرآن كريم، مترجم: سيد حسام فاطمى، قاهره: الأزهر، [بى تا].
74. سجستاني، ابن ابى داود، عبدالله بن سليمان، كتاب المصاحف، قاهره: الفاروق الحديثه، [بى تا].
75. سعيدى روشن، محمدباقر، علوم قرآن، قم: مؤسسه امام خمينى رحمه الله، 1379.

76. هلالی عامری کوفی، سلیم بن قیس، کتاب سلیم بن قیس الهلالی، تحقیق: شیخ محمد باقر انصاری زنجانی، [بی جا]، [بی تا]، [بی نا].
77. سیدرضی، محمدبن حسین، نهج البلاغة، تصحیح صبحی صالح، قم: هجرت، 1414 ق.
78. سیوطی، جلال الدین، الإیقان فی علوم القرآن، تحقیق سعید المندوب، بیروت: دار الفکر، 1416 ق.
79. سیوطی، جلال الدین، الدر المنثور، بیروت: دار المعرفة، [بی تا].
80. شانه چی، کاظم، علم الحدیث، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، 1377.
81. شاهین، عبدالصبور، تاریخ القرآن، مشهد: بنیاد پژوهش های اسلامی آستان قدس رضوی، 1382.
82. حسینی استرآبادی، سید شرف الدین عملی، تأویل الآیات الظاهرة فی فضائل العترة الطاهرة، قم: مدرسة الإمام المهدي عجل الله تعالی فرجه الشریف 1407 ق.
83. شرف الدین مولوی عاملی، سیدعبدالحسین، المراجعات، تحقیق حسین الراضی، چاپ دوم، بیروت: جمیعة الاسلامیه، 1402 ق.
84. شهرستانی، محمدبن عبدالکریم، مفاتیح الأسرار، تهران: مرکز البحوث و الدراسات للتراث المخطوط، 1387.
85. شهرستانی، سیدعلی، منع تدوین الحدیث، قم: مرکز الأبحاث العقائدية، 1420 ق.
86. شوشتری، محمد تقی، قاموس الرجال، قم: جامعه مدرسین، 1415 ق.
87. صبحی، صالح، پژوهش هایی درباره قرآن و وحی، مترجم: محمد مجتهد شبستری، چاپ چهارم، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی، 1374.
88. صبحی، صالح، مباحث فی علوم القرآن، قم: منشورات الرضی، 1372.
89. صدوق، محمدبن علی، الاعتقادات فی دین الإمامیه، تحقیق عصام عبد السید، چاپ دوم، بیروت: دار المفید 1414 ق.

90. صدوق، محمدبن علی، التوحید، تحقیق: سیدهاشم حسینی تهرانی، قم: منشورات جماعة المدرسين، [بی تا].
91. صدوق، محمد بن علی، المقنع، قم: مؤسسة الإمام الهادي عليه السلام، 1415ق.
92. صفار، محمد بن حسن بن فروخ، بصائر الدرجات الكبرى، تحقیق میرزامحسن کوچه باغی، تهران: مؤسسه الأعلمی، 1362
93. صنعانی، عبدالرزاق، المصنف، تحقیق حبیب الرحمن اعظمی، بیروت: [بی جا]، 1403ق.
94. طاهری خرم آبادی، حسن، عدم تحریف قرآن، قم: بوستان کتاب، 1385.
95. طاهری، حبیب الله، درس های از علوم قرآن، قم: اسوه، 1377.
96. طباطبایی، سیدمحمد حسین، قرآن در اسلام، قم: دفتر انتشارات اسلامی، 1391.
97. طباطبایی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، چاپ پنجم، قم: دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه، 1417ق.
98. طبرانی، سلیمان بن احمد، المعجم الكبير، تحقیق احمدی عبدالمجید سلفی، چاپ دوم، بیروت: دار احیاء التراث العربی، [بی تا].
99. طبرسی، احمد بن علی، الاحتجاج، تحقیق سیدمحمدباقر موسوی خراسان، نجف: منشورات دار النعمان، [بی تا].
100. طبرسی، فضل بن حسن، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، تحقیق محمدجواد بلاغی، تهران: مجمع العالمی لأهل البيت، [بی تا].
101. طبری، محمدبن جریر، تاریخ الامم والملوک، بیروت: [بی نا]، [بی تا].
102. طبری، محمدبن جریر، جامع البیان، بیروت: دار المعرفه، 1412ق.
103. طبری، محمد بن جریر، دلائل الامامة، قم: بعثت، [بی تا].
104. طحاوی، ابوجعفر احمد بن محمد، شرح مشکل الآثار، تحقیق شعیب ارنؤوط، دار النشر، [بی تا].

105. طريحي، فخر الدين، مجمع البحرين، تحقيق سيد احمد حسيني، چاپ دوم، قم: مكتب النشر الثقافة الإسلامية، 1408ق.
106. طوسي، محمدبن حسن، التبيان، تحقيق احمد حبيب قصير عاملي، بيروت: داراحياء التراث العربي، 1409 ق.
107. طوسي، محمدبن حسن، الرجال، نجف: المكتبة المرتضوية، [بي تا].
108. طوسي، محمدبن حسن، الفهرست، نجف: المكتبة المرتضوية، [بي تا]، [بي جا]
109. عاملي، جعفر مرتضى، حقايقى مهم پيرامون قرآن، قم: دفتر انتشارات اسلامى، 1944م.
110. عاملي، جعفر مرتضى، مأساة الزهراء عليها السلام، چاپ دوم، بيروت: دار السيرة، 1418 ق.
111. عاملي، على بن يونس، الصراط المستقيم، تحقيق محمدباقر بهبودى، تهران: المكتبة المرتضوية لإحياء الآثار الجعفرية، 1384.
112. عاملي، محمدبن حسن، وسائل الشيعة الى تحصيل مسائل الشرعية، چاپ دوم، قم: مؤسسة آل البيت عليهم السلام لإحياء التراث، 1414ق.
113. عاملي، محمدبن حسن، الإيقاظ من الهجمة بالبرهان على الرجعة، تحقيق مشتاق المظفر، قم: دليل ما، 1422 ق.
114. عاملي، اكرم بركات، حقيقة مصحف فاطمه عند الشيعة، بيروت: دار الصفوة، [بي تا]
115. عسكرى، ابوهلال، الفروق اللغوية، قم: مؤسسة النشر الاسلامى، 1412 ق.
116. عظيم آبادى، محمد شمس الحق، عون المعبود شرح سنن ابى داود، چاپ دوم، بيروت: دار الكتب العلمية، 1415ق.
117. عقيلي، محمد بن عمرو، ضعفاء العقيلي، تحقيق عبد المعطى أمين قلججى چاپ دوم، بيروت: دار الكتب العلمية، 1418ق.
118. علاف، اديب، البيان فى علوم القرآن، دمشق: مكتبه الفارابى، [بي تا].
119. عميدى، ثامر، دفاع از كافي، ترجمه على باقر طاهرى نيا، موسسه دائرة المعارف فقه اسلامى، قم، 1388.

120. عياشى، محمدبن مسعود بن عياش، التفسير العياشى، تحقيق سيد هاشم رسولى محلاتى، تهران: المكتبة العلمية الإسلامية، تهران، [بى تا].
121. غفار، عبدالرسول، الميسر فى علوم القرآن، بيروت: دار و مكتبه الرسول الاكرم، [بى تا].
122. فراهيدى، خليل بن احمد، كتاب العين، تحقيق مهدى مخزومى و دكتور ابراهيم سامرائى، چاپ دوم، قم: مؤسسة دار الهجرة، 1409 ق.
123. فرشچيان، رضا، بررسى دو شبهه درباره مصحف حضرت على عليه السلام، مقالات و بررسى ها، شماره 84، 1386
124. فيض كاشانى، محمدبن مرتضى، تفسير الصافى، تحقيق شيخ حسين اعلمى، چاپ دوم، قم: مؤسسه الهادى، 1416ق.
125. فيومى، احمد بن محمد، مصباح المنير، [بى جا]، [بى نا]، [بى تا].
126. قرشى، سيد على اكبر، قاموس قرآن، چاپ ششم، تهران: دار الكتب الإسلامية، 1371.
127. قرطبى، محمدبن احمد، الجامع لأحكام القرآن، تهران: ناصر خسرو، 1364.
128. قسطلانى، احمد بن محمد، ارشاد السارى لشرح صحيح البخارى، بيروت: دار الفكر، 1421 ق.
129. قفارى، ناصر بن عبد الله بن على، اصول مذهب الشطعة الأمامية الأثنى عشرية، چاپ دوم، [بى جا]، [بى تا].
130. قمى، على بن ابراهيم، تفسير القمى، چاپ سوم، قم: مؤسسه للطباعة والنشر، 1404 ق.
131. كرمانى، محمد بن ابى نصر، شواذ القرائات، تحقيق شمران عجلى، بيروت: مؤسسة البلاغ، 2001م.
132. كشى، محمدبن عمر، اختيار معرفة الرجال، مشهد: دانشگاه مشهد، 1348ق.
133. كلينى، محمد بن يعقوب، الكافى، تحقيق على اكبر غفارى، چاپ پنجم، تهران: دار الكتب الإسلامية، 1363

134. كوراني عاملي، علي، تدوين القرآن، قم: دار القرآن، [بى تا]. 1

135. كوراني عاملي، علي، قرآن علي، مترجم: نرگس بهشتى و بشرى كوراني، سيد الشهدا، 1389

136. كوفي، محمد بن سليمان، مناقب امير المؤمنين، تحقيق محمدباقر محمودي، قم: مجمع احياء الثقافة الاسلامية، 1412 ق.

137. كوفي، ابن أبي شيبة، المصنف، تحقيق سعيد لحام، بيروت: دار الفكر للطباعة و النشر و التوزيع، 1409 ق.

138. مازندراني، ملاصالح، شرح اصول كافي، تحقيق ميرزا ابو الحسن شعراني و سيد علي عاشور، بيروت: دار احياء التراث العربي، 1421 ق.

139. مالك بن انس، الموطأ، تصحيح و تعليق: محمد فؤاد عبدالباقي، مصر: دار احياء التراث العربي، [بى تا].

140. مامقاني، عبدالله، تنقيح المقال في علم الرجال، محمدرضا، مامقاني، تهران: جهان، 1352.

141. متقى هندی، علي بن حسام، كنز العمال في سنن الاقوال و الافعال، تحقيق شيخ بكرى حيانى و شيخ صفوة السق، بيروت: مؤسسة الرسالة، 1409 ق.

142. مجلسي، محمدباقر، بحار الأنوار، چاپ دوم، بيروت: دار احياء التراث العربي، 1403 ق.

143. مجلسي، محمدباقر، مرآة العقول، تهران: دار الكتب الاسلامية، 1363.

144. ابن سعد، محمد بن سعد، الطبقات الكبرى، بيروت: دار الصادر، [بى تا].

145. محمدي، فتح الله، تحريف ناپذيري قرآن، تهران: مشعر، 1384.

146. مدرسى طباطبائي، سيد حسين، ميراث مكتوب شيعه، مترجم: رسول جعفریان و علي قراني، 1386

147. مزى، جمال الدين، تهذيب الكمال، تحقيق بشار عواد معروف، چاپ چهارم، بيروت: مؤسسة الرسالة، 1406 ق.

148. مظلومي، رجبعلی، پژوهشى پيرامون آخرين كتاب الهى، تهران: آفاق، 1360

149. معارف، مجید، تاریخ عمومی حدیث، تهران: کویر، 1377.

150. -، درآمدی بر تاریخ قرآن، تهران: نبأ، 1383.

151. -، مقدمه ای بر تاریخ قرائت قرآن، مقالات و بررسی ها، شماره 63، 1377.

152. معرفت، محمدهادی، صیانة القرآن من التحریف، قم: موسسه فرهنگی انتشاراتی التمهید، 1386

153. معرفت، محمدهادی، التمهید فی علوم القرآن، قم: موسسه نشر اسلامی، 1425 ق.

154. معرفت، محمدهادی، تاریخ قرآن، چاپ چهارم، تهران: سمت، 1381.

155. معروف الحسنی، هاشم، دراسات فی الحدیث و المحدثین، چاپ دوم، بیروت: دار التعارف للمطبوعات، 1398 ق.

156. مغربی، نعمان بن محمد، دعائم الاسلام، تحقیق آصف بن علی اصغر فیضی، القاهرة: دار المعارف، 1383 ق.

157. مفید، محمد بن نعمان، المسائل السروية، تحقیق صائب عبد الحمید، چاپ دوم، بیروت: دارالمفید للطباعة والنشر والتوزیع، 1414 ق.

158. مفید، محمد بن نعمان، المسائل العکبرية، تحقیق علی اکبر الهی خراسانی، چاپ دوم، بیروت: دار المفید للطباعة والنشر والتوزیع، 1414 ق.

159. مکارم شیرازی، ناصر، الأمثل فی تفسیر کتاب المنزل، قسم: مدرسه امام علی علیه السلام، 1421 ق.

160. -، ناصر، القواعد الفقهية، چاپ دوم، قم: مدرسة الإمام امیر المؤمنین علیه السلام، 1411 ق.

161. مهدوی راد، محمدعلی، پژوهش گونه ای درباره مصحف فاطمه علیها السلام، تهران، مشعر، 1386.

162. میر محمدی زرنندی، ابوالفضل، تاریخ و علوم قرآن، قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، 1377.

163. نجارزادگان، فتح الله، بررسی و نقد اسناد مصحف حضرت علی علیه السلام، در منابع فریقین، مقالات و بررسی ها، شماره 68، 1379.

164. نجاشی، احمد بن علی، فهرس اسماء المصنفین (الرجال)، قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، 1407 ق.
165. نسائی، احمد بن علی، کتاب الضعفاء و المتروکین، بیروت، دار المعرفة 1416 ق.
166. نصیری، علی، آشنایی با علوم حدیث، قم: حوزه علمیه قم، 1385.
167. نکونام، جعفر، پژوهشی در مصحف امام علی علیه السلام، رشت: کتاب مبین، 1382.
168. نوری، حسین، مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، بیروت: مؤسسة آل البيت علیهم السلام لإحياء التراث، 1408 ق.
169. نیشابوری، مسلم بن حجاج، صحیح مسلم، بیروت: دار الفکر، [بی تا].
170. واسطی، علی بن محمد، عیون الحکم و المواعظ، تحقیق شیخ حسین حسینی بیرجندی، قم: دار الحدیث، 1376.
171. هاشمی، سیدهاشم، حوار مع فضل الله حول الزهراء علیها السلام، چاپ دوم، قم: دار الهدی، 1422 ق.
172. هیکل، محمد حسین، زندگانی ابوبکر صدیق، مترجم: محمد مجدی، [بی جا]، [بی تا].
173. یعقوبی، احمد بن ابی یعقوب، تاریخ الیعقوبی، بیروت: دارصاد، [بی تا].

بسمه تعالی

جَاهِدُوا بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ

با اموال و جان های خود، در راه خدا جهاد نمایید، این برای شما بهتر است اگر بدانید.

(توبه : 41)

چند سالی است که مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه موفق به تولید نرم افزارهای تلفن همراه، کتاب خانه های دیجیتالی و عرضه آن به صورت رایگان شده است. این مرکز کاملاً مردمی بوده و با هدایا و نذورات و موقوفات و تخصیص سهم مبارک امام علیه السلام پشتیبانی می شود.

برای خدمت رسانی بیشتر شما هم می توانید در هر کجا که هستید به جمع افراد خیراندیش مرکز بپیوندید.

آیا می دانید هر پولی لایق خرج شدن در راه اهلبیت علیهم السلام نیست؟

و هر شخصی این توفیق را نخواهد داشت؟

به شما تبریک میگوئیم.

شماره کارت :

6104-3388-0008-7732

شماره حساب بانک ملت :

9586839652

شماره حساب شبا :

IR390120020000009586839652

به نام : (موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه)

مبالغ هدیه خود را واریز نمایید.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان - خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آبا ده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی - پلاک 129/34 - طبقه اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: 03134490125

دفتر تهران: 021 - 88318722

بازرگانی و فروش: 09132000109

امور کاربران: 09132000109



مرکز تحقیقات رایانگی

اصفهان

گامی

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

www.Ghaemiyeh.com

www.Ghaemiyeh.net

www.Ghaemiyeh.org

www.Ghaemiyeh.ir

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

